



سازمان کارگران انقلابی ایران - آرمینیا

پیام کارگر



بها ۶۰ ریال

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر | سال دوم نیمه دوم اسفندماه ۱۳۶۷

بهاران دگر

بهاران خجسته باد!



درسرا سرتا ریخ وپینه هائی که درخا طسر مردمان بیا دگا رنقش بستم و نیز درتا ریخ مکتوب و آنچه سینه به سینه نقل شده جنگ میان ستمدیدگان و ستمگران در هزاران چهره رخ نموده است. عرصه این نبرد از آوردگا ه سراسرنج و دردتولیدتا دور- ترین اقصادی فرهنگ و رسوم گسترده بوده و درنهایت گوناگونی و تنوع بی پایان - چه آنجا که لباس شعروغزل و ترانه درآمده، یا بهنجوائی درگوش کودکی زمزمه شده یا چون هجای آهنگینی درفضای کاروکارگا هبه ترنم درآمده و یا صریح بی هیچ پیچ و تاب و زور زوری بر پرچمهای سرخی که برفراز امواج انسانی معترض و مهاجم به هتزار درآمده نقش بسته است، - حماره بیان نا پذیری ایندوجبهه و اجتناب نا پذیری این روند تا ساختن

در صفحه ۲

خجسته باد ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن

لیست اسامی ۱۴۰۰ زن شهید

ضمیمه شماره ۴

مقام زن در اسلام

در صفحه ۸

اعلامیه کمیته مرکزی بمناسبت

۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن

در صفحه ۲

ورشکستگی اقتصادی و استقرار خارجی

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی جمهوری اسلامی و کردن نهادن ما حبان هیستری جنگ افروزی به آتش بس - این جا مزهرم - موجد "تغییری اساسی" در حکومت جمهوری اسلامی گردید، چه "جنگ مقدس" که از مدتی پیش به "دفاع مقدس" تبدیل شده بود، اینک میرفت تا در پوشش "ملح مقدس" رقم زنده حیات سیاسی حکومت فقها گردد. بآ زما زی مقدس" از جمله عوان وانصار "ملح مقدس" بود که می با بست "ایرانی های مقدس" جنگ را ترمیم کنند و زخمهای اقتصادی را مرهم نهد. اما اگر جنگ را میشد با فتوای جماران و مسامحت برادران فعال دربارها ز راهای سیاه تسلیماتی غرب، بگونه ای مقدس، پیش برد، با زما زی اقتصادی در نقطه مقابل، چندان به فتوای جماران و راه حوب الهه بسته نبود، جمهوری اسلامی بمنظور با زما زی اقتصادی، محتاج وجوه کلان ریالی و ارزی بود و این

در صفحه ۱۵

نامه ای از ایران ...

در صفحه ۵

جبهه خلق در پرو

پس از قریب به یکسال کار مقدماتی، نخستین کنگره "جبهه متحده" از تاریخ ۱۸ تا ۲۳ ژانویه سال جاری در شهر هوانا پایتخت کوبا - نزدیک لاس - پایتخت پرو - برگزار شد، نتیجه، این کنگره، بنیادگذاری یک "جبهه" خلق متشکل از هفت حزب و شمار بزرگی از فعالین گروهها و سازمانهای اجتماعی گوناگون بود. "جبهه متحده" تاکنون چیزی بیش از یک ائتلاف انتخاباتی نبود که از زمان برگزاری انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۸۵، دومین فراکسیون بزرگ پارلمانی - پس از فراکسیون حزب "اتحاد انقلابی مردم آمریکا" (ARPA) یعنی حزب حاکم برهیری آلان گارسیا رئیس جمهور فعلی

در صفحه ۱۲

نقد فیلم

در صفحه ۶

"مسلمانان هتل استوریا"

اعلامیه کانون نویسندگان ایران درباره سلمان رشدی

در صفحه ۱۱

افشای جاسوسی

علیه پناهندگان ایرانی

در صفحه ۳

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!



اعلامیه کمیته مرکزی بمناسبت

۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ۸، مارس ۱۷، اسفند روز جهانی زن را به زنان ستمدیده ایران، به عموم مبارزان را به آزادی و سوسیالیسم و بویژه زنان کمونیستی که در مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه از جمله و کارخانه تا سیاه‌پوهای رژیم حماسه می آفرینند، تبریک می گوید.

۷۹ سال پیش بدینسو، روز جهانی زن، روز جهانی بزرگداشت قهرمانی زنان پارچه باف نیویورک، همواره انگیزه‌ای بوده برای تشدید مبارزه در راه‌های زنان ازستمضای که برآنان اعمال می‌شود و توسط نظام مبنی بر استبداد و استعمار با ساداری میگردد. ما در ایران در بند ولایت فقیه، بیش از هر کجای دیگر، این روز، روز مبارزه، تا به آخر علیه قدرت دولتی است. چرا که تحکیم ساختار زن، به آشکارترین شکل آن، یکی از پایه‌های اصلی رژیم جمهوری اسلامی است. ایدئولوژی ولایت فقیه که چیزی جز بیابان صریح بی حقی عمومی و نفی تمام آزادی نیست، بویژه با تحقیر زنان به مثابه جنس و شهروند درجه دوم مشخص می‌گردد. در جمهوری اسلامی، زن هویتی جز بزارخوشی مرد و وظیفه‌ای جز تولید مثل ندارد. در این نظام جهنمی زن موجود "ناقص العقلي" بشمار می آید که با دیدبیش از پیش از فعالیت اجتماعی خارج شده و به گوشه آشپزخانه و چای‌خوابی و حرمسرا رانده شود، چرا که خروج وی از دستورات حاکمان "فتنه و فساد" در جامعه ندارد! زن آزاده و همدوش با مردان، همواره تهدیدی جدی علیه رژیم قرون وسطائی ولایت فقیه بوده است. از همین روستا ریخ ده ساله حاکمیت فقیه، قبل از هر چیز تا ریخ سرکوب و وحشیانه زنان است. در لحظه این دهه سیاه قدرت دولتی تمام امکانات خود را اعمال می‌کند تا از آزادی و مدنی‌بودن بیکار گرفته شده است تا بطور سیستماتیک و برپا مهریزی شده زنان را از فعالیت اجتماعی محروم کرده و آنان را برای همیشه در بستوی حرمسراها زندانی نماید!

آری! در کشور ما مبارزه برای آزادی زن مستقیماً با مبارزه برای سرنگونی رژیم فقیه گره خورده و یکی شده است. جنبش زنان برای رهایی، جزئی از مبارزه همگانی برای آزادی است و هرگز بدون آن راه‌های نخواهد برد. به همین ترتیب جنبش زنان در کشور ما از آنجنان ظرفیت بالایی در مبارزه برای آزادی برخوردار است که هر جنبش و اقناع انقلابی برای دمکراسی حمایت قاطع جنبش زنان نیاز حیا می‌دارد.

درخواست

انجمن زنان ایران - کلن

انجمن زنان ایران - کلن لیستی از شهدای زن در جمهوری اسلامی را منتشر کرده است که بعنوان ضمیمه همین شماره بنظر خوانندگان پرسیده است. این انجمن برای تکمیل این سند تاریخی از همگان خواستار همکاری شده است. ما ضمن ستایش از این کار ارزشمند انجمن زنان ایران - کلن، متن درخواست آنان را منتشر می‌کنیم.

"این لیست با جمع آوری اطلاعات از گروه‌های سیاسی مختلف ایرانی و با آشنایی با اعدا شدگان تهیه شده و احتمال دارد که اسمی در آن نیامده باشد. این مسئله بدون نظر قبلی بوده و از همگان خواهشمندیم در تکمیل و تصحیح لیست زنان مبارزی که در جمهوری اسلامی اعدام شده اند یا همگاری کرده و در صورت دردسترس داشتن اسمی غیر از آنچه که در لیست آمده، این اسمی را بدون در نظر گرفتن وابستگی سیاسی و گروهی همراه با مشخصات کامل اسم، نامیل، سن و در صورت امکان محل اعدام - به آدرس ذیل ارسال فرمایند."

با تشکر

انجمن زنان ایران - کلن

Iranischer Frauenverein
5000 Köln 1
Postlagerkarte
Nr. 039787 D
BRD

از صفحه ۱

بهاران دگر

دنیا شایسته که تنها و تنها کل روز حمت بر تخت نشیند و زحمتکشان بر آن فرمان برانند و دیگر هیچ!
آداب و رسوم و عیاد دنیا را این قاعده مستثنی نبوده و اغلب شادی و سرور زحمتکشان غم و بی‌خاری و ترس ستمگران را حکایت کرده، یکی در طلب نوساختن و بزندگانی نشستن، پنجره‌ها را بجان نور و روشنائی، رویش و بالندگی گشودن، رو بیدن آنهمه غبار غم و رنج و دست در دست دیگران به پای یکویی پرداختن و یگانگی و سرنوشت مشترک را تجربه کردن است و دیگری در بهترین حالت در پی پرکردن کیسه خود و "فروختن" اسباب شادی مردم و مالیات بستن بر شادی و سرور! و وای که اگر شادی ستیزی و دشمنی با هر چه زیبا و زیبائی است جزو نظام ایدئولوژیک، و از زنی یک حکومت نیز با شد و گریستن و موی سسر کردن و سیاه پوشیدن و بخاک سیاه نشستن نه تنها موهبت بل طریق رستگاری و "لقاء الله" و انموده گردد!

تا آستان بهار، تا آن زمان که تخم سرده زنتگی می‌با بدو زهای خاک آشکار می‌شوند چیزی باقی نمانده است. مردم میهن ما که پس از بیابان خیزشسان و در راه هییمائی سترگشان بسوی جهان دگر، به برکت! حضور رژیم ولایت فقیه بعنوان یکی از کربیه‌ترین، فدانسانی‌ترین، شادی ستیزترین حکومت‌های تمام تاریخ، هر نوروز را با باری طاقت فرسا از درد و رنج و فقر و ویرانی و مرگ بی‌بای میدارند و علی‌رغم مخالفت تمام می‌مبارزان زمانیا فتنه این رژیم فلاحت و مرگ، نوروز را گرامی داشته و به استقبال آن می‌شتابند و گوئی بر نوارهای قرمز سبزه‌های عیدشان می‌نویسند: ما جهانی دگر، بهارانی دگر می‌خواهیم!
قاتلان خنده و سبزه و رویت، آن‌ها که کمر بسته قتل عام میک‌نسل بسته و نفس خود زندگانی در تقابل با آن‌ها نیست، در سالی که گذشت چه بسا را زدلاوترترین فرزندان خلق ما را به مسلخ بردند و زخمی التیام نیافتنی بر قلب ما نشانندند.
آنان که تنها می‌نقشه‌های پلیدشان بسرای غلبه بر بحران و تثبیت حاکمیت سنگینشان با بن - بست مواج شده و هر پاس از خیزش طوفان یکدم رهاشان نمی‌کنند، به قصد بی‌آینده کردن جنبش مردم، مبارزان اسیر را کشتار کردند.

آنان می‌خواهند توان استقبال از شکوفه‌های بهاری را با برپر کردن هزاران شکوفه، هزاران کودک و پیرو جوان، از زنان زحمتکشان ما برپا بیاورند. اما مردم ما همچنان که هر ساله علی‌رغم مخالفت تمام می‌بار و جشن حیوانی رژیم با نوروز، به استقبال بهار رفته و با شادی و یگانگی عید ملی خود را بعنوان یکی از عمومی‌ترین، توده‌ای‌ترین اشکال مبارزه و مخالفت با حاکمان مرتجع بنمایش نهاده‌اند. اما سال نیز با برگزاری جشن نوروز توان و عزیمتشان را برای زندگی، برای پاسداری از شادی و خنده برآی نشان دادن نفرتشان از قصابان نشاط و زیبایی و بعنوان بیان انزجار از این حکومت، ارتجاعی نشان خواهند داد.
به امید آنکه روزی مردم میهن ما بویژه کارگران و زحمتکشان با بگور سپردن نظام ولایت فقیه وره - سپار شدن بسوی نظامی دیگر، نظامی که به استعمار و ستم و غارت پایان بخشد، شادی و نشاط را برای همیشه مهیا نمائند و نوروزشان بهارانی دگر برای همه بهارمان آورد.

* مولوی: تخمی که مرده بود کتون یافت زندگی را زی که خاک داشت، گشودن گشت آشکار

افشای جاسوسی

علیه پناهندگان ایرانی

روزنامه مهیا جری که در سوئد منتشر می‌شود به نقل از روزنامه تریبون ژنو ۲۳ ژانویه ۱۹۸۹ مطالبی در مورد جاسوسی عوامل جمهوری اسلامی در سوئیس علیه پناهندگان مقیم آن کشور منتشر کرده است. مطابق گزارش مفصل روزنامه تریبون ژنو، مدارکی که طی حمله ایرانیا ن به کنسولگری جمهوری اسلامی در ژنو بدست آمده نشانگر اقدامات وسیع مزدوران نفیض علیه پناهندگان است. بخشهایی از این مدارک که در زمان حمله به بیرون از کنسولگری پرتاب شدند، توسط پلیس به وزارت خارجه سوئیس منتقل شده که هنوز بررسی بر روی آنها پایان نیافته است. مطابق این مدارک که بنظر مقامات وزارت خارجه سوئیس حاوی دلائل زیادی در مورد اقدامات غیرقانونی مقامات سفارت جمهوری اسلامی است، علاوه بر گزارشهایی که کنسولگری ایران در سوئد پناهندگان تهیه و به ایران ارسال می‌داشت، قرار بود که وکیل کنسولگری فهرست نام پنج هزار ایرانی موجود در بایگانی پلیس فدرال سوئیس را که از طریق غیرقانونی بدست آورده در اختیار کنسولگری قرار دهد. این اقدامات و مشابه آن که هر روز در تمامی کشورهای اروپائی و آمریکا صورت می‌گیرد رسواکننده رژیم است که با نقض آشکار تمام مقررات بین المللی به تعقیب و ترور مخالفان خود در تمامی کشورهای دست می‌زند. اگر مخالفان رژیم در کشورهای دیگر مورد تعقیب و حمله آدمکشان جمهوری اسلامی اندوخته‌ها را از آنان هم در شکنجهگاه‌ها کشتار می‌شوند، دیگر حق ایرانیا ن برای برخورداری از حقوق پناهندگی در همه کشورها، چه نیازی به اثبات و ارائه مدرک ندارد؟ و چگونه است که دولت‌های با مصلح آزاد و متقدم، با اشکال تراشی‌های فراوان در این راه سنگ اندازی می‌کنند و بدتر از آن، چنانکه در موارد متعدد در کشور سوئد دیده شده، متقاضیان پناهندگی را دیپورت می‌کنند!

توضیح

هئیت تحریریه

این شماره پیام کارگر آخرین شماره سال ۱۳۶۷ است. "پیام کارگر" شماره نیمه اول فروردین ۶۸ بعیت مصادف بودن با عید نویز منتشر نخواهد و اولین شماره سال جدید در نیمه دوم فروردین ۶۸ عرضه خواهد شد.



در دوران ما، طبقه کارگر تنها طبقه‌ای است که قادر است استوار و پیگیر برای دمکراسی و بنا بر این برای رهایی زنان از اسارت و بردگی جنسی سکنند. جنبش انقلابی طبقه کارگر، مستحکمترین و واقعیترین تکیه‌گاهی است که جنبش زنان می‌تواند به آن استکا کند و از آن نیرو بگیرد. همچنین نبرد کارگران برای رهایی، بدون برانگیختن زنان، یعنی نیمی از جامعه، نبردی عقیم بوده و نخواهد توانست کلیت بورژوازی و انواع رنگارنگ ارتجاع را به زانو درآورد و به زباله‌دان تاریخ پرتاب کند. جنبش دمکراتیک و انقلابی زنان در کشور ما، عمیقاً با نبردهای سوسیالیسم گره خورده است و این دو جنبش باید بکدیگر را تقویت نمایند.

زنان آزاد!

روزی که زن را در شرایطی بزرگ میدانیم که رژیم ضد بشری ولایت فقیه در دهه هفتم سال حاکمیت ننگین خود، برای جلوگیری از ریزش پایه‌های ستم و بهره‌کشی، وحشیگری را به اوج خود رسانده، بدنیا لاعداد هزاران شیرزن و مرد قهرمان در سیاهچالهای مخوف، به پناه "توهین" به اسلام و خاندان رسالت تعرض تا زهای را برای تشدید سرکوب و تحکیم خفقان در سرتاسر کشور آقا زکرده است. و روشن است که چون همیشه، زنان اولین قربانی این بازی تلخ و مسخر خواهند بود.

این همه، اما، با ردیگر تائیدی است بر این حقیقت مسلم که بدون مبارزه قاطع و پیگیر علیه جنایات و فحایح جمهوری اسلامی و بدون سرنگونی آن، مطلقاً هیچ بهبودی در هیچ عرصه از زندگی توده‌های ستم‌دیده حاصل نخواهد شد. برای گسستن زنجیرهای اسارت، برای پایان دادن به بردگی و ذلت و برای درهم شکستن حاکمیت سیاه ولایت فقیه بی‌خیزید. در این نبرد مرگ و زندگی، شما با طبقه کارگر و عموم محرومان و ستمدیدگان هم‌دوشید. دست همسنگران خود را بگیرد و صف نبرد برای آزادی و سوسیالیسم را فشرده تر سازید.

در هر نبرد، پیروزی از آن کسی خواهد بود که قاطعانه ترمی جنگند. رژیم فقیه، حاکمیت شکنجه و اعدام، تنها با سلاح فولادین شکل و آگاهی و از جان گذشته از پای در خواهد آمد. پس همه جا دوش به دوش کارگران و زحمتکشان با شما را آزادی و برابری اجزای متشکل شوید، از فداکاری شیر - زنانی که با عشق به راهی توده‌ها اتاقهای شکنجه و میدانی شیر را فتح کردند، آنها ما بگیرید و محکم و استوار در جاده رهایی و آینده روشن ما مبارزید!

زنده باد جنبش زنان برای آزادی و برابری!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۶ اسفند ۱۳۶۷

قرارداد ۲ میلیارد دلاری

بین ایران و ترکیه

بدینال مسافرت یک هیئت ایرانی به سرپرستی نخست وزیر رژیم به ترکیه، جمهوری اسلامی اعلام نمود که در سال آینده، برای ۲ میلیارد کالو اجناس بین ایران و ترکیه مبادله خواهد شد. این مبلغ به نسبت سال گذشته ۲۰۰ میلیون دلار افزایش یافته است.

طبق این قرارداد طی سال آینده، ترکیه ۵ میلیون تن نفت از ایران خریداری خواهد نمود و در مقابل جمهوری اسلامی، آهن، گوشت، فولاد، مواد شیمیائی، مواد بهداشتی و دیگر کالاهای اساسی مورد نیاز را از ترکیه وارد خواهد نمود.

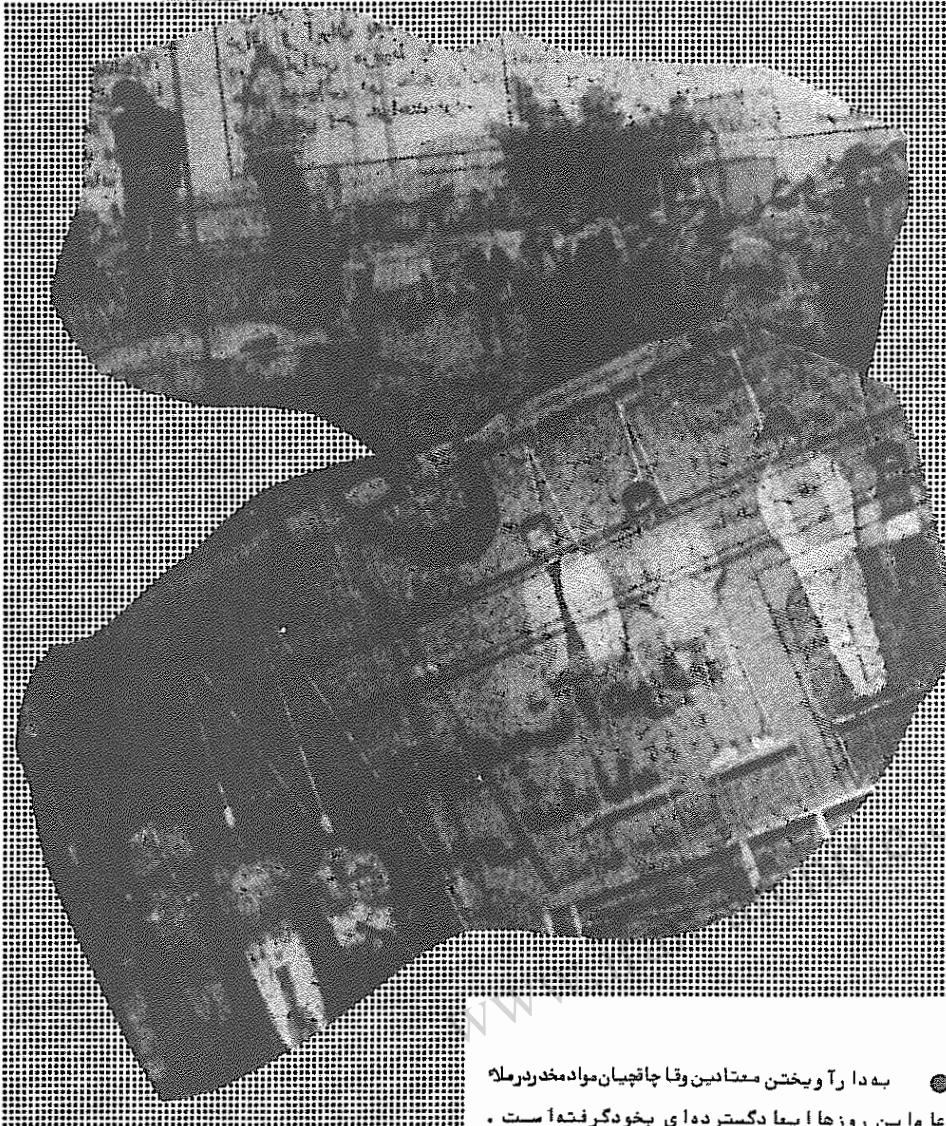
دولت ترکیه در این دیدار به رژیم ایران خاطر نشان ساخت که از هرگونه فعالیت ضد ایرانی در ترکیه ممنوع خواهد بود.

حاکمیت باندها و گروههای فشار

بهزاد نبوی وزیر منابع سنگین رژیم خمینی طی مصاحبه‌ای با کمیته پیرامون فعالیت احزاب اعلام نمود که "مشکل امروز ما، علاوه بر فکری بوده و هیچ فکر منجمی وجود ندارد... به دلیل نبودن فکر منجم و وجود افکار متضاد و جناحها، باندها و گروههای مختلفی هم در مملکت وجود دارند. گروههای فشار، قدرت و غیره که هیچکدام تا بلووا هم‌رسم مرا نام، اما سنا مه و خط مشی تدوین شده منظم و منسجمی هم ندارند. به همین دلیل نیز با روشهای نامناسب با یکدیگر برخورد میکنند". البته اعتراض نبوی بیشتر به خود افشاری‌ها است که جناحهای رژیم از هم دیگر میکنند و ترس او بیشتر در این نهفته است که حاکمیت باندها و گروههای فشار رسماً انجام تا حال او نیز گرد و گردن دلیلی ندارد که دزد هم راه‌ها قافله نیز زنان به اعتراض بگناید.

سوزگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

قربانان ستمگری سرمایه، برچوبه‌های دارفقها



● به‌دارآویختن معتادین و قاچاقچیان مواد مخدر در راه عام این روزها ایما دگسترده‌ای بخود گرفته است. جمهوری اسلامی که جز مرگ و فقر و فلاکت دستاورد دیگری نداشته و نخواهد داشت، معتادان و قاچاقچیان مواد مخدر را به عنوان "مصدق با رز"، "وسیون فسی" الارض فسادا، "درچهاراها و میادین شهرها به دار

می‌آویزد، عکسها گوشه‌هایی از "روش" و "مهرسور" عظوفت اسلامی در مبارزه با مواد مخدر و معتادان و "آموزش اسلامی و انسانی" به مردم برای دوری‌گزیدن از اعتیاد و قاچاق مواد مخدر را نشان میدهد!

روزنامه‌ها اطلاعات طی مقاله‌ای اعلام داشت که دولت یکپه‌ا ر میلیاردرتومان به نظامیانکی کشور مقروض است. این خبر در حالی انتشار می‌یابد که مسئولین رژیم از اعلام رسمی آن واهمه دارند و تاکنون رقم واقعی در این مورد را اعلام نکرده‌اند.

رژیم اعلام نمود که طی نه ماهه اول سال جاری در مقایسه با سال قبل ارزش صادرات غیرنفتی ایران ۲۷ درصد کاهش یافته است. در همین زمان صادرات غیرنفتی به نصف تقلیل یافته و حدود یک چهارم ارزش صادرات غیرنفتی به صادرات بسته تعلق دارد.

وزیرکشتا و رزی رژیم اعلام نمود که "با این قوانین مفرکه برای تربیت نیروی انسانی سطح عالی به وجود آورده اند در ب‌های موسسات تحقیقاتی کشتا و رزی ما در آینده بسیار نزدیک بسته خواهد شد".

چند خبر کوتاه

— دربی مذاکراتی که میان الیاسون نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در تهران و بغداد دیبا مسئولین دورژیم داشت، ایران و عراق با تشکیل کمیسیون نظامی موافقت کردند. مذاکرات ایران و عراق از ۲۲ هفته پیش قطع شده بود.

— نوزاله عابدی نماینده مجلس رژیم اعلام نمود که طی سه ماهه اول سال جاری شرکتهای دولتی در ایران ۸/۵ درصد کاهش تولید داشته‌اند.

— در مراسم لگرد انقلاب، امسال برخلاف گذشته از طرف خمینی پیامی داده نشد. خامنه‌ای دوماستی که به همین منظور برگزار گردیده بود شرکت جست و ضمن یک سخنرانی اظهار داشت که "میان ما اختلاف نظر وجود دارد ولی در یک جنگ قدرت با یکدیگر درگیر نیستیم". در این مراسم همچنین قطعنامه‌ای در ده ماهه قرائت شد که شرکت کنندگان در آن "وحسدت و انجما چنا چهای فکری کشور را طلب میکردند.

قطع رابطه سیاسی با انگلستان

● بر طبق گزارش خبرگزاری رسمی ایران دولت جمهوری اسلامی اقدام به قطع مناسبات دیپلماتیک خود با بریتانیا می‌کند. این اقدام پس از سه‌ماهه مدتی مهلت یک هفته‌ای تعیین شده از سوی مجلس شورای اسلامی که طی آن انگلستان می‌بایست در مورد کتایب "آیه‌های شیطانی" نوشته سلمان رشدی به نظرات جمهوری اسلامی گذاردن گذاشته و انتشار کتایب را متوقف کند، صورت گرفته است. دولت خانم تا چر علی‌رغم واردات نشتن انتقاد به کتایب مزبور حاضر نشده که تقاضای ایران را بپذیرد و این در حالیست که بر طبق اظهارات ناظران سیاسی احتمال کشته شدن گروهک‌های انگلیسی در لبنان بدست مزدوران جمهوری اسلامی وجود دارد. بدینال اقدام به قطع روابط دیپلماتیک با انگلستان از سوی ایران، انتظار می‌رود که کشورهای عضو سازمان مشترک اروپا به تقاضای انگلستان اقدام به تنبیهات سیاسی و یا حتی اقتصادی در قبال ایران نکنند.

مصوبه جدید برای

شرکت کنندگان در کنکور

● دانشگاه و کنکور هر سال با توجه به شرایط و موقعیت رژیم وضعیت خاصی به خود می‌گیرد و در این رابطه است که هر سال مصوبه جدیدی برای متقاضیان شرکت در کنکور اعلام می‌گردد. طبق تصمیم شورای انقلاب فرهنگی، سال آینده متقاضیان علاوه بر شرایط اختصاصی (معدل و غیره) باید دارای شرایط عمومی از قبیل "تدا شتن معنا دنیا نظام جمهوری اسلامی، عدم احراز فساد اخلاقی و..." باشند. ویژگی جدید در این راه در اختیار قرار دادن درصدهای از صندوقهای دانشگاه به "خودیها" است که طبق آن "دا و طلبان کنکور سال آتی منحصر در یکی از هشت سهمیه تعیین شده جایگزین میشوند". این سهمیه‌ها عبارتند از: سهمیه مناطق بر اساس بخش محل اخذ مدرک تحصیلی

سهمیه جانبازان: شامل جانبازان سهمیه خانواده شهدا: مخصوص برادر، خواهر و همسر شهید سهمیه شاه: برای جانبازان و فرزندان شهدا و مفقودین سهمیه رزمندگان: شامل کسانی که در جبهه بوده‌اند سهمیه آموزشیان نهضت سوادآموزی سهمیه جیادگران شامل اعضاء جیادسازندگی سهمیه عشایران شامل دا و طلبان عشایر باران شگواهی از دفتر مرکزی جیادسازندگی حال حساب کنندگان این تقاضای کدام "غیبر خودی" خواهد بود تا نسبت راه به‌دار نشگاه بیاید.

با پیام کارگر همکاری کنید!

گزارشی از مراسم بزرگداشت یک زندانی سیاسی

● مادران زندانیان سیاسی، که برخی از آنها نیز غذا ربودند، در خانه یکی از شهدای قتل عام زندانیان سیاسی گردآمده بودند، ما در شهید گفت: "به روز برای ملاقات به گورهدشت رفتیم، یکی از آدمائی که دوروبر زندان قدم میزد، از من پرسید که "برای ملاقات زندانی او صدین؟" گفتم "آره". با نا راحتی گفت "شمیدونی ما درجه بلائی سرزندانی... ها میارن، من خونه من نزدیک زندان، هر شب صدای تلیک گلوله میاد، صدای ملوات والله کبر و صدای سرودخواندن، ما دیده آرایش ندا ریم، شمیدونم چسرا مردم خوابن".

زن جوانی گفت: "آنگاه ملاقات نره انگار بهتره، آدم درب و دا غونو دیوونه میشه، من چن وقت قبل به ملاقات برآم رفتم، دیدم مث گوسفند تریونی ای که پوستش وبا دکرده باشن، با دنده بود، وقتی پا ساری که مواظب ما بود کنارت رفت، برآم درمیواشکی لباس ها شویا لازد و پشتشو به من نشون داد، کتفش به اندازیه بشقا بسوخته بود و فرورفتگی داشت، می گفت: "این تازه چیزی نیس، به مردم بگین که ما چی می کشیم".

دردمندان و در دکشیده ها زبان گشوده بودند و سفره دل را بی ترس و بی پیرایه باز کرده بودند: "بچه ای من، هر وقت میرم ملاقاتش دست اتحاد نشونم میده، هی میگه، هر چی اینجا می بینی به مردم بگو، اینجا اینک حال و احوال ما میل هانسو اول بیره، همینومیکه، طفلکی نی دونهست ما چقدر بی بته و ترسودیم، آگه ما دسته جمعی کاری مسی - کردیم و ناجرات نمیگردن اینجوری بچه ها مونو قتل عام کنن".

"آخه ونا تک تک این کارو کردن، ملاقاتشو نمیگردیم که به مرتبه اینکارو ببکن".

"بچه ای منم که آژاد شده، همیشه مریضه، چهل و هشت ساعت از با آویزونش کردن، حال ما میاسر درد داره یا ناراحتی قلبی".

"تو ملاقاتی بهش میگفتم با اینا اینقدر لاج - بازی نکن، به کمی راه بیا، می گفت، آخه اینا از من چیزی میخوان که من نمی توانم انجام بدم، ونا میخوان شرافت منوازم بگیرن، ونا میخوان بعدا ما با سرافکنده گی و خجالت زندگی کنیم، یعنی مرده متحرک باشیم، مرگ اینجوری بهتر از اون زندگی کرده. بعدا فهمیدم که از اون میخواستن که یکی از دوستان ما عدا مکنه".

"به من گفتن، ده هزار تومان و به جعبه شیرینی ببرم، فکر کردم میخوان بچه موآزاد کنن، ونا - بول و جعبه شیرینی رو گرفتن و بعد ساک بچه موکسه ا عدا مش کرده بودن به ما دان".

"بچه ای منم همین وضو داشت، قرار بوده ماه بعد از ادش کنن ولی ا عدا مش کردن، ونا در برابر اعترافش برادرش گفتن، اون حرف گوش کن نبوده!

نامه ای از ایران...

تا زه بی شرفا ۲ هزار تومان هم میخواستن تا ساک اونو تحویل من بدن".

"بچه ای من میگفت، آگه واسه ی ما کریسه کسین ما ازتون راخی نیستیم، راست میگفت، راهی بود که خودتون انتخاب کردن".

"ا امروز صبح رفته بودم ملاقات پسر، دوسه نفر دیگه مونده بود که نوبت به من برسه، که یکی از ما درها فریاد زد "مرگ بر خمینی، مرگ بر این جلادو جلادها، بچه موکشین، ازتون انتقام میگیریم، مطمئن باشین، مردم پدر ما رو در میان، پاسدارها کتون کتون بردن تو زندان، ما ما مار همینطور دادیم زد، "میا پدرگ، میا مقاتل، منم بکشیدسگ برینه به عما می آقا".

"شمیدونی ما در چقدر ساک روی هم تلنبا ر شده بود، یکی از اون کثافتا پشت بلندگو گفت، برین دنباله کارتون، همه ای اوناه که توی آسایشگاه بودن ا عدا مشدن".

همدردی

● دختر دانش آموزی، که گوئی انتظار معلم کلاسن را میکشید تا غم دل با او بگوید، با دیدن معلمش بسوی آنها دوید، همان معلمی را که بیشتر دوست میداشت به کناری کشید و تنگ گوشش گفت:

"خانم مویم را کشتند"

معلم چیزی نمی گوید، به چشمهای پراشک و گلگون دختر خیره میشود و آرمها و میگوید:

"۳ هفته پیش تو هر من را هم کشتند!"

خانم معلم خیرا عدا مشوهرش را، بخاطر ترس از خراج از مدرسه، (مدرسه ای در جنوب شهر تهران)، تنها به کسانیه که ا عدا مکنه، میگوید، معلما ن و کارکنان مدرسه که از ا قعه خیردارند به او تسلیمت میگویند و با او همدردی میکنند، مدیرو مسئول امور تربیتی مدرسه از ا قعه بی خبرند، یکی از دبیران حزب اللهیه که همسایه خانم معلم است پس از چند روز او را کناری کشید و گفت:

"به شما تسلیمت میگویم، من خیلی ناراحتم، باور کنید من در مورد هیچ مساله ای خبرچینی نکرده ونمی کنم!"

از روزی که خانم معلم خیرا عدا مشوهرش را به دختر دانش آموزی که عمویش ا عدا مشده، گفته است هر روز عدا مشی زندانش آژاد موزان برای ادای احترام و تسلیمت گفتن به خانده معلم خود میروند.

● مسئولین کمیته ها بدنبال اعترافات مردم به ا عدا مشها به "داستانهای اوین" گفته اند، که تا دیگر نمی توانیم با سگوباشیم، بهتر است خیرا عدا مشها را خودتان به والدین و اقوام آنها بدهید و لواز م شخصی آنها را نیز خودتان به اقوام ا عدا مشی تحویل بدهید!"

گورهای دسته جمعی در سرتا سیران

● در جنگلی نزدیک به ما مزاده ها شم، که جنگل سراوان نام دارد، گور دسته جمعی دیگری کشف شد! چوبانی که گله اش در این منطقه در حال چرا بود، سگی را که دست انسانی به دندان دارد می بیند، او وحشت زده ا هالی روستا را خبر میکند و در اطراف منطقه به جستجوی جسد ا حب دست میروند، در این جستجو گور دسته جمعی می یابند، گوری که ۴۵ جسد تیرباران شده در آن ریخته بودند، در میان اجساد، که اجساد زندانیان سیاسی بود، تعدادی دختر نیز وجود داشت.

● طبق اخبار دریا قتی اخیرا در زندان میان ۳۵ نفر از فرزندان خلق توسط رژیم خیمینی اعدام شده اند.

● ۸ تن از زندانیان سیاسی که اهل نمین (یکی از بخشهای شهرستان اردبیل) و روستاهای اطراف آن بودند به جوخه ا عدا مش برده شدند و به شهادت رسیدند. در اسد با دهمدان حد اقل تا اوائل آژاد ماه ۳۰ زندانی سیاسی ا عدا مش شدند که گویا ا عدا مش در همان صورت گرفته است، احتمالا ا عدا مش در او آژاد ماه و اوائل آژاد ماه صورت گرفته است، برخی از ا عدا مشندگان شهرهای میان به بخت نمین اردبیل واسد - آژاد دهمدان روزهای آخر محکومیت خود را میگذرانند.

مرگ پشت در بیما رستان

● "بیما ری بیضا عت که دچار حمله قلبی شده بود با وجود اینکه در بیما رستان شهید تریت رضوی تخت خالی وجود داشت، بخاطر مبلغ ۴ هزار تومان ودیعه پشت در بیما رستان ماند تا جان سپرد" (کنیان ۱۴ اسفند) مطلب آنقدر گویاست که احتیاج به هیچ گونه توضیح ندارد، گوشه ای دیگر از جنایات رژیم که خود را "حامی مستضعفین" میداند مدعی است که بزودی مشکل پزشکی را حل خواهد کرد، با نمونه بالا به اکتا رجید رژیم برای حل این معضل میتوان به راحتی پی برد.

قیمت گفتگوی جنس مخالف!

● نقل خبر از یکی مسافر: دو هفته پیش در شهر همدان سیاهپاداران رژیم اسلامی دختر و پسر را که در خیابان با هم صحبت میکردند بدلیل نهی از منکر دستگیر نمودند، آنها در دفاع از خود اظهار کردند که نا مزده ستند، سیاه در تحقیق از خانوادده دختر متوجه شده که آنها رسما نامزد نبوده اند، پس از آن پسر بیچاره را زیر شکنجه های وحشیانه ببردند، پس از اینکه او بحال ا عدا مش درآمد به بیما رستان منتقل نمودند که ۲ ساعت بعد فوت کرد، جسد او هم کتون در سردخانه همدان قرار دارد، سیاه در تحقیقات نهی متوجه شده است که او اهل همدان نبوده است!



نقد فیلم

عباس سماکار

هنر

فیلم "مهمانان هتل آستوریا"

نویسنده و کارگردان : رضا علامه‌زاده
 نور : چارلز برشت
 دوربین : بارب دپا هری
 صدا : یوسف شهاب
 مونتاژ : منوچهر
 موسیقی : اسفندیار منفردزاده
 بازیگران : شهره آغداشلو - ناصر
 رحمانی نژاد - کامران نوزاد - محسن مرزبان

- ویداقهرمانی - پرویز فیروزکار - هوشنگ هفت
 توزیع - بهرام وطن پرست - شریا مفید و دیگران
 تهیه‌کننده : بنیاد سینما "برداشت"

۱۹۸۷ - مدت ۱۰۵ دقیقه
 ۲۵ میلیمتری - رنگی - بزبان فارسی

چه برای آنها شی که جاشی و "پناهی" می‌یا بند. هیچکس اختیاری برای انتخاب ندارد، آنها که مانده اند و آنها که آمده اند هر دو در غذا بندوا بین حادثه است که همه چیز را تعیین میکند، حادثه‌ای قاتونمند، همه آمده، با چشمانی نگران درغبار حادثه به تنهایی گلی و شکستی ماندمیشوند که چهره‌ای یکسان می‌یا بند. این ممبیتی عمومی است، فیلم با رانی از حوادث گوناگون است که پشت هم پیش می‌آیند و مرتب تعادل آنان را بهم میزنند، هیچکس فردای خود را نمیداند و آشکار نیست بر سر این گروه کوچک مردم نمونه‌وار، که در یک مسافرخانه فکسنسی در استانبول ترکیه جمع شده اند چه خواهد آمد و سر پناه و امیدشان که خواهد بود این گروه را چند فردی خواهند برانی تشکیل میدهند که نه به میل خود، که از سرتاق یکجا گرد آمده‌اند، حلقه را بط آنها فردی قا چا چقی است که سباب رد کردن آنها از مرزها هم کرده است، برای همه آنها انبوه مشکلات در پیش است، بر اثر رویدادها از هم می‌پاشند دیگر با هم دیگر را ببینند، دوری فرزندان غذا بشان میدهد، بی اعتباری و سردرگمی بر آنان حاکم است، بولشان را میخورند، مجبورشان می‌کنند، کندر شده بدهند، تحقیر میشوند، التماس میکنند، کتک میخورند، شکنجه می‌بینند و میمیرند و یا به جاشی که نمی‌دانند که جاست و نمی‌دانند بر آنها چه خواهد گذشت میروند، اکثر آنها تصور خام‌آز پذیرفته شدن - بمشابه پناهنده ... در سر دارند، اما در هلند همگرا تیک و همچنین در آمریکا غول آسا - که در نماشی زیبا از فیلم، ورود به سالن عظیم فرودگاه، از آن بنمایش در می‌آید - نیز همانند ترکیه عقب مانده و دیکتاتور زده با آنان رفتار میشود و هر کجا بشکلی مورد تحقیر قرار میگیرند، در هلند حتی به "پوری" و "گریمنیا" اطلاع نمی‌دهند که قصد دارند آنها را به ترکیه بازگشت دهند، آن‌ها را مانند بسته‌ای برگشتی تحویل هواپیما میدهند و بر میگردانند، گوشتی چنان زور و تحقیری بر حرمی به وجود آسان سرز نمی‌شاند و حق زیستن و در امنیت بودن سراسری بیش نیست، تصور "پوری" و آشنای دیگری آنکه کودکی اینجا و آنجا باز آیند و تا همین اجتماع شامل حالشان شود پنداری است، کودکی که در این شرایط بدنیا می‌آید نیز سرنوشتی کم‌ترس آورتر در پی ندارد.

فیلم، داستان و سرگذشت مردمی است که گوشتی از هیولائی میگریزند و به سرزمین هیولاهای دیگر میرسند، رویدادها در کنار هم و برای همه به پیش میروند و از میان آنها، در کنار آنها زندگی یک زن "پوری" دنبال میشود و با پایا تراژیک خود میرسد، اما هم سرنوشتی در سراسر فیلم موج میزند، پیش از نماش تراژیک پایا نیسی، تراژدی در طول فیلم مکرر پیش می‌آید، سرنوشت دختر خانوادۀ "ضیائی" که به فحشا کشیده میشود، سرنوشت غم‌انگیز "آقا تقی" و "مهین خانم" که ناچار از زنا زگشت میشوند، سرنوشت افراد فعال سیاسی که به ایران تحویل داده میشوند و تنها یکسان سرگذشت زن حامله دیگری که در آخر فیلم، با حال و روز مشابه "پوری" به صحنه می‌آید و در رویای خود همان "پوری" را می‌پرورد، همان تراژدی است، و بدین ترتیب سرنوشت برای مسافران جدید نیز آغاز به شکل گیری میکند و سیر پر از رنج و تحقیر و بر بار در رفتن آن‌ها تکرار میشود.

شخصیتهای فیلم غالباً نمونه‌وار انتخاب شده‌اند؛ دانشجوی، معلم، کارمند، کاسب، سربازان فراری، فعالین سیاسی و بچه‌ها، اکثر آن‌ها زمردمی هستند که دستشان بدعا می‌رسد و توانائی مالی خروج از مرزها دارند، تنها "آقا تقی" و "مهین خانم" هستند که مردمانی بی چیز اند و خروج آنها علت ویژه‌ای دارد، غالب آنها تکاشی به پشت سر خورده‌اند، نه زندگی دلخواهی داشته‌اند نه چیز دلبنده‌ای

امروز پس از یک دهه سخت گذرا زندگی در خارج کشور، هنر و ادبیات ایران در تبعید، میروند تا با بگیرد و به بررسی حال و روز مردم ایران و گستره‌های گوناگون زندگی آنان بپردازد، آثاری بسیار که بتازگی آرا شده اند نشانهای از این خیزش چناندا رومستولانه است، اگر این حرکت اندکی دیرینتر میسر شد، به شرايطی بر میگردید که هنرمند و نویسنده ایرانی با آن مواجه بوده است.

بدنبال فرود آمدن تیغ سیاه خفگان و سرکوب در ایران و آواره شدن بسیاری از ایرانیان در هر گوشه، این جهان پنهان و هنرمندان ایرانی هر چند در هم خلاق می‌بودند، توانست بلافاصله در محیط جدید یکا ر خلاقه دست بزنند، بیش از هر چیز لازم بودی خود را در این وضعیت تازه با زیاده، از با ضربه‌ای که به او وارد آمده و از گنج سربدرا آید و ضمن تلاش برای، معاش و دیگری با انبوه مشکلات حقوقی، خانوادگی و عاطفی خود، گذشته دور و نزدیک را به نقد بکشند و زندگی مردم را نیز در این فضای تازه بشناسند، اکنون چنین می‌نماید که این امر واقع شده است و این جوش و حرکت، نتیجه آن نقد و خودیابی و شناخت است، اما در هنر سینما مشکلات بزرگ با زهم‌های است، اگر خلاقیت در هنرهای دیگر و بخصوص در ادبیات و شعر با مشکل مالی بزرگی مواجه نیست، برای ساختن فیلم و لاین مسئله وجود سرمایه هنگفت است.

هیچ سازمان و بینگاه تولید فیلم در خارج ایران، چه دولتی چه خصوصی، به آسانی حاضر نیست سرمایه‌اش را بدست فیلمساز غریبه‌ای بسپارد که او را نمی‌شناسد و بیوی اعتماد ندارد و نمونه‌کارهای پیشین او را هم ندیده است، برای ورود به دایره بسته چنین شرکتها، آراشه مدرک و دیپلم از این و آن مدرسه و فستیوال همراهی نمی‌گشاید، با این ترتیب فیلمساز ایرانی بسیار بیشتر از هنرمندان دیگر در تنگنا است، خود سرمایه‌ای ندارد و رابطه‌اش با همکاران نیست، هر چه هست، تلاش و سخت‌کوشی است تا شاید پداری به جاشی گشوده شود، چند فیلم ایرانی که تا کنون در اروپا و آمریکا بر پرده آمده است همگی به همت و جسارت و خطر کردن سازندگان آنها تهیه شده است، این سخت‌کوشی و جسارت، منهای ارزش خود این آثار - فی‌نفسه قابل تقدیر است.

فیلم "مهمانان هتل آستوریا" سومین فیلم از "رضا علامه‌زاده" در خارج ایران است، دو فیلم اول هر دو کوتاه هستند، یکی "آخرین بدرود با دکتر ساعدی"، مستند، ۱۶ میلیمتری، رنگی، بخشی از یک پروژه بزرگ بنام: "هنر و ادبیات ایران در تبعید" است که در سال ۱۹۸۵ در پاريس ساخته شده و آنجا مکل پروژه بنا به مشکلات مالی به بعد موقوف گردیده است، فیلم دوم "چند جمله ساده" نام دارد، فیلمی اسبست داستانی برای کودکان، ۱۶ میلیمتری، رنگی و در سال ۱۹۸۶ در هلند تهیه شده و تا کنون با استقبال فراوان منتقدان جهانی روبرو بوده است، این فیلم سه جایزه بزرگ "بهترین فیلم کوتاه" از سه فستیوال مهم جهان، مسکو، لوزان و استکهلم را بدست آورده است، اما فیلم سوم سینماشی است که صحنه‌های متفاوت آن در ترکیه هلند و آمریکا و با صرف هزینه‌زیاد تهیه شده است.

فیلم آغاز قصه درازمردمی را با میگریزید که هراسی و بی پشتیبا ن و تحقیر شده بر گول خود را ندکی انباشته اند و از رنج و کابوس میگریزند، کابوسی که طومار هستی آزادانه را در خانه و کاشانه خود می‌خشکانند و تا بومی کنند، آنها بهر گناه میروند و شوری و تحقیر و رنج بدنیا لشان روان است و چنانچه هم‌جا با آنان است که گوشتی هم‌زادشان میشود، سرگذشتی تراژیک و دردآور و برای همه، چه برای آنها شی که با زگشت داده میشوند چه برای آنها شی که نیمه راه می‌مانند و

بازی‌های این فیلم‌ها می‌کند، اگر در آنجا پرویزقنی زاده در اوج قرار داشت در اینجا شهر آغدا ثلوتوانی چشمگیر نشان می‌دهد و بازی او در نقش "پوری" از کیفیت ویژه‌ای برخوردار است، حرکت دینا میک‌اندو موجه و بازی جا سدار چشمهای او چنان به بیان مقصود کارگردان بازی می‌دهد که اگر نمی‌بود، چیزی چشمگیر از فیلم کم می‌آمد.

مجموعه دیگری از بازی‌های ارزنده حرفه‌ای و هنری در اختیار فیلمساز بوده که فیلم را تا این حد موفق ساخته است. از آن جمله اند: کریم، لباس، دکور، دوربین، نور، مونتاژ موسیقی.

موسیقی با درک درست از سبک کارگردان، بیانی از خطایری بخود گرفته است. در بسیاری لحظه‌ها خامی می‌گزیند تا دیگری بسرا بدو به دنباله روی دچار نمی‌شود، و آن‌گاه که رویدادی تازه شکل می‌گیرد و حضور او را می‌طلبید به خسروش می‌آید. منفرد زاده در اینجا بهترین درک خود را از موسیقی فیلم را شده است. و این درختان تریب اثر و بشیوه‌ای نوین است. موسیقی در برابر فیلم حالتی صورت گرفته و در خود می‌گیرد، حضور خود را بی‌ضرورت بیان نمی‌کند، مگر آنکه نهاد مستقل خود را در هماهنگی با سایرین به‌یاری فیلم به پیش‌کشده و به‌یاری در بیان کلی تبدیل گردد. موضوع موسیقی نیز با احساس ما مردم هماهنگی دارد و خود به یابی سنتی را تداعی می‌کند.

سبک کارگردان
اگر در تاریخ سینمای ایران چند نقطه عطف بوجود آمده باشد، ساخته شدن چنین فیلمی یکی از آنها است. نقطه عطف بخاطر ایجا دسبکی نوجو سوره است. در همان آغاز فیلم، بیش از آنکه موضوع داستانی باشد زود بیننده را تحت تاثیر بگیرد، این سبک کارگردان است که بطور برجسته‌ای چشم می‌آید. از همان ابتدا، برش ویژه نماها و ریتم رویدادها و صحنه‌ها بیننده را تا مدت‌ها در فیلمی دیگر گمراه می‌کند.

کارگردان در طول اثر، با هوشیاری از خزیدن به درون روح آدمهای فیلم دوری می‌کند و سبکی برون‌گرا را پیش می‌کشد و همواره از بیرون به محیط جمعیتی آنها می‌نگرد، حتی در اوج لحظه‌های خلوت آدمها نظیر صحنه "پوری" در جلوی آینه کمد. بیخود شدن از خود "قای ضیا ثی" - نما زخاوندن مهین خانم - تنها ثی‌های "پوری" در آمریکا و حتی خیالباقی آخر فیلم توسط زن حامله تا زه وارد، نگماه از و زود گذر و بیرونی است، گوئی این اونیست که این حوادث و صحنه‌ها را کنایه می‌چیند، بلکه این سیرو طبعی خود زندگی است که دوربین چون نگاهی مستند درون آن می‌گردد و لحظه‌های شکار کرده را نشان می‌دهد. رویدادها آنقدر زیاده‌اند که گویا با دیدن آنها نظری انداخت و گذشت و اسیر این و آن حادثه و این و آن آدم بخصوص نبود. بلکه هر چیز و هر کس با نقتی که در کل ماجرا در مطرح است، با این ترتیب این فیلمی است فدقهرمان و آدمها، در کل خود، حقا نیتان، مظلومیتان و ماجرا - هایشان آن قهرمان عمومی، رنج‌دیده و تحقیر شده انسان آواره را می‌زنند. چنین ریتم و نگاهی به صحنه‌های واقعی زندگی، طرف‌گویی تندی‌های جاری در زندگی این مردم آواره است. برش هر نما به جمله‌ای می‌ماند که سرتو آن رازده باشد. بی‌آنکه زلف آن کاسته شود. مثل شعر، هر نما با تندی و کوتاهی خود، با دیدن آن که در آن نهفته است به بیستی شعر شایهت می‌آید و شعر در بطن فیلم، در بطن عریانیه‌های خشن رویدادها، بدون درون‌گرا ثی و نفوذ به خلوت روح جریسان می‌آید. شعری تند و پرخاشگروانه‌ای آنها را از آنچه هستند ویران آن روا می‌رود. رها ثی نیست مگر آنکه ابتدا در خویشتن خویش نظرا فکند.

ایجا ز در خدمت این سبک بیان - از جمله - به موجزترین شکل بدفحشاء کشیده شدن "پروین" دختر "ضیا ثی" را بیان می‌کند. فاصله‌گیری کارگردان از صحنه‌ها، دآوری نکردن، تعیین نکردن چیزی از پیش، بلکه تعقیب آدمها در شرایط واقعی گونه‌گون، نشان دادن اوقات و خیزها بهمان صورتی که جریان می‌آید و رسیدن‌ها و نرسیدن‌ها، اثرات ملموس و آدمها را ضمن بی‌هویتی اجتماعی، هویتی شناختی می‌بخشد. در واقع شلیک بی‌دربی نماها بسوی بیننده چنان جریسان می‌آید که گویی، نگرانی، با درواشی پندارها فهمیدنی می‌شود و هویت آدمها در بی‌هویتی‌شان لمس می‌گردد.

علامه زاده در همه آثار پیشین خود، چه ادبیات و چه سینما همواره هنرمندی بیرون‌گرا بوده است اما این اثر بیرونی‌ترین کار است. در دنیای سینما این

را جا گذاشته اند و اکنون که به اینجا رسیده‌اند ندیده دیگر آن هستند که بودند و آن می‌شوند که باید باشند. انسانی رها شده و سرگردان. انسانی بی‌هویت که خود را با سانی خواهد باخت و فنا خواهد شد.

در میان آدمهای فیلم شخصیت "ضیا ثی پدر" که دیگر پیش ریخته و دخترش از او حساب نمی‌برد و فاحشه می‌شود، و مدیر هتل، مرد ترک مهربانی که هم‌مسافران همدردی دارد و هم سیر مناسبات عقب مانده کشور خویش است، و آقای طباطبائی و "گزارشگر" و "پوری" زهمه برجسته تریه نما پیش درآمده و پیردا خست شده اند. "پوری" زنی است که هیچ کجا یا دنگرفته است در شرایط بسیار سخت مقاومت کند. علقه محکمی پشت خود ندارد و شوهرش یک آدم معمولی است که او را دوست دارد و همچون او در کوران بحرانها در مانده می‌شود و نقطه اتکالی بحساب نمی‌آید. بین آن دو پیوند محکمی موجود نیست. "پوری" زندگی را با او بر حساب نیت انجام می‌دهد. در یک کلام او زنی است خالی و انان. مثل بسیاری از زنهای این دنیای بزرگ با آرزوهای ساده و توانی اندک. زنی که در شرایط عادی قادر است به زندگی آرا بخود ادامه دهد - بی آنکه بجای شخصی برسد - و در شرایط دشوار در مانده می‌شود. چنین است که وقتی طوفان نشوره می‌کشد او را هم با خود می‌راند و حق انسانی اش برای زیستن و داشتن سرپناه و امنیت و عشق و رزیدن بسا مال می‌شود. سر نوشت "پوری"، آری عقوبتی است که بخاطر ارتکاب گناه نصیب او می‌شود و پاشمی است که دنیای ظالم امروز سررا زنی در مانده چون او قرار می‌دهد. او در شرایطی خود را به جوانی سردمدار و مدد رسان "مهندس محسنی" می - با زود در شرایطی دیگر، با تمام نفرت تسلیم دژخیم "گزارشگر" می‌شود. احساس گناه در او حاکم نیست. اما او تخمه نقرین و وحشت را با خود حمل می‌کند و نمی‌تواند بر آنها می‌کشد و بی‌سایه افکنده است چیره شود. دردی که او را میکشد در دگم شدن در طوفان حادثه است. در دست دادن همه چیز و در بی چشم اندازی است. حتی عشق او هم یک حادثه است. آری آنظف درون او از آن چه کسی است؟ کودکی را که بدنی می‌آورد آن وجودی نیست که عصری آرزویش را داشته است، او در بیکی بی زبانی لالوار در جایی دور و بی پشتیبان، با زایدن کودکی چنین غامض - تخمه عشق یا نفرت؟ - ترس و هراس را میزاید تا با زایش خود، چکیده آرزوهای از دست شده اش را بیرون بریزد و در آنها مو وحشت بمیرد.

در میان شخصیتها اصلی فیلم، تنها به "مهندس محسنی" کم توجه شده است. و این از دوزا و به میتوانند مطرح شود، و یک فعال سیاسی است که در طول راه به دیگران یاری رسانده و مورد توجه "پوری" قرار گرفته است. اما آدمی مثل او - بطور طبیعی - موجودی نیست که بشکل آنرا رشیک برابرا خلاق حاکم بر جامعه امروز باشد و "پوری" کنه یکن شوهر را دست همبستر شود، او طبعا مطالبی اعتقادات خود را به در سوبه تغییر بنیادی جامعه حرکت کرده و با این ترتیب در زودن حکومت اخلاقیات که کوشش نماید، اما از آن رو که همه آدمهای فیلم، در تمام رفتارهای خود از انبیا بدمنونه و ربا شند، این ایراد قابل چشم‌پوشی است. "مهندس محسنی" آدمی هم می‌شود و مثل سایر آدمها در شرایطی به کجی و راستی دچار شود. و زود دیدی دیگر شایه از این رو که او وجودی ناب و دست نیافتنی معرفی نمی‌شود، نگاهی نود معرفی سمبلهای اجتماعی در اشکال واقعیات به حساب آید، اما از نظر پرداخت هنری شخصیت در فیلم، او مثل بقیه آدمها شخصیت جا افتاده‌ای نیست و رفتار و روکش او در صحنه‌ها معرف شخصیتش نمی‌باشد. بجز در مورد کمک به "پوری" و "کریم نیا" برای گرفتن ویزای کوبا و پاره‌های دیدارهای مخفیانه، او اغلب در سطح باقی می‌ماند. گفتگوی "پوری" و "خانم ضیا ثی" هم در پاره کمکهای او در برین راه، به‌یاد زدن این شخصیت چندان کمکی نمی‌کند. در مقایسه با "مهندس محسنی" شخصیت آدمهای نظیر "قای طباطبائی" با آن نگرانی انسانی در مقابل پوری و بی‌گیری از حال و روز او، و یا شخصیت "گزارشگر" با آن رفتار و گفتار رتیبیک - با وجود نقش‌های بسیار کوتاه - بسیار جا افتاده و خوب پرداخت شده‌اند. بخصوص معرفی "پروین" دختر "ضیا ثی" ها "با آن ایجا زبیب، از قدرت کارگردان در نما پیش آدمهای بازی سخن می‌گوید.

بازی در فیلم، سرا سر زیبا است. بطوریکه در کمتر فیلم ایرانی، با چنین تراکمی از آدمهای اصلی و فرعی، چنین بازی‌های فوق‌العاده‌ای ارائه شده است. تمام بازیگران اصلی بسیار خوب بازی کرده‌اند و حتی بازیگران جنبی نیز بخوبی هدایت شده و نقش خود را دریا افتاده، تنها میتوان با زیبایی سیرال تلویزیونی "داثی جان ناپلئون" این اثر بیادماندن را صرتقوای را با

رای زنان

مقام زن در اسلام

منتظری وزن

"حضرت امیرالمومنین وصیت فرمود بحضرت امام حسن که زینبها و مشورت با زنان مکن، رای ایشان ضعیف و عزم ایشان سست است و ایشان را پیوسته در برده بدار و بیرون مفرست و تا توانی چنان کن که بیخیز از تو مریدی را نشناسد..."

ملعون

"حضرت امیرالمومنین فرمود که مژیکه کار - های او را زنی تدبیر کند ملعونست."

مشورت با زنان

"حضرت رسول چون اراده جنگ داشتند با زنان خود مشورت میکردند و آنچه ایشان می گفتند خلاف آن میکردند."

سجده

"حضرت رسول فرمود که اگر امری میگردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آئینه می گفتم که زنیان برای شوهران سجده کنند."

سرنگون در جهنم!

"حضرت رسول فرمود که هر که از عت زنی خسود کند خدا او را سرنگون در جهنم اندازد."

تما ملامتک علیه زنان!

"از حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که زنی آمد بخدمت حضرت رسول و گفت: یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن؟ فرمود: لازم است که از عت شوهر بگذرد و فراموشی او نکند و از خانه او بی رخصت او و بی رخصت او و تصدق نکند و روزی که رخصت او ندارد و هر وقت اراده نزدیکی او کند ماضی بقیه نکند اگر چه بر پشت پالان شتر باشد و از خانه او بی رخصت او و بی رخصت او گریبی رخصت بیدر برود ملامتک آسمان و زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه بر گردد"

"از مدتای یکی نه!"

"از امام محمد باقر منقولست که زنی آمد بخدمت رسول و گفت یا رسول الله حق کی بر مرد از همه کس عظیمتر است؟ فرمود: که حق پدر گفت: حق کی بر زن از همه عظیمتر است؟ فرمود: که حق شوهر پرسید که من آنقدر حق ندارم که او بر من دارد؟ فرمود که از صد تا یکی نه، آن زن گفت که قسم میخورم... که هرگز شوهر نکنم."

تما متخل قولها از:

حلیته الامتقین، ملامحمدباقر مجلسی، صفحات ۷۶ و ۷۸-۷۹

"زن با دیدن موی خود را از مردم بپوشاند بلکه احتیاط واجب آنست که بدن موی خود را از زبیری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد و به همدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند." (توضیح المسائل خمینی، ص ۴/۴۹۳، مسئله ۲۴۳۵)

- اگر مرد برای معالجه زن نامحرم بناچار باشد که او را نگاه کند دست به بدن او بزند تا شکل بدن او را بگیرد یا نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند. (توضیح المسائل خمینی ۴۹۴/۵ مسئله ۲۴۴۱)

- ابتدای عده طلاق از موقعی است که خواستگاری صیغه طلاق تمام میشود، چنانچه بعد از طلاق دهانه او را نباید بست. (توضیح المسائل خمینی ص ۵/۵ مسئله ۲۵۱۶)

- زن را هر چه خوش دارد بدود و سه سه، چهار چهار بگیرد و اگر بیم دارد که عدالت نکند فقط یک زن یا کنیزی که مالک آنید، این مناسب تر است که ستم نکنید. (قرآن، سوره النساء، آیه ۲)

- اگر به واسطه شیر دادن حق شوهر از بین نرود، زن میتواند بدون اجازت شوهر بچه کسی دیگری را شیر دهد ولی جایز نیست بچه ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن به آن بچه شوهر خود حرام شود. مثلاً اگر شوهر او دختر شیرخواری را برای خود عقد کرده باشد نباید بدهد آن دختر شیر دهد چون در این صورت خودش ما در زن شوهرش میشود و حرام میگردد.

توضیح المسائل خوئی، ص ۳۱۸، مسئله ۲۵۰
- علاقه زن به مرد معلول علاقه مرد به زن و وابسته به اوست. طبیعت کلیه محبت طرفین را در اختیار مرد قرار داده است، مرد است که اگر زن را از دست نداد و نسبت به او وفا دار باشد و در زمان او را دوست میدارد و نسبت به او وفا دار می ماند. طبیعت کلیه نسوخت طبیعی از دواج را به دست مرد داده است. (نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۲۸۴)

- علت اینکه مرد حق طلاق دارد این است که رابطه زوجیت بر پایه علقه طبیعی است و مکاتیم خا صی دارد، کلید استحکام بخشیدن و هم کلید سست کردن و تلاشی کردن آن را خلقت به دست مرد داده است. (نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۳۰۹)

- برای یک زن همانقدر که تغییر دادن نام خانوادگی بعد از ازدواج آسان است، عوض کردن دین و ملیت نیز بخاطر مردی که دوستش دارد آسان است. (نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۱۷۸)

"مغز بزرگتر مرد"، "پرحرف تر و ترسو تر بودن او"، "نرسیدن زن در علوم استدلالی و مسائل خشک عقلانی به پای مرد" از جمله مسائلی هستند که باعث میگردد که "عدم تشابه حقوق بین زن و مرد" بوجود آید. (مطهری - کتاب "نظام حقوق زن در اسلام" بخش تفاهت و تفاهت زن و مرد)
- اصولاً موهای زنان اشعاعی میدهد که مرد را تحریک کرده و آرامش را از او سلب می نماید. (بنی صدر، مباحث تلویزیونی ۲۲ اسفند ۵۸)

... نکته دومی که باید به آن توجه شود این نکته است که با بررسی آیات و روایات از طریق تفریفتن (شیعه و سنی) مشخص میگردد که زن بخاطر ظرافت و مطلوبیتش همواره در بر خور مرد با بیگانه است. به در معرض فتنه انگیزی و احتمال ایجاد دفا دا ست. به همین جهت شرعاً از وی خواسته شده که پوشش خود را رعایت کند و بویژه در سنین جوانی که تا کید شده از منزل خارج نگردد و با مردان بیگانه گفتگو و آمیزش نداشته باشد مگر در ضرورت و آن مواردی است که مما لحي بیرون رفتن را ایجاب کند، مواردی همانند ثابت کردن حق، معالجه، تعلیم و تربیت و مسائل مشابه این کارها که در این موارد هم موظف باشد نگاهداری و پوشیده داشتن خویش می باشد و روشن است حفظ و رعایت این حکم الهی و اصل عقلی با قضاوت کردن و حکومت راندن که لازمه آن تماس بسیار زیاد با اقشار مختلف مردم و درگیر شدن با مردان است تناسب ندارد. به همین جهت نمی توان چنین مسئولیتها را به عهده خانمها گذاشت.

... با توجه به تفاوت های طبیعی که در خلقت زن و مرد مطرح گردید حکمت قرار دادن طلاق به دست مردان و تفاوتی که بین زن و مرد در میراث و ثوابت مقرر گردیده مشخص میشود، زیرا ضرورتاً برای خانواده و جامعه بسیار زیاننا میباید شد و اگر دست زن قرار داده شده بود هر روز به عنوان های مختلف در شرا یقی که احساسات بروی غلبه میکرد و عواطف بر آن نگیخته میشد شوهر خویش را طلاق میداد و زندگی خراب و خانوادها را به تباهی میکشید، اما چون روح اندیشه و تدبیر و توجه به عاقبت در کارها در مردها قوی تر است و معمولاً مرد هنگامی که به عاقبت زشت طلاق زیانها را می بیند خود را از آن دور میداند و کمتر به چنین عمل شنیعی دست میزند.

... و اما در مورد اختلاف میراث مرد و زن هنگامیکه ما به مجموع مردان و زنان در انتقال ثروتها از نسلی به نسل دیگر توجه کنیم درمی یابیم که مال در تولید و تکثیر و نگهداری نیاز به عقل و تدبیر و معا مله معاشرت دارد و لذا خداوند سبحان در این مرحله به دلیل مراعات کرامت انسانی و انان اختیار و دولت را به دست مرد سپرده است (چون حفظ مال و ثروت کار آسانتری نیست).

... و اما در مورد تفاوت "قصاص" و "دیه" در زن و مرد باید این دلیل بوده که مرد بخاطر داشتن عقل و تدبیر بیشتر فایده وجودی او در زندگی اجتماعی بیشتر از زن می باشد. در قیمت گذاری دیه، عقل و تدبیر ملاک می باشد. به نقل از "مبانی فقهی حکومت اسلامی" تقریری از سلسله مباحث و درسهای منتظری - کیهان شماره های تیر ماه ۶۴

زنان و قوانین فقهی جمهوری اسلامی

وضعیت فاجعه‌بار زندگی فردی واجتماعی زنان ایران زیرتأثیر نهی نکبت‌های رژیم فقهی، دیگربررسی پوشیده‌نیست، تا زمانه‌ی اندیشه‌های ارتجاعی و سخیف همراه با توهین تحقیرآمیزی بخودگرفته‌که جان زنان میهنمان را به لب‌شان رسانده است، اندیشه‌هایی که همراه با نبش قبر گورهای هزاره‌ها و چاه‌های قتل بیرون خزیده‌ویر تا روپود زندگی متعدنانه و مترقیانه‌زنان چنگ انداخته است. ما به گوشه‌ای از نکبت "فقه اسلامی" و حقوق و جایگاه زنان در این رابطه اشاره می‌کنیم که "نمونه‌ی خواراست".

درفقه اسلامی "دیه" یعنی جریمه، که می‌تواند نقدی و یا جنسی باشد و در "قانون مجازات اسلامی" که هم‌اکنون در جمهوری اسلامی به اجرا درمی‌آید، به مالی گفته می‌شود که "به سبب جنایات بر نفس یا عضو مجنی علیه (شاکلی) یا به ولی یا اولیای دم اوداده می‌شود". ما به مواردی از مجموعه ۲۱۱ ماده مربوط به "دیان" اشاره می‌کنیم، تا راتی که برای نشان دادن اندیشگی پوسیده و متعجرا مام‌جسد و یارانش کافیست:

"ماده ۳ - دیه مرد مسلمان یکی از مسجون شگانه ذیل است و جانی در انتخاب هریک از آنها مخیر است ولی تلفیق آنها جایز نیست:

- ۱ - یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.
- ۲ - دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.
- ۳ - یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.
- ۴ - دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن.
- ۵ - یکهزار دینار مسکوک سالم و غیر منقوش که هر دینار یک مثقال شرمی طلا به وزن ۱۸ نخود است.
- ۶ - ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر منقوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد.

حال به ارزش و جایگاه زنان در رابطه با "دیه" توجه کنید.

"ماده ۶ - دیه قتل زن مسلمان، خواه عمدی و خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است"

"ماده ۱۲ - عاقله (که پاره‌خند دیه در مورد قتل غیر عمدی است) عبارتست از بستگان نزدیکی ابویینی یا ابی مانند پدر و جد پدری و برادر و عمو و پسران عمو."

"ماده ۱۳ - زن جزء عاقله محسوب نمی‌شود و عهده داریه خطائی نخواهد بود و همچنین تا بالغ و دیوانه"

"ماده ۱۹۴ - دیه سقط جنین به ترتیب زیر است:

- ۱ - دیه نطفه که در رحم مستقر باشد بیست دینار
- ۲ - دیه علقه که خون بسته است چهل دینار
- ۳ - دیه جنینی که روح در آن پیدا شده است، اگر پسر باشد دینار و اگر دختر باشد نصف دینار

می بینید، در قوانین اسلامی انسان چهار رز

"آنک قضا با نند

"برگذرگاه‌ها مستقر

"یا کنده و سا طوری خون آلود

"روزگار غریبی سبت، نا زنین

"و تبسم را بر لب‌ها جراحی می کنند

"و ترانه را برده‌ان." (۱)

می خواهم بیشترا و را ببینم

"... زن دیگری نبود که طمله بود به اعدا م

محکوم شده بود، بعد از ایمان بخاطر آنکه طمفل

احتیاج به شیر داشت قرار شد حکم او را هفت ماه به

تعویق ببیند از آن، در عرض این هفت ماه رفتار زن با

بچه‌اش در یکی از بچه‌های تریس و در دناک تریس

روابطی که گاه فقط رخ میدهد، متجلی می‌شد، مثلاً زن

به هیچوجه نمی‌گذاشت نوزاد بخواهد در دمقا بس

نگاه‌های حیوت زده ما جیغ می کشیدی خواهم هر چه

بیشتر ا و را ببینم."

با با گفته‌نگو

"... یک روز در سالن با زجوشی پسر بچه پنج

ساله‌ای را آوردند که عده‌ای از مرده‌اش را که آنجا

بودند و تا زده دستگیر شده بودند شنا می‌کند، یکی

یکی چشم‌بندها را کتا و میزدند و از او می پرسیدند

آیا این شخص را می شناسی؟ او در جواب تمام

پرسشها در مورد همه فقط یک جمله می‌گفت: با با

گفته‌نگو! و مرتب این جمله را تکرار میکرد، او

را چندین بار در سالن به گردش در آوردند و زن‌دانی

ها را نشان دادند ولی او همواره همان یک جمله را

می‌گفت."

شما حاضرید ما در من بشوید

"در زندان محدودیت سنی وجود ندارد،

مثلاً دختر ۱۲ ساله‌ای بود از ما هدیه خلق که دو

سال پیش به همراه مادرش دستگیر شده بود، پدرش

در خانه تیمی کشته شده بود و مادرش را هم بعد از

دستگیری اعدا کرده بودند، او نیز به دو سال حبس

محکوم شده بود، موقتی که او را دیدیم یکماه از پایان

محکومیتش میگذشت، اما چون کسی را ندانست که

ضامنش را بکنند، او را نگه‌داشته بودند، این

دختر هر ماهی را که می‌دید و یا هر کس دیگری را که

حس میکرد عموطف مادرش را در چشم‌ان اومی بیند،

سر بر زانویش می‌گذاشت و با لحنی دلسوزانه می‌گفت:

شما حاضرید ما در من بشوید،

(۱) - شما ملو

مطالب از گزارشاتی از زندان، نوشتار را تا "جا معه" دمکراتیک ایران - مقیم فرانسه"

مرضیه احمدی اسکوتی

افتخار...

...

من از روستاهای کوچک شامل

زنی که از آغاز

در شالیزار مزارع چای

تا نهایت توان گام زده است،

من از ویرانه‌های دور شرق

زنی که از آغاز

با پای برهنه

عشق تند زمین را

در پی قطره‌ای آب در نور دیده است،

زنی که از آغاز

با پای برهنه

همراه با گاو و لاغرش در خرمنگاه

از طلوع تا غروب

از شام تا بام

سنگینی رنج را لمس کرده است،

من یک زنم

از ایلات آوارهای دشتها و کوهها

زنی که کودکش را در کوه بدنیا می‌آورد

و بزش را در پهنه دشت از دست میدهد

و به عزای نشیند

من یک زنم

کارگری که دستهایش

ماشین عظیم کارخانه را به حرکت درمی‌آورد

و هر روز

توانا شیش را دندانهای چرخ

ریزریزی کند پیش چشمش

زنی که از عمارت بی‌جان

پرواز ترمی شود لاشه‌ی خونخوار

و از تنهایی خویش افزونتر می‌شود و سر ما یه‌دار

زنی که مرادف مفهوش

در هیچ جای فرهنگ تنگ‌آلود شما

وجود ندارد

که دستهایش سفید

قا متش ظریف

که پوستش لطیف

و گیسوانش عطر آگین باشد،

من یک زنم

با دستپاکی که

از شیخ برنده‌ی رنج‌ها

زخم‌ها دارد

زنی که قامتش از نهایت بی‌شرمی شما

در زیر کتاوتوا نقرسای

آسان شکسته است، زنی که پوستش آئینه‌ی آفتاب

کویر است

و گیسوانش بوی دود می‌دهد...



ورشکستگی اقتصادی و استقرار خارجی

در تحلیل سیاسی اوضاع کشور، رخ داده‌ها و تحولات آتی سیاسی - اجتماعی، پیگیری مداوم اخبار و تحولات اقتصادی و بررسی نقش این تحولات در گستره حیات سیاسی، از اهمیت غیرقابل انکار برخوردار است. نشریه پیام کارگر تلاش دارد تا از این پس، با بازنه‌اندازی اخبار اقتصادی، تا با ارائه تصویری زکام و کیف اوضاع اقتصادی کشور، به این وظیفه خود بپردازد. بی‌گمان بدیهی است که انتقال صرف اخبار اقتصادی، برخلاف اخبار سیاسی، نمی‌تواند مفید فایده باشد، از این رو زما خواهیم کوشید تا ضمن انتقال این اخبار، جوانب عمیقاً موثر رخ داده‌های اقتصادی را با زیگشایم و زبان تخصصی و پوشیده اقتصادی را، از ورای نمودارها و آمارهای گنگ و الکن، به زبان سیاست به زبان حرکت ترجمه کنیم. با شد که همگاری خوانندگان در زمینه ارسال مطالب، اخبار و نظریات در عرصه مسائل اقتصادی، به پیرایه و غنای این اقدام "یاری رساند."

نه در هنگام مسافرت یا تحویل، بلکه در زمان تعیین شده‌ای، پرداخت می‌نمایند. جمهوری اسلامی از پدیده یوزانس وسیعاً استفاده می‌کند و حتی در بودجه‌ریزی کشور برای سال ۶۷، این پدیده را بعنوان بخشی از درآمد‌های ارزی کشور بحساب آورده است! لازم بتذکر است که بنا به شیوه عمل پدیده یوزانس، میتوان آنرا جزء و امهای کوتاه مدت بحساب آورد. یکی دیگر از اشکال اخذ و مپوشیده که بگونه‌ای وسیع در جمهوری اسلامی مطرح شده است، عبارت است از روش "بای بک"، بر اساس این شیوه، دولت و بخش بخش خصوصی زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را فراهم میسازد، سرمایه‌گذاری با استفاده از زنجیر و کارآرزان، کالاهای مورد نیاز خود را تولید می‌کند و کالاهای تولید شده را یا در بازار خود یا در بازارهای بیروش میرساند و بخشی از درآمد حاصله را به دولت و بخش طرف قرار داد واگذار می‌کند، گاه می‌تواند سود و شراکت دولت و سرمایه‌گذاری بگونه‌ای باشد که دولت "کارمزد خود را بصورت ترکیبی از سود و کالای بگیرد.

جمهوری اسلامی چنانکه خاطر نشان گردید، تاکنون به شیوه یوزانس اخذ و م کرده است. روش "بای بک" که در واقع جذب سرمایه تولیدی خارجی است، خود ملزوماتی دارد و آن جمله ایجاد و حفظ "امنیت تولید" است که بر بستری فاشات ناشی از جنگ و مسائل پس از آن، هنوز برآورد نشده است. ما در ادامه این سلسله مقالات به‌وجه مشخص بحران اقتصادی کشور و نحوه مشخص استقرار خارجی خواهم پرداخت.

★
منتشر شده است:
بولتن مباحثات طرح برنامه
شماره ۱

استقرار خارجی گرچه اینک به موضوع بحث رسانده‌های گروهی جمهوری اسلامی بدل شده است، ولیکن در پشت درهای بسته محافل حکومتی و قدر قدرتهای دست‌اندرکار، پیش از این مورد بحث واقع شده و تصمیمات لازم اتخاذ شده است. استقرار خارجی و اخذ اعتبارات ارزی از محافل بولی و مالی انحصارات، خود پدیده‌ای چندوجهی است و اشکال مختلفی دارد. استقرار خارجی را می‌توان در دو دسته عمومی تقسیم‌وارا کرده است. استقرار پوشیده و استقرار علنی.

استقرار علنی

استقرار علنی یا اخذ اعتبار رسمی عبارت است از اخذ وام از سیستم بانکی امپریالیستی - امپریالیستی بین‌المللی (بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه - صندوق جهانی ...). و یا مستقیماً از دول امپریالیستی یا انحصارات مالی - سیاسی پذیرش تعهد مبنی بر بازپرداخت اصل و م در زمان تعیین شده یا فانه بهره کلان و م بخش اعظم بدهی‌های خارجی کشورهای از توسعه دورنگهداشته شده و نیمه صنعتی را همین استقرار علنی تشکیل میدهد. بهره این قبیل و امها فوق‌العاده گزاف و شرایط دادن چنین اعتباراتی فوق‌العاده دشوار و "تعهدنا" بوده و عموماً با خواسته‌های سیاسی معینی - که معمولاً در قراردادها انعکاس نمی‌یابد - همراه است.

استقرار پوشیده

اگر استقرار علنی - رسمی - موضوع بحث درونی محافل حکومتی محسوب میشود، مستقیماً استقرار پوشیده به عرصه مطبوعات دولتی کشیده شده است. استقرار پوشیده نیز مجموعه‌ای از شیوه‌های اخذ و م را شامل می‌شود که برخلاف استقرار رسمی، در لاف‌های معینی و تحت عناوین نا روشنی صورت می‌گیرند. در یک کلام استقرار پوشیده را میتوان "اخذ و م در تاریکی" نام نهاد. بعنوان نمونه پدیده "یوزانس" یکی از اشکال اصلی استقرار پوشیده بحساب می‌آید. جمهوری اسلامی مدت‌هاست که کار بحث بر سر حلال و حرام بودن یوزانس را سپری کرده و مستقیماً از این شیوه استفاده می‌کند. یوزانس به زبان سیاست، یعنی خرید نسیم، این شیوه بدیهی صورت بکار گرفته میشود که دولت یا بخش خصوصی، کالاهای را وارد می‌کنند و پول واردات این کالاهای

و جوه شرط اول با زسازی اقتصادی کشور محسوب می‌شد. بحران اقتصادی خادها کم‌برکشور و تری - شیره اقتصادی به‌کار م هیولای جنگ، رمقی بسیاری اقتصاد کشور باقی نمانده بود. بیت‌المال موربانه زده جمهوری اسلامی که همه ساله تنها به ضرب استقرار از سیستم بانکی کشور، قادر به جبران کسری بودجه خود بوده و هست، قطعاً نمی‌توانست و نخواهد توانست حلال مشکلات ریالی مربوط به با زسازی اقتصادی باشد. درآمد ارزی جمهوری اسلامی که عمدتاً از طریق صدور نفت تامین میگردد، نیز در پی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی این کالا، بحدی کاهش یافته است که نه تنها چاره ساز با زسازی اقتصادی نیست، بلکه حتی کفاف نیازهای جاری ارزی کشور را نیز نمی‌کند. درآمد ارزی رژیم که در سال مالی ۶۲ - ۶۱ بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار بود، در سالهای اخیر، گاه حتی به یک سوم کاهش یافت. تجربه سال مالی ۶۲ - ۶۱ بوضوح نشان داد که "اقتصاد پترو دلار" خاکم بر کشور، حتی با واردات ۲۲ میلیارد دلار نیز قادر به حل مشکلات خود نیست و نمی‌تواند حتی نیازهای مصرفی جامعه و کالاهای واسطه‌ای تولیدی را تامین نماید. بدیهی است که رژیم جمهوری اسلامی قادر نخواهد بود تا با سطح درآمد ارزی فعلی کشور، مسئله با زسازی اقتصادی و عمرانی را پاسخگو باشد.

کشورهای امپریالیستی و شرکت‌های فراملیتی نیز که در اثر جنگ مقدس "سودهای هنگفت و کلانی به جیب زده‌بوندند، اینک با بررسی دقیق اوضاع اقتصادی هر دو کشور درگیر جنگ می‌کوشیدند تا از نعمات بیگران و حلاوت "با زسازی مقدس" نیز نصیب کافی ببرند. نیا از ارزی جمهوری اسلامی باعث شد که تا آنجا که روابط حسنه و برادرانه با دولای میر - یا لیستی و اقمار آن برقرار است، این روابط تحکیم گردد و آنجا که برقرار نیست - یا رسماً نیست - این نیا از ارزی، چون "محلل معتمد" در احیای این روابط موثر افتد. جای بحث نیست که بر سر ایفای نقش "دلار مقدس" در با زسازی اقتصادی کشور، موافقی نیز عمل میکنند که آخرین آن قطعاً صدور حکم اسداسد سلمان رشدی است که بیگمان کار "محلل" را به دشواری می‌اندازد و اذهان عمومی غرب را تحریک کرده و مانع از "بله‌برون" انحصارات امپریالیستی می‌گردد.

نقد فیلم

از صفحه ۷

اعلامیه کانون نویسندگان ایران

درباره سلمان رشدی



۱۷ تیر ۱۳۸۱ / ۲۸ بهمن ۱۳۶۷

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)
Iranian Writers' Association (In Exile)

« بشکنید این قلم ها را ! »

این فرمانی است که خبثی ده سال پیش، برای بسیج دشمنان آزادی و در هم کوبیدن آزادی قلم صادر کرد. از آن زمان تا کنون کارگزاران این حکومت لحظه ای از اجرای این امر باز نایستاده اند. اعدام جسمی از شاعران و نویسندگان و مترجمان، به بند کشیدن بسیاری از اهل اندیشه و هنر، تبعید و آوارگی بخش مطبوعاتی از روشنفکران ایران، روشنگر کشتار فرهنگی جمهوری اسلامی است.

فرمان قتل سلمان رشدی از سوی حکومت اسلامی ایران به جرم نوشتن کتاب «۱۰۰۰ سوره برای جهنم» صادر شد. این کتاب به جهان را به شگفتی آورده است، اما برای نویسندگان و روشنفکران ایران، که ده سال تمام موضوع و ناظر این کونه فرمان ها بوده اند، چندان شگفتی آور نیست. این فرمان تنها بُد جدیدی از کشتار فرهنگی جاری در ایران را به جهانیان رانده است. گویای نخستین بار است که چشم جهان بر مسکن ناخوشگوار می شود که ده سال تمام، مردم و در میان آنان، نویسندگان، شاعران، هنرمندان و اندیشمندان ایران قربانی آن بوده اند؛ واقعتی پر از درد و دریغ و واقعت دردناک تر و دریغ انگیزتر این که کسی در جهان خارج، از کشتارهای هزار هزار در ایران این گونه بانگ برداشت که اکنون بسیاری از همه سر - ری گمان به درستی - بر سر سرنوشت یک نویسنده خود فریاد بر می آورند. کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، اما، حرمت آزادی و جان را در همه جا و برای همه کس پاس می دارد و سنی و پیروند این فرمان را، با واقعت محسوس خود در تبعید، در همه ابعاد فکری و حسی آن در می یابد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) همچنین، ایمان و اعتقاد پیروان همه ادیان و مذاهب را، بدون هیچ استثناء، حرمت می دهد؛ اما بهانه کردن هیچ آئینی را برای سرکوب اندیشه روا نمی دارد و بر این باور است که نویسنده، شاعر، هنرمند، اندیشمند و پژوهشگر باید در آرزوی و پژوهش هنری و فکری آزاد باشند و سخن خود را آزادانه بیان دارند و دستاوردهای خود را بی هیچ بیسی در دسترس همگان قرار دهند. داوری درباره دستاوردهای آنان، و پذیرفتن یا نپذیرفتن آن ها، تنها با خراشتندگان، پیشندگان و خردنگاران است و بس.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، بی آن که هیچ نظری درباره سخرای نوشته های سلمان رشدی ابراز کند، باور دارد که او، همچون هر نویسنده دیگر، باید از آزادی بیان برخوردار باشد و هر آن کس که نوشته او را نمی پسندد یا روا نمی شمرد نیز باید در بیان نظر خویش آزاد باشد، نه آنکه تمد جان او کند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) هبستگی خود را با سلمان رشدی، به عنوان یک نویسنده اعلام می دارد.

فرمان قتل این نویسنده، همان داستان کهن «شکست قلم» است، و بر دار کردن اهل قلم، که اینک با دست مساحیان مستند و قدرت از ایران، به دیگر گوشه های جهان صادر می شود تا هراس بر انگیزد و بانگ قلم را در گلو بشکند. مرگ یا هر حادثه ناگوار دیگر که بدین انگیزه برای سلمان رشدی یا هر نویسنده یا هر کسی دیگر در هر گوشه جهان رخ دهد، مهر حکومت اسلامی ایران و نقش انگشت کارگزاران آن را بر خود خواهد داشت. ملت ایران، اما، با هرگونه اقتدایی از این دست بیگانه، و از آن بری است.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) از همه نویسندگان، روشنفکران و هنرمندان جهان می خواهد که هبستگی خود را با نویسندگان، روشنفکران و هنرمندان ایرانی که بی دفاع در زیر تیغ اخته جمهوری اسلامی ایران به سر می برند ابراز دارند.

هیأت دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

سبکی ناشناس نیست، ولی ایوب سبک و حال خود آنرا بکار گرفته و خلاقیت ویژه ای در آن داشته است.

آیزن اشتاین روسی در دهه انقلاب، بدین سبک کارشناخته میشود و فیلم «رژمنایا تمکین» و نمونه بهترین فیلم تاریخ سینما است. این گفتار رنه بیان معنی است که تنها با چنین شیوه ای میتوان بهترین آثار را بوجود آورد، اگر با این سبک بیانی، ماکسیم گورکی، چک لندن، اشتاین بک، صدبهرنگی و بسیاری دیگر از خلاقان ادبیات و هنر را سراغ داریم، در مقابل داستایوسکی، کالی، کافکا، بونوشل، مولوی، لورکا و خیلی های دیگر هستند که با شیوه ای درون گرا به گنجینه خلاقه هنری بشر افزوده اند. وی نویسنده توانائی ما نندفا کندر «خمشو هیا هو» از شمه قل قل زن ذهنیت یک دیوانه زبان بازمیکند و مثل روح آب جریان می - یابد و بتدریج در طول کتاب چنان لحن خود را تغییر میدهد که در پایان رمان، زبان تا ریخ نویسنده ای بخود میگیرد و تا ریخ و ملت آمریکا را با دیدی استنادی به نقد میکشد. مقصود آنکه انتخاب این سبک بیانی فی نفسه از مزبست و برتری برخوردار نیست. مهم استفا ده خلاق از ابزار سبکی است که انتخاب میشود. و علامه زاده در این فیلم خود از چنین توانائی برخوردار بوده است. گاهی حرکت های دوربین او در صحنه ها چنان گویا است که روح محنه را با سانی و زیبائی انتقال میدهد.

تعبیه «پوری» با دوربین در سالن خلوت هتل و دنبال کردن اوتابنای پله ها، البته با او را در دل سپردن به «مهندس محسنی» زیبایی نمایش میدهد. در صحنه زندان، دوربین بگرد «مهندس محسنی» با آن فیگور سمبلیک میچرخد و تردید «پوری» در آشنائی دادن با او جلوی مقام منیتی ترک آشکار میشود. چرخیدن دوربین به دور مسئول ادارات آمریکا، در آن اتاق تیسره، مفهوم بر باری از بوروکراسی و بی توجهی به انسان آوارها را در بر دارد. و صحنه زیبای پروازها پیما از فرودگاه استانبول، پروازی است بگونه دل بی قرار «پوری» که چون غولی سنگین بسختی از زمین ظاهر شده و با کندی به دنیای وهم آلود آرزوها بر میگردد. چرخش و حرکت دوربین روی سوژه بشکلی است که بیان زیبایی شناختی و شیوه ای را در بر دارد. دوربین با حذف اشیاء نزدیک به خود، کار را طوری روی سوژه می بندد تا هنگام حرکت، تغییرات سریع و پرسپکتیو ذهن بیننده را متوجه حرکت گردشی دوربین نکند، بلکه، تغییرات تصویری درون نما، بدون شناختی شدن منشاء فنی آن، احساسات بیننده را متوجه تغییرات حالات درونی سوژه نماید. این نوع بیان بیرونی حالات درونی، دریا فنی خلاق از تا شیرات حرکت دوربین و یک سینمای ناب است. نهایت فیلم گفتنی بسیار دارد. کارگردان در آن رخسود شیدا مبارزه جوست، ولی برخلاف معمول سینمای بیرونی، از دادن شعار دوری میکند، بلکه پیام او در طول فیلم همواره حضوری قاطع و شعرگونه می یابد. آینه ای برابرا می دهد تا آقا زخمه در آن تبعید در آن نظر ره شود، قصه چنانی واقعی با تمام هستی ها و سرفرازی هایش.

در کلام آخر، این سینمائی است نوروشن اندیش برای عامه مردم و هنر - مندانی چنین در خورد تقدیر.

جمهوری اسلامی در فستیوال فیلم افسانه شد

فیلمهای ایرانی به هیچوجه قلمت تبلیغ برای رژیمی که مسئول کشتارها و اعدامهای ضد بشری در ایران است را ندارد و میخواند امید داشت.



منتشر شده است:
طرح جدید اساسنامه

کشور در بین تماشاچیان فیلمهای ایرانی بخش کرده و بیانیهای را با همین مضمون به مسئول برگزاری فستیوال آقای «گونا رکا رلسون» تحویل و از وی محکومیت جمهوری اسلامی را خواستار شدند. در این بیانیه اسم دو نفر از فیلمبرداران تلویزیون ایران «فرج الله داد مرزی» و «نا درمهریان» که توسط رژیم تیرباران شده اند، درج شده بود. در پی این اقدام بسیار رجا و افتخار کردند روز بعد، روزنامه فستیوال (دراکن شماره ۶) طسی اثارهای به بیانیهای ایرانیان از قول مسئول برگزاری فستیوال چنین نوشت: «با نمایندگی

در جریان یا زده همین فستیوال فیلم شیرگوتنیری (۲۷ تا ۵ ژانویه) که هر ساله در این شهر برگزار میشود دو فیلم از دو کارگردان جمهوری اسلامی به نما یستی گذاشته شد. این دو فیلم که با حمایت رژیم اسلامی به این نما یسگاه فرستاده شده بودند، بحثهای زیادی را پیرامون خود برانگیختند و چهره ضد بشری و ضد هنری رژیم فقها را عریان ساختند. چرا که توسط گروهی از هنرمندان ایرانی تبعیدی مقیم گوتنیری اعلامیه ای در رسوائی جمهوری اسلامی و ابعساد جنایات ضد بشری این رژیم در طی سالهای حکومتش، بویژه در چند ماه اخیر قتل عام و نسل کشی جوانان

جبهه خلق در پرو

خونین بر علیه چپ قانونی که آنها را دست نشانده میداند، عملی میکند، کلیه کشورهای سوسیالیستی موجود در هیران انقلابی نظیر هوشی مین و چه گوارا - به استثنای ما توسعه دون - را رد کرده و خود را به عنوان "پیشتر زتها جم استرا تزیک انقلاب جها نسی" معرفی میکند، در عین حال روبه رشدترین جنبش چریکی آمریکای لاتین می باشد، با به اجتماع سوسیالیستهای این جریان اکتفا ریلحاظ اجتماعی و فرهنگی حاشیه نشین اند (جمعیت حاشیه تولید)، "راه درخشان" از این خصوصیت به این نحوی استفا ده میکند که این اکتفا را در اجتماع منزوی شده از محیط بیسرون سازمان میدهد، مثلا در مناطق روستایی، تولید محصولات برای فروش در بازار ممنوع بوده و بازارهای منطقه ای و روستایی یکی پس از دیگری بسته میشوند تا یک اقتصاد حداقل - اقتصاد بخور و نمیر - بتواند مستقلا در مدحیات یا بد، هدف این اقدامات قطع کامل همه ارتباطات بین دولت مرکزی و توافق آن از جمله با شیوه نای بودی نمایندگان محلی - حکومت میباید، درحالی که "راه درخشان" در ابتدا مفا هیم ما ثوئستی محاصره شهر از طریق روستا را دنبال کرده و توافق است که با لایحه در عقب مانده ترین مناطق کشور که همان مناطق سکونت سرخپوستان نیز می باشند، یعنی ایالت آریاز کوچوب با مبارزه قاطع با ارتش، پلیس و عوامل غیرنظامی واقعی و موهم دولت - کدخدایان - و حتی کارهای حیوانی چپ قانونی، مستقر شود، از پایان سال ۱۹۸۷ فعالیت های خود را به شهرها نیز گسترش داده و امروزه از نظر نظامی و سیاسی تقریبا در همه مناطق کشور حضور دارد، دقیقا در اینجا است که اقدامات تروی، توسعه مبارزات اجتماعی غیرنظامی را با دشواری مواجه میکنند زیرا این اقدامات بهای زیادی را برایش برای سرکوب کامل میدهند، و سرکوبگری ارتش که با کشتار توده ای و شکنجه مشخص میشود، اما با توجه جمعیت غیرنظامی است، بدون تردید دلیل اصلی بقا و توسعه طولانی مدت این جریان است، نتایج ضرور دولتی تا اواسط سال گذشته بصورت بیلان زیر ذکر شده است: ۱۲۰۰۰ قتل، ۳۰۰۰۰ نا پدید شده و حدود ده میلیون دلار خسارات مادی، بنا بر این وقتی که بعنوان مثال حزب کمونیست پرو (که "راه درخشان" را با عنوان "فاشیمی" رزیابی میکند، نظری که در "چپ متحده" مورد پذیرش همه نیست) در این بنا ره نگران است که سرکوب دولتی است که راه را بر امثال "راه درخشان" هموار میکند، به این واقعیت توجه نمی کند که سرکوب وحشیانه ارتش، با سطح قانومند بورژوازی پرو به توسعه جدی مبارزه طبقاتی است و "راه درخشان" نیز در تحلیل نهایی با سخی به ویژگیها و متدهای طبقاتی تا کم در پرو است و نه با لکس.

از اکتبر سال ۱۹۸۷، "راه درخشان" در ایالتی



بیکا رند، بورژوازی بومی و امپریالیستی سوده ای داتما فزاینده خود را به خارج منتقل میکنند، مثلا تنها در سال ۱۹۸۷ مبلغ ۱۲۰ میلیون دلار توسط شرکت نفت آمریکا "اکسیدنتال پترولوم" به خارج منتقل شده است، و این درحالیست که در آمد ناشی از صادرات، از سوی دولت به طلبکاران خارجی پرداخت میشود، اینک این سیاستهای دولت از نظریه سوسی بدون تنبیه باقی نمی ماند از این اظها و نظر آقای خا ویردیزکانسکو - دبیر اول حزب "PARTIDO UNIFICADO MARIATE GUISTA" از احزاب عضو جبهه بخوبی قابل نتیجه گیری است که پرورد آمریکای لاتین به آن گروه از کشورهایی تعلق دارد که دارای بالاترین سطح سازماندهی اجتماعی می باشند، وی در یک مصاحبه چنین اظها رنظری - کند:

"درحالی که با دشواری غیر قابل شمارشی از تشکلهای وجود دارندها خه های غیر رسمی (اقتصاد) اتحادیه های خود را دارند، مثلا اتحادیه دستفروشان خیابانی، که مبارزات فشرده ای را به راه می اندازند، در لیما مناطقی وجود دارد که در آن پلیس نمی تواند کسی را جریمه کند، وقتی پلیسها نزدیک میشوند تا جریمه را بستانند و یا اجناس دستفروشان را ضبط کنند، خودشان دستگیر و تا غروب زندانی شده و سپس بیرون انداخته میشوند، تنها در شهر لیما ۳۰۰ تن ۳۲۰ هزار دستفروش وجود دارد، بعلاوه سازمانهای "ادامه حیات" نیز وجود دارند؛ شبزخانه های خلقی، کمیته های شیر، کارگاه های کوچک، و غیره"، برای این تشکلهای با ید اتحادیه های صنعتی بشدت رزمنده و تشکلهای دهقانی که دارای رزمندگی کمتری نبوده و در سطح کشور پخش شده اند، نیز افزود، "فدراسیون عمومی اتحادیه های زحمتکشان پرو" (GGTP) تنها در همین مدت اخیر چپ را عصاب سراسری موفقیت آمیز را به انجام رسانده است.

و با لایحه این تحولات با همراهی بخش منفی دوسال زمان چریکی تکمیل میشود، سازمان چریکی قدیمی تر "راه درخشان" است، این سازمان بعنوان با زوی مسلح حزب کمونیست ما ثوئست پرو تحت رهبری پرفسور فلسفه و کار سابق حزب کمونیست "آبیما ئل گوتسن" بنا نهادی، رئیس گونزالس، "خورشید سرخ" و "شمیرما رکسیم" قرار دارد، "راه درخشان" که در سال ۱۹۸۰، سال که "چپ متحده" نیزس پایه گذاری شد، بوجود آمد، از گروهی انشعابی از حزب کمونیست پرو تغذیه میشود که در اشعاب سال ۱۹۶۴ از حزب مزیور، اقدام به انتشار روزنامه ای نمود که در پائین نام خود شعار "در راه درخشان خوزه کارلوس ما ریا تگوس" را درج می نمود، "راه درخشان" که ادعای رهبری نامشروط بر همه چپ انقلابی را داشته و چنین ادعای را بخش با خونس

محسوب میشود، وظیفه کنگره ما ایجا دیک جبهه سیاسی مستقل و توانا به نحوی است که احزاب عضو آن هویت مستقل خود را از دست ندهند، طیف احزاب شرکت کننده - تقریبا همه احزاب چپ - که از کنگره حمایت کرده و در تشکیل جبهه خلق مشارکت داشته اند، از ما ثوئستها و تروتسکیستها - کمونیستهای ارتدکس را در بر میگیرد، از جمله حزب کمونیست پرو و سازمانهای انقلابی چپ، چپهای مسیحی و مستقل و نیز سوسیال دموکراتهای چپ، خورشیدل پرا دود بیکرل حزب کمونیست پرو به عنوان مدر رهبری دسته جمعی "جبهه انقلابی خلق"، انتخاب شده است، تا ماه اوت سال گذشته قریب به ۱۳۰۰۰۰ نفر بعنوان اعضاء جبهه نامتوسی کرده و این اعضاء ۳۵۰۰ نماینده خود را به کنگره اول فرستادند، از نظر تعداد اعضاء، جبهه توانست حزب ARPA که در ۶ سال گذشته نیرومندترین حزب این کشور بوده است را پشت سر بگذارد، اهمیت تشکیل کنگره فوق اما تنها به پرو محدود نمی شود، این کنگره بعنوان یکی از مهمترین حوادث سیاسی سالهای اخیر در پرو، در عین حال یکی از نیرومندترین جبهه های چپ در تمام آمریکای لاتین را نیز تشکیل داده است.

نیرومندی جبهه، قبل از هر چیز با سه عامل توضیح داده میشود: سقوط تاریخی ARPA و رهبران آن الان گارسیا، رئیس جمهوری سابقا چپ پرو، را بطه فشرده جبهه با مجموعه سازمانهای اجتماعی و با لایحه وجود یک جنبش در حال رشد چریکی که بخش در تضاد آشکار با آن قرار میگیرد.

سقوط تاریخی ARPA در دهه اول نتیجه قول و قرارهای عوام فریبانه - و اجرا نشده - راجع به گمستن گام به گام از دخالتهای "صندوق بین المللی پول" است که با اکتفا به آنها، آلان گارسیا رهبر جوان این حزب در ژوئیه ۱۹۸۵ با رقم ۹۶٪ در صدر جدول محبوبیت سیاسی قرار گرفت، سیاست نیمه کاره و متزلزلی که با ماهیت سوسیال دموکراتیک حزب مزیور انطباق دارد موجب تدهک در زمینه های اجتماعی و اقتصاد، بحران به حدی تشدید شود که تنها در سال گذشته چهار روز پراقتما دیک پس از دیگری عوض شوند و این کشور دوباره برای گذاشتن صندوق بین المللی پول رفته و در مقابل آن از آنسو به زمین گذاشتن و آقای گارسیا پس از آنکه محبوبیتش به ۱۶٪ رسید از شرکت در انتخابات سال ۱۹۹۰ خود - داری کند، به واقع نیز امروزه پرورد عمیق ترین بحران تاریخ خود بر میبرد، بدی خارجی این کشور معادل ۱۷ میلیارد دلار بود، موازنه پرداخت آن منفی است و منابع ارزی به انتها رسیده اند، تولید در بسیاری از رشتهها بشدت افت کرده و سیسا کا ملا متوقف خواهد شد، نرخ تورم تنها در فاصله بین سیتا مبرودا مبر سال گذشته ۱۱۴٪ به ۱۰۰۰٪ رسید، حدود جمعیت توانا به کار، کا ملا ویا تقریبا

و نزوئلا

● بدنبال اعلام اقدامات دولت در جهت صرفه جویی و حذف سوبسید قیمتی، پایتخت این کشور و مراکز مهم شهری آن با موج شورشهای روبرو شده که تا کنون در کاراکاس پایتخت و نزوئلا حداقل ۲۵۰ کشته بجا گذاشته است. دولت سوسیال دمکرات ها کم درونزوئلا، کشور شروتمندی که میلیاردها دلار بدهکار است، بالاخره پس از مدتی تردید مجبور به تمکین در مقابل صندوق بین المللی پول و پذیرش دستورهای این صندوق شد که با مواجهه با موج انفجار رخس توده های فقرزده، ابتدا به برقراری حالت فوق العاده و لغو مقررات قانونی مربوط به شرایط مادی و سرکوب خونین توسط ارتش دست زد و سپس بعد از اینکه روشن شد که سرکوب چاره ساز نیست و مردم فقیر علی رغم حضور تا نکها و مزدوران مسلح در خیابانها دست از غارت مغازه های مواد غذایی بر نمی دارند، اعلام نمود که حداقل دستمزد را تا به مقدار ۵۰٪ افزایش میدهد. پس از اعلام افزایش چشمگیر دستمزد و با راه ای اقدامات مشابه، اوضاع ظاهرا روند عادی شدن را طی میکند و برای شتاب دادن به این روند است که ارتش و نزوئلا اقدام به پخش مجانی مواد غذایی در مراکز فقیرنشین کاراکاس نموده و مقررات حکومت نظامی را تا حدی شل کرده است.

اسرائیل

● در جریان درگیری بین ارتش اسرائیل و جوانان فلسطینی که دو باره تهدید یافته است، در هفته اول ماه مارس ۲۰ جوان فلسطینی کشته شده اند. در شهر نابلس از سوی ارتش اسرائیل مجسدها حکومت نظامی برقرار شده است و سربازان اسرائیلی به یک بیمارستان طیب سرخ حمله نموده و آنرا اشغال کردند.

جبهه خلق در پرو

شده است که از حزب ناسیونالیست بر خاسته و جنبش انقلابی توپاکامارو (MRTA) نامیده میشود. این جریان تلاش میکند که از باده روی های خونین "راه درختان" اجتناب کرده و خود را هم بعنوان دشمن چپ قانونی که آنها را غالباً رفرمیست می دانند معرفی نمی کند. مبارزه MRTA هنوز به آن اندازه توسعه نیافته است که مبارزه "راه درختان"، اگر چه این جریان نیز مرحله تبلیغ مسلحانه را پشت سر گذاشته است. ساخت تشکیلاتی این جریان در مقایسه با "راه درختان" لیبرال بوده و همین باعث آسیب پذیری آن - علی رغم همدلی های توده ها بواسطه اقداماتش - شده است.

صرف نظر از نقش بخش منفی که مبارزه مسلحانه تا کنون در قبال اشکال دیگر مبارزه اجتماعی عینی داشته است این مبارزه میتواند بده زودی خود را به عنوان لنگر نجات تمام انقلابیون - وحتی رفرمیستها - در پرو نشان دهد. نزول ARPA طبعاً نه فقط به تقویت چپ که همچنین به تغییر آرایش راست منجر شده است. بر طبق آخرین نظر خواهی،

اخبار خارجی

برلین

● پس از پیروزیهای انتخاباتی احزاب سوسیال دمکرات و سبزها (لیست آلترناتیو) در شهر برلین و نیز شکست مذاکرات حزب سوسیال دمکرات و حزب دست راستی دموکرات مسیحی برای تشکیل حکومت ائتلافی در شهر برلین، بنظر میرسد که سوسیال دمکراتها با لایحه ائتلاف با سبزها روی آورده و آنها را عملی کنند. تا کنون طرفین بر سر اصول حاکم بر ائتلاف خود به نتیجه مشترک رسیده و این توافقات در کنفرانس های هر دو حزب مورد تأیید قرار گرفته است. اکنون مذاکرات بر سر این جریان دارد که مقامات اجرایی در حکومت محلی به چه نحوی تقسیم شوند. بر طبق ادعای حزب سوسیال دمکرات، ائتلاف این حزب با سبزها بر حفظ صلح، امنیت، رفاه اجتماعی و همبستگی صورت میگیرد و این ائتلاف تلاش خواهد نمود تا مشکلات حاد اجتماعی برلین - نظیر بیکاری، مسکن و غیره را هر چه زودتر حل کند. همچنین طرفین به توافق رسیده اند که در برلین به خارجیان مقیم این شهر اجازه شرکت در انتخابات محلی داده شود. این توافق که هم اکنون از سوی سوسیال دموکراتها در سابقه آلمان نیز مطرح میشود با مخالفت شدید احزاب دست راستی و نئونازیها روبرو شده و شدت یافتن تبلیغات ضد خارجی از سوی احزاب مزیوربا اعتراض وسیع تشکلهای فدا شیمی، اتحادیه های کارگری و سازمانهای کلیسائی مواجه شده است

وین

● کنفرانس وزرای خارجه موافقت نامیه هلمینکی (کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا) در وین آغاز بکار نموده است. در این کنفرانس علاوه بر مذاکرات جداگانه وزرای خارجه آمریکا و شوروی، مذاکرات گسترده ای بین ۲۵ کشور عضو پیمانهای ورشو و ناتو و نیز کشورهای بیطرف اروپائی رایج به گاستن از تسلیحات غیر هسته ای در جریان است. همچنین از سوی پاره ای از شرکت کنندگان مذاکره بر سر سلاحهای شیمیائی نیز پیشنها شده است. بعلاوه دربارها افزایش اعتماد و امنیت طرفین مقابل نیز مستقلاً مذاکره میشود. در مذاکرات حول کاهش سلاحهای غیر هسته ای در اروپا، قرار است که بر مبنای "هر کس بیشتر دارد، اول کم کند" عمل شود. بر اساس این اصل، هر دو پیمان به مقایسه توان نظامی خود پرداخته و توافق خواهند نمود که به سرتیپهای طرف مقابل در ابتدا ازمیان برداشته شود. بر طبق ادعای ناتو، پیمان ورشو در زمینه نیروهای تانک و زرهی دارای برتری است. در حالیکه پیمان ورشو معتقد است که نیروهای دریائی و هوائی ناتو برتری غیر قابل انکاری دارند. حصول توافق بر سر همه این موارد به علت فقدان معیارهای مورد توافق طرفین، موقعیت جغرافیائی گوناگون کشورها و نیز سیاستهای امنیتی و نظامی هر کشور به سهولت صورت نگرفته و محتاج مذاکرات طولانی و همه جا نبه خواهد بود. در همین رابطه آلمان فدرال و لهستان توافق نموده اند که مشترکاً اقدام به تشکیل یک کمیسیون از دانشمندان و متخصصین دو پیمان برای تعیین معیارهای ارزش گذاری نیروهای مسلح و توان رزمی آنها بکنند.

کاندیدای ریاست جمهوری راست، نویسنده پروژی ما ریووا رگاس لوسا در صورتیکه انتخابات فوراً برگزار شود با کسب ۲۶٪ آرا، سه درصد بیشتر از زکانه ندی ای ARPA لوئیس آلوارزکا سترو و هشت درصد کمتر از رایز محتمل ترین کاندیدای چپ آلفونسو بارانتسس رای خواهد آورد. البته "چپ متحده" بدون بارانتسس شانس کمتری خواهد داشت. وی که تا قبل از کناره گیری، رهبر "چپ متحده" و شهردار لیما بود و نیز در کنگره ژانویه حضور داشت، نما بنده، آن گرایشی در درون "چپ متحده" است که به نوعی همکاری ولسی همراه با انتقاد با حزب حاکم ARPA تمایل دارد و بخاطر رفتارهای دیگال اتحاد فوق استعفا داد. در صورتیکه جبهه خلق باز هم بر وی بقدرت برسد، خطر تلاشی آن بواسطه تناقضات درونی اش، تناقضاتی که در کنگره ژانویه به هیچ وجه رفع نشدند و وجود داشته و از این رو چنین شکستی راه پیشروی راست افراطی را هموارتر خواهد نمود.

چشم اندازهای سیاسی بورژوازی بزرگ پرو که خود سهم بزرگی در ناکامی رفرمیائی آلان گاریسا داشت، هنوز کاملاً روشن نیست. چپ پرو اما تا کنون موفق به تشخیص گرایش با رزی به مدل "پینوشه" -

فریدمن در این بورژوازی شده است - مدلی که بر طبق آن سیاست مشترک الیگارشی بومی و سرمایه مالی امپریالیستی در سمت گیری بسوی بازار جهانی با سرکوب نظامی توده ها توسط ارتش به پیش برده میشود. این مدل به هیچ وجه مستلزم کنسار زدن پاره ای تشکلهای "دمکراتیک" در شهرها نیست، تشکلهائی که مثل امروز میتوانند به مثابه دیوار - هائی عمل کنند که پشت آنها در مناطق روستائی مفهوم خونین "امنیت ملی" توسط سربازان عملی میشود. در چنین سناریوئی که چندان هم غیر محتمل نیست، نفس وجود جنبشهای چریکی که تجربه نظامی دارند، از اهمیت غیر قابل چشم پوشی برخوردار است.

ک - فرای تاگ

(K-Freitag)

توضیح مترجم:

مقصود از مدل "پینوشه" - فریدمن "بکار گرفتن دستورالعملهای اقتصاددانان "مکتب شیکاگو" متعلق به راست نوین و به سردمداری اقتصاددان آمریکائی میلیتون فریدمن می باشد که در شیلی پس از کودتای پینوشه بکار گرفته شد.

زنان فلسطین...

اسرائیل در سال ۱۹۴۸ ادا می‌آید.

دوره دوم سال ۱۹۴۸ شروع شده تا ژوئن ۱۹۴۸ - یعنی پایان جنگ ژوئن و آغاز شش سال ساحل غربی و نوار غزه توسط اسرائیل. ادا می‌شد. دوره سوم شامل مبارزات معاصر است که همچنان ادا می‌شود.

این دوره بندی چهار چوب مناسبی را برای درک رشد تاریخی مبارزه زنان فراهم می‌آورد. می‌توان دید که از ۱۹۴۸ جنبش فلسطین با گسیختگی ها و افت و خیزهای مکرر روبرو بوده است. اولین مبارزه مبارزه مردم در دوران اسرائیل کنونی و هم در مناطقی اشغالی جاری است، و علیرغم مواضعی که در هر دو منطقه وجود دارد، مبارزه ایستادگی و جدیت.

۱ - در دوره اول شرکت زنان بصورت غیرفعال، غیرمتشکل و گنگ بود. تحت قیمومیت یک نظام اجتماعی محدودکننده آزادی حرکت برای زنان تقریباً وجود نداشت. با این وجود زنان بسیاری اولین بار در سال ۱۸۸۴ در کننیا مردان در اعتراض به احداث اولین آبادی شین میونسپل (نزدیک شهر اولوا) شرکت کردند. در نوامبر سال ۱۹۱۷ در پایان جنگ اول جهانی و انتشار ریبیا نیه با لغو، زنان در تظاهرات عظیمی شرکت کردند. در سال ۱۹۲۱ زنان فلسطینی با ایجاد "جامعه زنان عرب" در اورشلیم اولین قدم را بسمت فعالیت‌های سازمان یافته برداشتند و این در سال زمان دادن تظاهرات بر علیه آبادی شین های میونسپل نقش مهمی داشت. این شکل بعد از دو سال به بلاتکلیف دولتی و فشار اجتماعی - سیاسی که بر زنان وارد می‌آمد از بین رفت. ولی بعد از مدت کوتاهی زنان با ایجاد "کمیته نجات" برای جمع آوری اعانه‌ها - احوالپرسی کردند. آنها همچنین یک "کنگره زنان" سازمان دادند. این کنگره یک نامه اعتراضی به پادشاه انگلستان و اتحاد ملل (LEAGUE of NATIONS) (سازمان ملل کنونی) فرستاد و هیئت نمایندگی ۱۴ نفره برای ملاقات با نماینده عالی دولت انگلیس انتخاب کرد. این گروه خواستار لغو بیابانیه با لغو اروپا یا مهاجرت یهودیان شدند. طی مبارزات ۱۹۳۶ زنان اقدام به جمع آوری اعانه و پیش آن در میان افراد محتاج و بی‌موس خانوادگی با زدا شدگان کردند و غذا و اسلحه به مبارزین میرساندند. در سال ۱۹۴۸ در حالیکه نیروهای مسلح اسرائیلی کلیه قسمتهای فلسطین را اشغال کرده بودند و جنگ خیابانی شروع شده بود مشهور است که زنی بنام حلوا زیدان Helwa Zaidan بعد از اینکه پسرش و شوهرش جلوی چشمانش کشته می‌شوند اسلحه آنها را برداشته و آنقدر می‌جنگد تا خود کشته می‌شود.

۲ - شاخص دوره دوم از ۱۹۴۸ - ۱۹۶۷ عقب نشینی

ایضا یعنی ایجاد توازن بین دوگرایش متضاد یعنی شرکت در مبارزه ملی و نقش زن در تولید مثل روبرو شدن و دست و پنجه نرم کردن و این همه در حالیست که زندگی سه و نیم میلیون فلسطینی که در سراسر اردن پراکنده اند در معرض تهدید قرار دارد. هما نظر که بقاء فرهنگ فلسطینی در خطر است. در حالیکه سیاست مستعمراتی در کشورهای دیگر یک فشار سیاسی بود است. فلسطین جنبه مذهبی هم ادا می‌شود که استعمارگران را به پیش از پیش مصمم به تشدید کنترل میکند. علاوه بر آن پراکنندگی مداوم جمعیت از سال ۱۹۴۸ یک تاثیر تخریبی در زندگی اجتماعی مردم

فلسطین داشته است. آنها بیتا بیعت فقدان با یگانه "میهن" برای مبارزه، هر بار که کشور میزبان بیعت منافعی ملی خودش تصمیم به بستن درهایش بسوی فلسطینی ها میگیرد جنبش رها نشیخ ملی جا بجا میشود. با در نظر گرفتن این شرایط جنبش ناگزیر است همواره برای حفظ و تداوم خودش هم مبارزه کند. این عوامل موقعیت مشکلتتری را برای زنان فلسطین بوجود آورده و مستمندی را تشدید میکند. این بار با ربا طرازا مات سیاسی از یک طرف این مشارکت در مبارزه ملی نیست که با مانع روبروست بلکه خود مبارزه ملی است. و از طرف دیگر در فقدان یک دولت و حکومت خودی، خانواده نقش یک نهاد تقوی را بخود میگیرد و زنان خود را حاملین فرهنگ فلسطین می بینند که تنها آنها ان میتوانند هر جا که هستند آنرا زنده نگاهدارند.

نقدی از فعالیت های زنان در جنبش آزادیبخش ملی

همانطوریکه قبلاً متذکر شدیم ایجاد سازمان های زنان فلسطین به سالهای ۱۹۲۱ بر میگردد. امروز تنها در ساحل غربی حدود ۳۸ سازمان خیریه زنان وجود دارد که رسماً ثبت شده اند. این سازمانها طیف وسیعی از فعالیت‌های اجتماعی را بعهده گرفته اند که شامل مربیان ماهی، مراقبت از کودکان، بهداشت و سوادآموزی و ایجاد مراکز آموزش حرفه‌ای و خودگردانی و پروژه های مالی میشوند. مضافاً در هر چه بیشتر از تاثیر مثبت شرکت زنان در مبارزه ملی منجر به ایجاد چهار کمیته زنان در اواردیه ۷۰ و اوائل دهه ۸۰ شد. نخستین کمیته از این نوع "کمیته کاروان" بود که در سال ۱۹۷۸ در رمله RAMMALLAH توسط یک گروه از زنان با تحصیلات عالی و بلحاظ سیاسی و ایدئولوژیک با انگیزه، بوجود آمد. این کمیته هدف خود را دستیابی به تعداد دکتیری از زنان و بسیج آنان در پیوستن به جنبش زنان و جنبش ملی قرار داد. این کمیته سرعت در قسمت‌های بسیاری از مناطق اشغالی گسترش پیدا کرد و اعضایش به حدود ۲ هزار نفر رسید.

اگرچه این گسترش مشکلاتی را با خودش همسراه داشت همچون مباحثی در مورد لویتها و تانکیدا تی که بر روی جنبه های مختلف گذاشته میشد. سپس یک کمیته زنان کارگر تشکیل شد که لویت آن



از مبارزه مستقیم بود. طی این دوران فعالیت های سیاسی اجتماعی و عام المنفعه وجه اصلی کار آنان بود. مشارکت زنان غالباً توسط ایدئولوژی رهبری مردمسالارانه شکل میگرفت که در هیچ عمل مستقیم چه در فلسطین اشغالی که اکنون اسرائیل است و چه در ساحل غربی که بخشی از اردن شده بود نمی توانستند شرکت کنند. محدودیت‌هایی که دولت تازه تاسیس اسرائیل تحمیل میکرد شدت امکان ادا مبارزه را محدود کرده بود. فعالیت‌های مبارزه جویانه فقط به عده محدودی از زنان تحصیل کرده عمدتاً از طبقه بورژوا منحصر شد.

بدنبال تاسیس سازمان رها نشیخ فلسطین در سال ۱۹۶۴ "انجمن زنان فلسطینی" بوجود آمد. این طریق بود که زنان در اولین جلسه "شورای ملی فلسطین" در اورشلیم شرکت جستند. در آن دوران برای غالب فلسطینی ها بقاء اقتصاد یک موضوع اساسی شده بود. از دست دادن زمین برای کشاورزان بخصوص بلافاصله بعد از ۱۹۴۸ بمعنی این بود که جا معسه روستایی وارد مرحله کارمزدوری شده و یک پروسسه جدید پرولتاریزه شدن جامعه روستایی فلسطینی ها آغاز شد. زنان نمی توانستند از این قاعده مستثنی باشند. برای تامین خانواده ها، حیاتی بود که علی رغم رزق های مذهبی و محدودیت های اجتماعی به زنان اجازه داده شود که بکارمزدوری مشغول شوند. مسلماً این امر برای زنان امکان تحرک اجتماعی بیشتری را فراهم آورد. اگرچه ما با بیعتی تا کیسید کنیم که آزادی تحرک لزوماً با آزادی ها و از جمله آزادی در تصمیم گیری را بدنبال ندارد. در چنین شرایطی، تحصیل با اهمیت ترین عنصر جامعه فلسطینی شد (فلسطینی ها بالاترین رقم باوادی را در دنیا ی عرب دارند). در سال ۱۹۶۵ "انجمن زنان فلسطین" اولین کنگره خود را برگزار کرد و در مراحل بعدی شعبات خود را در نقاط مختلف ساحل غربی بوجود آورد. این انجمن در سال ۱۹۶۶ توسط رژیم اردن غیر قانونی اعلام شد و با وجود این در آخر سالهای ۱۹۶۰ زنان بسیار فعال شدند اگرچه گروههای زنان عمدتاً شامل زنان تحصیل کرده از طبقه متوسط بودند.

۳- سومین دوره از مبارزه زنان در جنبش رها نشیخ فلسطین را با یدیه دو قسمت تقسیم کنیم. از ژوئن ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ و از آن به بعد تا امروز.

از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲ مبارزه مسلحانه در جنبش فلسطین بر همه فعالیت‌ها غلبه داشت. نقش زنان به حمل و نقل غذا و اسلحه برای فدائیان خلاصه نمی شد. آنها در برنا مریزی و اجرای عملیات مسلحانه نیز شرکت میکردند. تعداد دکتیری از زنان بجزرم عملیات علیه اشغالگران به زندان افتادند.

در ساحل غربی و نوار غزه زنان در تظاهرات و سخنرانی های عمومی و غیره فعال بودند. اگرچه در شرایط اشغالی فعالیت‌ها نمی توانست چشمگیر باشد. از ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۲ زنان در سطح گسترده ای بسیج شدند. در حقیقت این دورانی بود که زنان با مسئله

آموزشی و غیره هم برسند. بعضی از این زنان توانسته اند موقعیت های بالاتری مانند آکادمیسن و محقق را کسب کنند و به پخش و انتشار اطلاعات درباره مسئله فلسطین به دنیای بیرون کمک برسانند. بنا برآما ۱۹۸۰ مشا رکت زنان در موسسات مختلف جنبش به شرح زیر است.

موسسات	درصد
(رهبری)	۲۷
وسا تل ارتباط جمعی	۲۴
خدمات اجتماعی	۶۵
صلیب سرخ فلسطین	۷۰
(رهبری)	۲۵
تحقیق	۴۵
برنا مهریزی	۲۶

اگرچه این ارقام نشانگر درگیری بودن زنان در بسیاری از زمینه های جنبش است ولی جنبش هنوز به زنان معمولی بخصوص زنانی که در کمپ های آوارگان زندگی میکنند و زنان روستائی که یک پروژه پرولتاریزه شدن را میگذرانند دسترسی پیدا نکرده است. آموزش برای زنان طبقه متوسط اماکنات درگیر شدن آنها را در مبارزه فرا هم میسر از این درحالی است که تعداد بین سنت و فعالیت سیاسی را حفظ میکنند. مشا رکت زنان در جنبش بدون تردید بر زندگی و موقعیت زنان تا شيرگذاشته است. با این وجود میزان این شغیرونا موزونی آن بشدت قابل بحث است.

در جنبش های رها شیبخت ملی که چنیسن استراتژی برای مشا رکت زنان دنبال شده است که در آن زنان تشویق به پیوستن به جنبش شده اند اما از آنها بعنوان آلت بسیج و در نقش حمایتی استفاده شده. صرف مشا رکت زنان منجر به برابری آنها نشده است. مضافا حتی در درون جنبش بسا روابط ناموزون بین زن و مرد مبارزه نشده و بنابراین این هیچگونه تحول بنیادی در تقسیم کار صورت نگرفته است. نتیجتا تعداد کمی از زنان برخسی

برابری ها را بدست آورده اند. و با "فشار اجتماعی" بصورت فردی مبارزه میکنند و ممکن است حتی موفقیت هایی نیز کسب کنند. اما این قاعده نیست. زنان فلسطینی هم مستثنی نیستند و از آن مهمتر تعداد آنها به زندگی خانگی با عث شده که روابط غیر برابری زن و مرد باقی بماند.

با این وجود با ایدتا کیدکنیم که بدون تردید آگاهی سیاسی در میان زنان فلسطینی وجود دارد. زنان فلسطینی چه آنها شیکه در کشورهای میزبان زندگی میکنند و چه آنها شیکه در مناطقی اشغالی هستند به ما هیت دیا لکتیکی مبارزه شان آگاهی دارند. بزبانی دیگر مبارزه سیاسی برای رها شئی ملی و نیا زبه تحولات اجتماعی در درون جامعه و از آن طریق گسترش شرکتشان در مبارزه ملی.

هستند که یک تعدادی بوجود بیای و رند بین مبارزه با موقعیت تبعی شان و ملزومات سیاسی که بلحاظ منافع ملی خواستار حفظ همان ارزشهای فرهنگی است که مانع شرکتشان در جنبش میشود. ما ختمان طبقا تی جنبش هم در شکل دادن موقعیت ما دون زنان فلسطین نقش دارد. شاخه های نظامی سیاسی، دیپلما تیک و اداری جنبش بصورت طرحهای پیچیده ای درآمده اند. یک نسل جدید فلسطینی های تحصیل کرده از طبقات متوسط که در جنبش فعال هستند در کنار عضاء خا نواده ها و قدیمی با اعتبار، سلسله مراتب بعدی را تشکیل میدهند. رهبریشان در ما هیت پدر ما لارا نه است که تا اندازه ای هم مشا رکت زنان در جنبش را قبول میکند. بخصصوص زنانی که از همان گروههای اجتماعی هستند و مدارک عالی، تحصیلی کسب نموده اند. تصمیماتی که در ارتباط با اللویت ها و سیاست های مشا رکت زنان با یدگرفته شود هنوز در دست اعضاء مرد جنبش است. مشا رکت زنان حتی در ا دیگال ترین جناحها مثلا "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" PFLP زیر تسلط مردان است. این مشا رکت غالباً شامل کاروری پروژه های زنان و یا حمایت خا نوادگی بسراسری انقلابیون (بجه بدنی آوردن، ترتیب دادن کارهای اجتماعی و غیره) است از آنجا شیکه رهبری اهداف سیاسی خود را برای زنان، منطبق بر سیستم اجتماعی تعیین میکند. مشا رکت زنان تابع موقعیت اجتماعی آنها میشود. زمانیکه زنان سعی در مطرح کردن مسائل ویژه شان دارند غالباً با این بهانه اینها مسائل "سیاسی" نبوده بلکه پیش با افتاده اند با اربا عا بر و بر می شوند. نتیجتا غالب زنان یا ادامه کار سیاسی برایشان مشکل است و یا اینکه خودشان را با نقش های فرعی که در دستشان است راضی میکنند. این موضوع انعکاسی است از برخورد اکثریت اعضاء مرد که نقش زنان را در ارتباط با خا نه و کارهای خانگی می بینند. آنچه گفته شد جنبه "موسوم تحلیل بالارا توضیح میدهد که عدم شرکت زنان بطور گسترده در جنبش عمدتاً نتیجه قیودات اجتماعی است.

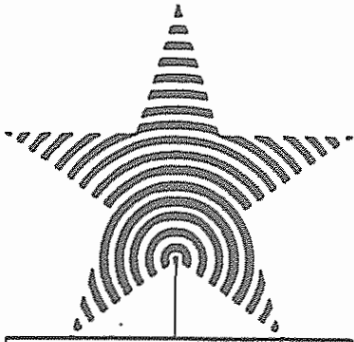
زنانی که در مبارزه شرکت داشتند بد رستی دریا فتند: "زبین بردن نفوذ سیستم مستعمراتی بورژوا شئی را که به ما تحمیل شده بود ما بعنوان دشمن می شناختیم. ما سنترا ز منهدم کردن سنتهای کهنه ایست که در جامعه ما نسلا ها وجود داشته و دارد." زمانیکه ما از این زاویه به شرکت زنان در جنبش آزا دبخت ملی نگاه می کنیم، علیرغم آگاهی سیاسی و استراتژی پراگماتیک آنها که اللویت را به مبارزه ملی میدهد، تصویر دیگری از جامعه فلسطین که در آن زنان نبرد خود را بعد از آزادی نیز ادامه میدهند، بدست نمی آید. زمانیکه جنبش مرد ما لارا نه است، زنان سهیم در آن غالباً از بورژوازی و طبقات متوسط تحصیل کرده هستند. بعضی از این زنان حتی موفق میشوند به مقامات مسئول مثلانا ظر سا زمان ملل و یا نماینده موسسات

آگاه کردن زنان کارگر به سیستم ها که بر آنها روا میشود بود. ستمنا تی آزما هیت پدر ما لارا نه و سنتی جامعه، ستمی که در محل کار روا میشود و سنتی که ناشی از اشغال اسرائیل است. زنان بسیاری از سازمانها از طریق مبارزاتشان در محل کار موفق به گرفتن یک روز تعطیل با مزد در روز ۸ مارس "روز بین المللی زن" شدند.

در سال ۱۹۸۲ دو کمیته دیگر بنام "کمیته زنان فلسطین" و "کمیته زنان برای خدمات اجتماعی" بهمین ترتیب تشکیل شد. در حالیکه زنان در همه این کمیته ها در امر متشکل کردن زنان کارگر در شکلهای اتحادیه ای و بریدن آگاهی سیاسی اجتماعی در میان آنان و حمایت از زندانیان سیاسی و خا نواده ها شان و غیره... فعال بودند، ولی آن شکافی که منجر به تشکیل چهار کمیته متفاوت شد انعکاس گرایی فرا کسیون است که در کل جنبش وجود داشت. عضویت این کمیته ها انعکاسی از نظرات ایدئولوژیک فرا کسیونهای موجود در جنبش بطور کل است. مضافا اینکه چون گروههای زنان خود جزئی از جنبش رها شیبخت ملی هستند، برنا مه سیاستها یشان با سیاستهای عمومی تر جنبش که به حال در چهار چوب منافع کلی مردم فلسطین می گنجد، ارتباط پیدا میکند.

آنچه که به سیاستهای فوق ویژگی میدهد همانا جدائی ای است که بین دنیای زنان و دنیای مردان قائل میشود. اگرچه زنانی هستند که از پیشروان جنبش مسلحانه هستند ما شندفا طم با رناوی (PATMA BARNAWI) که به یک سینمای اسرائیلی بمب پرتاب کرد و لیلیا خالد (LAILIA KHALID) که نه تنها در میان زنان فلسطین بلکه در سایر جهان سوم یک اسطوره شد. اما اینها استثنا است نه قاعده. اگرچه این استثنا ت ممکن است نشانه ای از شروع مشا رکت کامل زنان باشد ولی در عین حال ممکن است این توهم را بوجود آورد که زنان در جنبش برابری بدست آورده اند. سه بعد تحلیلی از وضعیت زنان که قبلا به آن اشاره شد بدین ترتیب بیشتر روشن میشود. مبارزه، اتحاد هر چه بیشتر زن و مرد را می طلبد ما هیچگونه برابری در این اتحاد نیست.

آگاهی سیاسی هم درون جنبش و هم بیرون از آن به مراتب بیشتر از خود آگاهی اجتماعی است. پدر سالاری که بر سیستم اجتماعی حکم فرماست در همان حال ما ختمان سیاسی جنبش را نیز شکل میدهد. نتیجتا نقش زنان بطور کلی، در جنبش حمایت از قدا شیان دیده می شود. جنبش برای اینکه سلسله مراتب قدرت میان زن و مرد را در هم نریزد بر خوردی محتاطانه نکرده و زنان را تشویق به مبارزه از طریق نقش اجتماعی پذیرفته شده شان میکند. بعنوان ما درانی که پسران را برای جنگ تربیت میکنند و با زنانی که رزمندگان برای تحقق "آرمان" می سازند. زنان با این معضل روبه سر



صدای کارگر

راه پستی سازمان کارگران انقلابی ایران در راه کارگر

برنامه‌های سرتاسری صدای کارگر:

- ۳ هر روز ساعت ۱/۵ عصر روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش میگردد.
- ۳ این برنامه ساعت ۱/۸ همان شب و ساعت ۷ صبح روز بعد مجدداً تکرار میشود.
- ۳ جمعه‌ها برنامه ویژه پخش میگردد.

برنامه‌های صدای کارگری ویژه کردستان:

- ۳ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۴ بعد از ظهر بزیان کردی وفارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ تکرار میگردد.
- ۳ جمعه‌ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۴ بعد از ظهر جمعه تکرار میگردد.

زنان فلسطین

وجنبش رهائی بخش ملی: یک دیدگاه اجتماعی

توضیح هیئت تحریریه:

نوشته را که به همت یکی از رفقا آماده گردیده بلحاظ بررسی نقادانه از شرکت زنان در جنبش فلسطین مطرح مسائل مهمی در این مورد جلب توجه یافته و بنظر خوانندگان میسرانیم.

نوشته‌ای که پیش رویدارید تلخیص و ترجمه مقاله‌ای است که توسط حمیده غازی نگاشته شده و در گاهنامه‌های ۱۹۸۷ منتشر شده است. ما این



میگردد. ۳ - عدم شرکت گسترده زنان در جنبش نه به علت سیاسی نبودنشان بلکه به علت قیودات اجتماعی است. بعلاوه اگر زمانی ضرورت ایجاد کند که ما نساء زنان الجزایر در مبارزه شرکت داده شوند آنوقت به جای مشارکت واقعی، از آنها استفاده میشود. با این وجود زنان فلسطین در وجود آوردن تشکلهای زنان شرکت در مبارزه برای حفظ ورهائی سرزمینشان تا ریخته طولانی دارند. امروز ما نیکه جهان با لایحه نهضت فلسطینی را برسمیت شناخته سزاوار است که مبارزه معاصر زنان فلسطینی در بستر تاریخی آن مورد تحلیل قرار گیرد.

تا ریخته کوتاه از مبارزه زنان فلسطین

شرکت زنان در مبارزه مردم فلسطین برای رهائی سرزمینشان به سه دوره تقسیم میشود: دوره اول از سالهای ۱۸۸۲ تا پیدایش نخستین آباء دی - نشین‌های صهیونیستی شروع شده تا تشکیل دولت

زنان همواره در مبارزات رهائی بخش فلسطینی شرکت داشته و تعدادی از آنان نیز بخاطر نقشیه که داشته اند تجلیل شده اند. هرچند نقش آنان در مبارزات سیاسی همواره نا دیده گرفته شده همانطور که نقش آنان در توسعه اقتصادی برسمیت شناخته نشده است آنچه باقی میماند در حوزه اجتماعی است که در اینجا نیز ما دون بودن زنان یک پدیده پذیرفته شده است.

عدم قبول نقش زنان یا شاید بهتر است بگوئیم عدم شرکت آنان در جنبش‌های رهائی بخش ملی را در چهره رچوب موقعیت نابرابر اجتماعی آنان با بستی تحلیل کرد.

در این تحلیل سه محور دیده میشود: ۱- نقش زنان به علت طبیعت کاری که انجام میدهند در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد. ۲ - شرکت موقعیت زنان در مبارزه ملی با ساختار طبقاتی جنبش تعیین

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY

ضمیمه شماره ۴۰

لیست اسامی
۱۴۰۰ زن شهید

نا برابری در زندگی، برابری در مرگ

این جانان بیشترین بی حرمتی را به زنان مبارز روا داشته اند، بهمین جهت انجمن زنان ایران - کلن، لیستی از شهدای زن ایرانی که طی ده سال حکومت ننگین فقها عدا شده اند تهیه کرده که ضمن ارج گذاری این کار، این لیست را بعنوان یک سند تاریخی منتشر می کنیم.

اگر در جمهوری اسلامی زنان بصورت رسمی بعنوان شهروند درجه دو محسوب میشوند، اگر آنان از همه گونه حق اجتماعی بهره کمتری دارند، اما سطور مرگ فقها بیشترین نصیب را به آنان عرضه کرده است. مبارزه زن و مرد نمی شناسد و جمهوری فقها هم مبارزان را به یکسان کشتار کرده است، هر چند که

۱ - فاطمه آذغان	۲۲ - طاهره آقاخان مقدم (۱۸ ساله)	۴۴ - ناری اراجمی	۶۵ - ساره احمدی (۱۸ ساله)
۲ - رهرا آذغانی	۲۳ - سنا آزاراده	۴۵ - رهرا ابراهیمان	۶۶ - عدرا احاری
۳ - گیتی آتش افروز	۲۴ - سرس آقا علی سجانی	۴۶ - کبری ابراهیمان (۱۹ ساله)	۶۷ - رهرا احساری (۱۶ ساله)
۴ - آمنه آذر تقوی	۲۵ - حمله آذغانلیان (۱۸ ساله)	۴۷ - نسلا اولاجرار شراری	۶۸ - سرس اخلانی
۵ - سپوس آذربایان	۲۶ - اندس آقا محمدی	۴۸ - فاطمه ابوالحسی	۶۹ - فاطمه اجوان
۶ - صدیقه آراسه	۲۷ - راحمه آل طاهر (۱۷ ساله)	۴۹ - سنا ابوالعجی	۷۰ - شهساده جوب
۷ - رهرا آراشان	۲۸ - مرصه آل طاهر (۱۹ ساله)	۵۰ - مرصه ابوشی رادکسکی	۷۱ - کوهرادب آوار
۸ - فرح آرواسه	۲۹ - سرکی آل هاسم (۱۷ ساله)	۵۱ - فاطمه آسی عنبری	۷۲ - مسنا ابراهیمی
۹ - فرح آزاد	۳۰ - سرس آمورگار (۱۷ ساله)	۵۲ - سرکی آسی عنبری (۱۸ ساله)	۷۳ - آسحلا ارجمندی (طلق آوسر)
۱۰ - رهرا آزادی یار	۳۱ - آدر آنسک	۵۳ - ساهدا حاسی	۷۴ - سرس ارجمندی
۱۱ - رهرا آرموده لکامی	۳۲ - رمنه آنسگران	۵۴ - سپس احمدپور (۱۸ ساله)	۷۵ - سرس ارجمندی (طلق آوسر)
۱۲ - مرصم آرموده لکامی	۳۳ - رهرا آیبوان	۵۵ - رهرا احمد دوست	۷۶ - نسلا اردکانی
۱۳ - ساهدا آرنش	۳۴ - مرصه آنت الله راده سراری	۵۶ - آدر احمدی	۷۷ - مهنا زارنادی
۱۴ - اقدس آزادسی	۳۵ - آسده ابراهیم پور	۵۷ - سول احمدی	۷۸ - فرح ارغوانی
۱۵ - سپوس آسان (آثار)	۳۶ - خدیجه ابراهیم پور	۵۸ - حمیرا احمدی	۷۹ - خدیجه ارفع
۱۶ - زاله آسا	۳۷ - سرور ابراهیم راده	۵۹ - نصیب احمدی	۸۰ - رهرا ارنجی
۱۷ - مرصم آنوری	۳۸ - صدیقه ابراهیم نژاد	۶۰ - مرصم احمدی	۸۱ - نسدا ارنجی (۱۸ ساله)
۱۸ - فاطمه آصف	۳۹ - اکرم ابراهیمی	۶۱ - مسره احمدی	۸۲ - هلن ارنجی
۱۹ - رهرا آقاخان سور	۴۰ - سمنه ابراهیمی	۶۲ - اسرف احمدی	۸۳ - وفا ارکان
۲۰ - سکیبه آقاجی	۴۱ - گیتی ابراهیمی	۶۳ - اسرف احمدی راده	۸۴ - سادره ارمی
۲۱ - طاهره آقاجی	۴۲ - سپس ابراهیمی	سراکمی اصل (طلق آوسر)	۸۵ - مساره جی
	۴۳ - سپس ابراهیمی	۶۴ - رهرا احمدی راده سراکمی	۸۶ - فرزانه زانی (۱۷ ساله)

علیه اعدا موشکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی پناخیزیم!

اسامی مادران، که بعد از اعدا فرزندان نشان سگته کرده اند:

- ۱۴۹ - سرس اکبری (۱۹ ساله)
- ۱۵۰ - گیتی اکبری مقدم
- ۱۵۱ - منزه السری
- ۱۵۲ - سکینه الله وردی
- ۱۵۳ - پروانه لوندیور
- ۱۵۴ - سرس الوندی
- ۱۵۵ - پروانه امام
- ۱۵۶ - سونیس امامی (۱۷ ساله)
- ۱۵۷ - خورا ملشی
- ۱۵۸ - شهلا صدوار
- ۱۵۹ - فاطمه امیدی
- ۱۶۰ - معصومه امیدی
- ۱۶۱ - فهیمه مرحسینی
- ۱۶۲ - ناهید مری
- ۱۶۳ - سهیلا میری
- ۱۶۴ - فاطمه میری دودران (۱۷ ساله)
- ۱۶۵ - انسا سهامینان
- ۱۶۶ - زهرا امینان
- ۱۶۷ - شهلا انبوزاده (۱۷ ساله)
- ۱۶۸ - مینا انتظاری (باردار)
- ۱۶۹ - کیلان اندیشه (۱۵ ساله)
- ۱۷۰ - مریم انصاری (۱۶ ساله)
- ۱۷۱ - مرصه انصاری
- ۱۷۲ - فاطمه وحی
- ۱۷۳ - فاطمه اورمزدی
- ۱۷۴ - فلورا ورنکی
- ۱۷۵ - زهرا ابران منش (۱۷ ساله)
- ۱۷۶ - ناهید بزدخواه کرمانی
- ۱۷۷ - انسا بزدی
- ۱۷۸ - زهرا بزدی (۱۸ ساله)
- ۱۷۹ - مسنا بزدی
- ۱۸۰ - سرس بزدی واحدی
- ۱۸۱ - میترا بزدی بار
- ۱۸۲ - زهرا بزدی بار
- ۱۸۳ - انسا ربانی
- ۱۸۴ - مریم ربانی
- ۱۸۵ - وحیده ربانی
- ۱۸۶ - عالیه زرگان
- ۱۸۷ - حدیحه ربار
- ۱۸۸ - رفیه ساجده دوست
- ۱۸۹ - مهین سافکار
- ۱۹۰ - فاطمه قری
- ۱۹۱ - زهرا باقری ورکیانی
- ۱۹۲ - شهلا لایان پور
- ۱۹۳ - زهرا نانی خانی
- ۱۹۴ - اکرم بانی احمدی
- ۱۹۵ - زهرا سای
- ۱۹۶ - زینت نانی (۱۶ ساله)
- ۱۹۷ - خدیجه سحانلو
- ۱۹۸ - پوران بختیاری (۱۸ ساله)
- ۱۹۹ - مهسا بختیاری (۱۸ ساله)
- ۲۰۰ - صدقه بختی
- ۲۰۱ - سیمین بدیعی
- ۲۰۲ - اعظم برازش مزگانی

- ۵ - مادر شجاعی
- ۶ - مادر لقا نازنده
- ۷ - مادر میر جلیلی

- ۱ - مادر سیرانی
- ۲ - مادر میرزا بیگم جوانمردی
- ۳ - مادر حیدری
- ۴ - مادر خودنگاه



- ۸۷ - فرشته رلی (۱۶ ساله)
- ۸۸ - فرشته زهدی
- ۸۹ - فهیمه استاد حسن بحار
- ۹۰ - طاهره استاد علی معمار
- ۹۱ - پروین اشراقی
- ۹۲ - گیتی اصبری
- ۹۳ - محبوه استوار (۱۹ ساله)
- ۹۴ - سره استوار
- ۹۵ - زهرا استواری
- ۹۶ - اکرم استوار سردی
- ۹۷ - مریم آسادی
- ۹۸ - مهرا آسادی
- ۹۹ - سعیده اسدزاد
- ۱۰۰ - سنول اسدی
- ۱۰۱ - حوا اسدی
- ۱۰۲ - زهرا اسدی
- ۱۰۳ - فهیمه اسدی (۱۸ ساله)
- ۱۰۴ - میترا اسدی (۱۶ ساله)
- ۱۰۵ - فهیمه اسفندیاری (۱۶ ساله)
- ۱۰۶ - فرشته اسکندریور (۱۷ ساله)
- ۱۰۷ - طاهره اسکندریزاد
- ۱۰۸ - پروین اسکندری
- ۱۰۹ - مرصه اسکندری
- ۱۱۰ - مسنا اسکندری
- ۱۱۱ - مسوا اسکندری
- ۱۱۲ - سرس اسلامی
- ۱۱۳ - طاهره اسلامی (۱۸ ساله)
- ۱۱۴ - عزت اسلامی
- ۱۱۵ - اکرم اسلامی (۷۰ ساله)
- ۱۱۶ - گیتی اسماعیلی
- ۱۱۷ - مرصه اسماعیلی
- ۱۱۸ - مسزه اسماعیلی
- ۱۱۹ - مریم سدی (داس آ مور)
- ۱۲۰ - مهین اشتری
- ۱۲۱ - سعیده اشرف جهان (۱۰ ساله)
- ۱۲۲ - مزگان اشعیا میان (۱۸ ساله)
- ۱۲۳ - مهین اصلی سا
- ۱۲۴ - زهرا ظلس حسان
- ۱۲۵ - حوریه غلامی (۱۹ ساله)
- ۱۲۶ - زهرا اصهار (خلق آوز)
- ۱۲۷ - فاطمه امتحار
- ۱۲۸ - شهن اشخاری (۱۷ ساله)
- ۱۲۹ - مسوره افخمی
- ۱۳۰ - فاطمه امرا سانی
- ۱۳۱ - فاطمه امرزاده
- ۱۳۲ - اعظم افشار
- ۱۳۳ - پری افشار
- ۱۳۴ - فرح افشار
- ۱۳۵ - مریم افشار
- ۱۳۶ - معصومه افشار
- ۱۳۷ - نادره افشار
- ۱۳۸ - ناهید افشار
- ۱۳۹ - شهنا زافشارلو
- ۱۴۰ - مسنرا افشاری (۱۷ ساله)
- ۱۴۱ - فرح افشاری نصب
- ۱۴۲ - انسا نه افضل نیا
- ۱۴۳ - عربره افواری
- ۱۴۴ - مریم انسال
- ۱۴۵ - مریم اکبرشاهی
- ۱۴۶ - سنول اکبری
- ۱۴۷ - مقدم اکبری (۱۷ ساله)
- ۱۴۸ - مسوا اکبری

۲۵۳	– ما در سرائی	۲۵۷	– مرم سروس	۳۰۹	– فروران سنی رادہ	۳۶۱	– گیتی السادات حوزی
۲۵۴	– حوا سررکر	۲۵۸	– رھرا سحی	۳۱۰	– مہیا زنتقی رادہ	۳۶۲	– میوش جوکار
۲۵۵	– عفت سررگری	۲۵۹	– سا ہمد (۱۸ سالہ)	۳۱۱	– مسما سودہ روسا	۳۶۳	– لطیفہ جوا ہریان
۲۵۶	– سوس سرورجری	۲۶۰	– مسرا سا ہمد	۳۱۲	– لنلا نوسل	۳۶۴	– مسرا حوسنی
۲۵۷	– لسلا برومنداں	۲۶۱	– سکسہ سوات	۳۱۳	– مرم سوسلی	۳۶۵	– آذرچیانسنخ
۲۵۸	– صغری سررگان فرد (۱۸ سالہ)	۲۶۲	– مکر م سورما	۳۱۴	– سہیلا سوکلی	۳۶۶	– مسورہ جہا نسخ
۲۵۹	– مرم سررگ رادہ	۲۶۳	– فرحدہ سورکنگولی شفا ٹی	۳۱۵	– سیلا نوکلی	۳۶۷	– مہین جہا نگیری
۲۱۰	– فریسا نطا ٹی	۲۶۴	– طا طمہ سورکمالی	۳۱۶	– فرحنا سوکلی	۳۶۸	– مرم حیوا ز
۲۱۱	– سوادہ سفا ٹی (۱۶ سالہ)	۲۶۵	– رحیمہ سور معمد	۳۱۷	– مروس سوکلی	۳۶۹	– صغری جاہ تلخی
۲۱۲	– سرس سفا ٹی راوری	۲۶۶	– مہمدہ پور معمد	۳۱۸	– مہین سوکلی	۳۷۰	– رھرہ جیردار
۲۱۳	– رفیدلادی	۲۶۷	– رھرا پورمند	۳۱۹	– نا ہمد سوکلی (۱۶ سالہ)	۳۷۱	– زھرا چرحریان
۲۱۴	– گمینی سنا ٹی (ساردار)	۲۶۸	– ملحدہ پورمند	۳۲۰	– فریدہ سیددی	۳۷۲	– مہین حنم سوادہ (۱۸ سالہ – داس آموز)
۲۱۵	– زھرہ سمدہ خدا	۲۶۹	– حور سد سولادی	۳۲۱	– الیہ سپراسی	۳۷۳	– سیلا حنم آرا ٹی
۲۱۶	– اکرم بیسی احمدی	۲۷۰	– زھرا سوپان	۳۲۲	– مسما سپراسی	۳۷۴	– فریسا جگیزی
۲۱۷	– زھرہ سنان سور	۲۷۱	– اقدس پیلو آبی	۳۲۳	– نا ہمد سپراسی	۳۷۵	– مسرا حویبان زاہدہ (ساردار)
۲۱۸	– سیپلاسی فاضی	۲۷۲	– مسورہ سپیلوان	۳۲۴	– آسمہ سما جی	۳۷۶	– سرس جہا رحال بحساری
۲۱۹	– طا طمہ سنی مہدی	۲۷۳	– مارا سحکا (۱۶ سالہ)	۳۲۵	– ادنا سات	۳۷۷	– طا طمہ حسان
۲۲۰	– مسما سو سپری	۲۷۴	– طمہ پراسد	۳۲۶	– سما سواسی	۳۷۸	– سروس حسناں
۲۲۱	– افسانہ سوکان	۲۷۵	– وحیدہ سراس	۳۲۷	– رھرا سواسی	۳۷۹	– ملحدہ حاج آفا
۲۲۲	– شہین بیجا ردوست	۲۷۶	– مہمدہ سراس	۳۲۸	– طا طمہ جہا سرپادہ انصاری (۱۳ سالہ – داس آموز)	۳۸۰	– فحری حاج دانی
۲۲۳	– طا طمہ بیجا ردوست	۲۷۷	– مرم سد سرورکسری	۳۲۹	– رفیدہ حساری	۴۵۱ سالہ	– دارای ۴ فرزند
۲۲۴	– سرکس بیجا ردوست	۲۷۸	– آرسا پسروری (۱۷ سالہ)	۳۳۰	– پروس حساری	۳۸۱	– رھرہ حاسان سہیلہ
۲۲۵	– فائزہ بیجاری حوان	۲۷۹	– آرادہ بیروپان	۳۳۱	– ظا ہرہ حساری	۳۸۲	– روسا حاسانی فط آبادی
۲۲۶	– صدیقہ بیجانی	۲۸۰	– مہیا زسفا بی آٹیا ٹی (۱۷ سالہ)	۳۳۲	– سروس حساریان	۳۸۳	– سرس حاجی نسلمی
۲۲۷	– طمہ بیجانی	۲۸۱	– سروا سہ بیوسگان	۳۳۳	– طمہ حساریان	۳۸۴	– حاجی سزاد (داس آموز)
۲۲۸	– پروس بیجا رودت	۲۸۲	– رھرہ نا پرور	۳۳۴	– بیجا رجدسناں	۳۸۵	– مہرا بکیر حاجی نژاد
۲۲۹	– ملحدہ سپراسی (داس آموز)	۲۸۳	– مسما تان	۳۳۵	– محسودہ جدی گل سرجی	۳۸۶	– رری حافظان
۲۳۰	– فرح بیجاسان	۲۸۴	– حسرا بادہ	۳۳۶	– حور سد حرضی	۳۸۷	– اعظم حسینی
۲۳۱	– سر سحر بیجروپان	۲۸۵	– مرم سا پوردی	۳۳۷	– روح انگیز حعفر زادہ	۳۸۸	– طا ہرہ حسینی فرد (ساردار)
۲۳۲	– سوشین سپروزی	۲۸۶	– رھرہ ستریزی	۳۳۸	– مرشدہ حعفر زادہ محاوروی	۳۸۹	– ححاری (۱۷ سالہ)
۲۳۳	– سیمین سپراسا	۲۸۷	– مرم سربری	۳۳۹	– محسودہ حعفر زادہ	۳۹۰	– سول حسینی
۲۳۴	– شہوش بیجادی (۱۵ سالہ)	۲۸۸	– مہمدہ نحصلی	۳۴۰	– الیہ حعفری	۳۹۱	– نہیزا دحجی اما می
۲۳۵	– سندا بیجادی	۲۸۹	– سرس بحسری	۳۴۱	– رسدہ جعفری تانی	۳۹۲	– زھرہ السادات حداد زادہ
۲۳۶	– ترنا بیجام (۱۷ سالہ)	۲۹۰	– زھرا ندس	۳۴۲	– (ساردار) روما درک فرزند	۳۹۳	– فریدہ حریت
۲۳۷	– فرح بیانات افشار	۲۹۱	– مسطر ندس نوا ٹی	۳۴۳	– صدیقہ حعفری موزی (ساردار)	۳۹۴	– مسما تحسیری (۱۷ سالہ)
۲۳۸	– صدیقہ ساسی گمینی (۱۶ سالہ)	۲۹۲	– رفیدہ تراب پور	۳۴۴	– اشرف حلالی	۳۹۵	– شرارہ حربری
۲۳۹	– لادن ساسی	۲۹۳	– راصہ تراب پورما ٹی	۳۴۵	– افسانہ حلالی	۳۹۶	– شیرہ حربری
۲۴۰	– صدیقہ سنداری حسینی	۲۹۴	– فرح سراسی	۳۴۶	– شرارہ حلالی	۳۹۷	– فرح حربری
۲۴۱	– رھرا ہمد سپری (۱۷ سالہ)	۲۹۵	– مہر ترابی (۱۸ سالہ)	۳۴۷	– نیپلا حلالان	۳۹۸	– رھرا حوسبان مطلق
۲۴۲	– سروس بیگدلی (داس آموز)	۲۹۶	– مہیا سراسی	۳۴۸	– سول حلالی رادہ (۶۰ سالہ)	۳۹۹	– نیپلا حربری مطلق
۲۴۳	– مہیا رسگدلی	۲۹۷	– سرس ترابی	۳۴۹	– مرم حلالی فر	۴۰۰	– فریدہ حریبہ (۱۶ سالہ)
۲۴۴	– ربانہ سنا	۲۹۸	– طا طمہ (مسردہ)	۳۵۰	– خاطرہ حلائی	۴۰۱	– رھرا حسامی
۲۴۵	– فائزہ سی ہمال	۲۹۹	– ترابی لنگرودی (ساردار)	۳۵۱	– رفیدہ طبعاری	۴۰۲	– نیپلا حس آرا
۲۴۶	– سوادہ سباراک (۱۸ سالہ)	۳۰۰	– نیپلا نسلمی (داس آموز)	۳۵۲	– مرم صہ طیلی (۱۷ سالہ)	۴۰۳	– معصودہ حس سور (۱۸ سالہ)
۲۴۷	– فریدہ ساک سرور	۳۰۱	– سلو فرسند (۱۵ سالہ)	۳۵۳	– سوران حم	۴۰۴	– فرحنا رحس دحت (۱۸ سالہ)
۲۴۸	– سوادہ ساک نژاد	۳۰۲	– مہمدہ سعیدی	۳۵۴	– طوسی حمشدی (داس آموز)	۴۰۵	– مسما حس دوست (۱۸ سالہ)
۲۴۹	– سروس ساک سنا	۳۰۳	– معصودہ نوا ٹی	۳۵۵	– مژگان حمشدی (۱۴ سالہ)	۴۰۶	– معصودہ حسن زادہ
۲۵۰	– اسرف ساک سبت	۳۰۴	– اقدس شعوی	۳۵۶	– امدیس حناح (۴۵ سالہ)	۴۰۷	– محراب حسن رادہ
۲۵۱	– حلیمہ حانون سابدار (۱۷ سالہ)	۳۰۵	– مرم سعوی	۳۵۷	– سوشن حنتی	۴۰۸	– مسما حسینی
۲۵۲	– سراس سوسوی (۱۷ سالہ)	۳۰۶	– مسرہ شعوی	۳۵۸	– زھرہ جواد زادہ	۴۰۹	– تراب بحس حاسی مقدم
۲۵۳	– ررس سوسوی	۳۰۷	– مسوس شعوی	۳۵۹	– سنا حواددی	۴۱۰	– آسمہ حسینی
۲۵۴	– سروس سوسوی	۳۰۸	– مسرا بقان	۳۶۰	– مہین حواددی	۴۱۱	– 'حرام السادات حسینی
۲۵۵	– محسودہ بحر کمانی		– زسلاسی رادہ			۴۱۲	– طا طمہ السادات حسینی
۲۵۶	– سرس سمدہ سناں						

۴۱۳	اکرم حسینی	۴۶۵	عاطفه خراشی	۵۱۸	افسانه دین علی	۵۶۹	زبلا رستمی	
۴۱۴	را صد حسینی	۴۶۶	فرزانه خراشی	۵۱۹	منیژه دینی	۵۷۰	کیان رستمی	
۴۱۵	نا طمه حسینی (با ردا ر)	۴۶۷	پروین خسروی	۵۲۰	طا هره دیبیمی (۱۸ ساله)	۵۷۱	کمان نوب رستمی	
۴۱۶	مهیمه حسینی	۴۶۸	فرشته خسروی	۵۲۰	ریا به‌ذا کری	۵۷۲	شهلا رسولی	
۴۱۷	مریم حسینی	۴۶۹	مینرا خسروی	۵۲۱	منیرذا کری	۵۷۳	مریم رش	
۴۱۸	مریم لسا دات حسینی (با ردا ر)	۴۷۰	نسرین خسروی	۵۲۲	مرم‌ذا کری	۵۷۴	مدیقه رشیدی	
۴۱۹	منیر حسینی	۴۷۱	ربین خسروی (با ردا ر)	۵۲۳	طا هره ذبیحی	۵۷۵	سرونا زرنا	
۴۲۰	زهرا حسینی ایزدی	۴۷۲	نسرده خسروی	۵۲۴	سکسه ذبیحیان لنگرودی	۵۷۶	آذرخا شی (با ردا ر)	
۴۲۱	غنچه حسینی برزی	۴۷۳	حطیب شهیدی	۵۲۵	سیدحبیبه ذوالعقاری	۵۷۷	اعظم رضا شی	
۴۲۲	مریم حسینی برزی	۴۷۴	(۱۵ ساله) زیر شکنجه مسا خطیبی	کشا ورز (۴۰ ساله)	۵۷۸	مدیقه رضا شی		
۴۲۳	معصومه حصوری (دانش آموز)	۴۷۵	معری حلدی	۵۲۶	نسرین راجی نسا	۵۷۹	زهرا رضا شی (۱۸ ساله)	
۴۲۴	نبره حق زاده (۱۸ ساله)	۴۷۶	عمت خلیفه سلطانی (۴۵ ساله)	۵۲۷	نا هیدرا فتی	۵۸۰	زهرا رضا شی	
۴۲۵	نا طمه حق گو	۴۷۷	نبرده خلیفی	۵۲۸	ملیحه راجی (۱۶ ساله)	۵۸۱	زینب رضا شی	
۴۲۶	راضیه حق نویس	۴۷۸	اکرم خللی (۱۶ ساله)	۵۲۹	سهمه راد	۵۸۲	زینت رضا شی (۱۷ ساله)	
۴۲۷	الیه حقیقت (۱۸ ساله)	۴۷۹	طنبه خللی (۱۷ ساله)	۵۳۰	وبدارا دمردزرگانی	۵۸۳	ستاره رضا شی (۱۸ ساله)	
۴۲۸	طاهره حقیقتی	۴۸۰	مهیمه خللی	۵۳۱	معصومه راجی لنگرودی	۵۸۴	مرضیه رضا شی (۱۶ ساله)	
۴۲۹	فروغ حکمتی سلطانی	۴۸۱	طا هره ححرایی اسکویی	۵۳۲	مرسا راجی مرندی	۵۸۵	شیرین رضا شی	
۴۳۰	منیژه حکیم زاده	۴۸۲	نبرده خواجهر خوجی	۵۳۳	مرسا راجی	۵۸۶	رسانا	
۴۳۱	سپاس حکیم معانی	۴۸۳	عمت خواجهر راجی	۵۳۴	الیه راجی	۵۸۷	زهرا رضا شی (دانش آموز)	
۴۳۲	ملک تاج حکیمی	۴۸۴	مهیس خوشنما ر	۵۳۵	رهرا راجی	۵۸۸	مینا رضا شی	
	(۵۵ ساله) زیر شکنجه	۴۸۵	لسلا خوشنما ر (۱۷ ساله)	۵۳۶	هما ربویی	۵۸۹	نصرت رضا شی	
۴۳۳	شراره حلاجی	۴۸۶	نسرین خوشنما	۵۳۷	اسراف راجی	۵۹۰	الیه راجی	
۴۳۴	نبرده حمزه ای (۱۷ ساله)	۴۸۷	مهیس حسانی	۵۳۸	ماه ربویی راجی	۵۹۱	روحانپور	
۴۳۵	پروین حمده بورخانقاه	۴۸۸	حمیدرضا خرواه	۵۳۹	زبلا راجی	۵۹۲	فرزانه روحانی شروانی (۱۸ ساله)	
۴۳۶	سارا حمیدی	۴۸۹	نا طمه داسرشت	۵۴۰	فرخنده راجی	۵۹۳	فرزانه روحی طبیب آبادی	
۴۳۷	مهین حنیف‌ای	۴۹۰	معصومه داسی (۱۷ ساله)	۵۴۱	افسانه راجی	۵۹۴	نا هیدرودگری	
۴۳۸	سپهرت حسینی (۱۸ ساله)	۴۹۱	لسلا دارا شی	۵۴۲	سروانه راجی	۵۹۵	زهرا روزی طلب	
۴۳۹	نسرین حسینی (۱۸ ساله)	۴۹۲	نسرین دانش	۵۴۳	زهرا راجی	۵۹۶	آذرخا راجی	
۴۴۰	کبری حیدریان فدائی	۴۹۳	مرم‌دانش ابران	۵۴۴	نبرده راجی	۵۹۷	اعظم روشنا شی	
۴۴۱	رقیه خاشمی	۴۹۴	دانش پور	۵۴۵	مسزهر راجی	۵۹۸	روشنا شی (۱۷ ساله) دانش آموز	
۴۴۲	مهینا رضا شمی	۴۹۵	فرح دانشجو	(با ردا ر) مادر یک فرزند	۵۹۹	جمیله روضه خوان با شی		
۴۴۳	جمیله خاشمی	۴۹۶	مهستی دانش حکمتی	۵۴۶	طوسی رحمانی	۶۰۰	فاطمه روغنجی (دانش آموز)	
۴۴۴	مدیقه خاک پاک	۴۹۷	زهرا دانشور	۵۴۷	ساهدراجی	۶۰۱	طا هره رونا	
۴۴۵	وحیده خاک زاده	۴۹۸	معری داور	۵۴۸	رهرا رحمانی لاهوت	۶۰۲	شهنا زرونا شی	
۴۴۶	مهینا خانمانی	(۵۴ ساله) مادر ۷ فرزند	۴۹۹	شهنا زاده وودی	۵۴۹	نا طمه رحمانی	۶۰۳	شهنا زروبا شی
۴۴۷	نبرده خانجاری	۵۰۰	طا هره دانشی	۵۵۰	ساهدرحمانی	۶۰۴	طلعت رهنما	
۴۴۸	پروین خان محمدی	۵۰۱	زهرا دماغ	۵۵۱	نسرین رحمانیان	۶۰۵	شهلا راجی	
۴۴۹	ملیحه خاشمی	۵۰۲	ماه طلعت دسری	۵۵۲	مهینا زرحمانیان	۶۰۶	مریم راجی	
۴۵۰	نزهت خسته	۵۰۳	عزت درخانی سیا	۵۵۳	رهرا رحمانی لاهوت	۶۰۷	شهلا راجی	
۴۵۱	مهین خاشمی	۵۰۴	حوری درودی (۱۵ ساله)	۵۵۴	مهینا رحمانی موسوی	۶۰۸	نصرت ربیسی	
۴۵۲	محبوبه خاشمی	۵۰۵	نا طمه درودی (۱۶ ساله)	۵۵۵	نسرین رحمت زاده	۶۰۹	اکرم زالی	
۴۵۳	مریم خاشمی صفت	۵۰۶	سپهلا درودیان	۵۵۶	اعظم رحمتی	۶۱۰	سروانه راجی	
۴۵۴	فرحنا زخدری	۵۰۷	سپاس دربا شی	۵۵۷	شمس رحمانی (با ردا ر)	۶۱۱	فلور راجی	
۴۵۵	مهینا زخدری	۵۰۸	مریم دژ آگاه	۵۵۸	ترانه رحمن‌زاد	۶۱۲	فتانه راجی (با ردا ر)	
۴۵۶	فریا خدیوی	۵۰۹	زینب دستان	۵۵۹	نهمسه رحمن‌زاد	۶۱۳	سروانه زاهد	
۴۵۷	اکرم خراشی	۵۱۰	روبا دستمالچی	۵۶۰	سوران رحیمی	۶۱۴	طا هره زاهدی	
۴۵۸	جمیله خراشی	۵۱۱	طا هره دفتر	۵۶۱	طا هره رحیمی	۶۱۵	مریم زابی	
۴۵۹	فاطمه خراشی مطلق (با ردا ر)	۵۱۲	الیه دکما	۵۶۲	طوسی رحیمی	۶۱۶	سیمین زائری	
۴۶۰	فاطمه خراشی دیورسبا هکلی	۵۱۳	مهینا عظم‌دوانی پور	۵۶۳	مرصه رحمانیان	۶۱۷	فاطمه زائریان مقدم	
۴۶۱	حمیده خردمند	۵۱۴	وبکتوربا دولت‌نای (۱۵ ساله)	۵۶۴	فاطمه رخ‌بین (دانش آموز)	۶۱۸	گیتی زرقانی	
۴۶۲	فرانک خرسندی	۵۱۵	طا هره ده‌حقی (۱۸ ساله)	۵۶۵	افسانه رزمجو	۶۱۹	سیمین زمانی	
۴۶۳	فروزنده خرم	۵۱۶	گیتا دهقان	۵۶۶	نهمسه رستگار مقدم	۶۲۰	شهلا زمانی	
۴۶۴	فرح خرم‌نژاد	۵۱۷	مولود دهقان	۵۶۷	عطیه رستگار مقدم	۶۲۱	حمیرا زمریدیان	
				۵۶۸	الیه رستمی	۶۲۲	شهنا زرنجانی	

۶۲۳	رهره ریبا ثی	۶۷۹	فاطمه ثا دمانی	۷۲۲	میشدشخ	۷۸۳	بیرد صمدی
۶۲۴	تیبا ززیبا ثی	۶۸۰	مرسم ثا دمانی	۷۲۳	ساز ی شیخ ابراهیمی	۷۸۴	ظا هره صمدی
۶۲۵	رهره ریبا ثی (دانش آموز)	۶۸۱	معصومه ثا دمانی (۱۵ ساله)	۷۲۴	زهرا نوح الاسلام	۷۸۵	نررا صمدی
۶۲۶	آرستا ساری (۱۵ ساله)	۶۸۲	نهمینه ثا کری (۱۷ ساله)	۷۲۵	مریم شیخ الاسلامی (۱۶ ساله)	۷۸۶	نرس صمدی
۶۲۷	فاطمه ثا حدی (۱۳ ساله)	۶۸۳	نا هید ثا کری	۷۲۶	زهرا شیخ سا	۷۸۷	نرس صمدی
۶۲۸	فهمه ثا دات حسینی	۶۸۴	فاطمه ثا ملو	۷۲۷	فریده شرار	۷۸۸	نا خدمصمی
۶۲۹	مرسم ثا دات حسینی	۶۸۵	وسدا ثا ملو	۷۲۸	مرصه شیرازی	۷۸۹	رهره صمدی مطلق
۶۳۰	سارا	۶۸۶	روفا ثا می	۷۲۹	سودا نه شرافکن	۷۹۰	ناظمه صمدی مطلق
۶۳۱	ظا هره ثا لمنه	۶۸۷	سعدده ثا می	۷۳۰	سبمن شیرزاد	۷۹۱	منیره صمدی رجا بجان
۶۳۲	نررا صمدی	۶۸۸	نا هید ثا هرخی محلاتی	۷۳۱	مهری نرنکی	۷۹۲	نرسه صمدی
۶۳۳	سروا نه سزوار ی	۶۸۹	زهرا ثا همرادی	۷۳۲	مینا زشرنگی	۷۹۳	اعظمه صمدی
۶۳۴	پروا نه زندی	۶۹۰	فاطمه ثا بمنه	۷۳۳	شوا شیروانی	۷۹۴	ناظمه صمدی (دانش آموز)
۶۳۵	مزکان زندی	۶۹۱	فرشته شبانی	۷۳۴	نرکن شیروانی	۷۹۵	عت صمدی
۶۳۶	معصومه سرمان (۱۶ ساله)	۶۹۲	فاطمه شندری	۷۳۵	نرکن شروبه	۷۹۶	عاطفه صمدی نژاد
۶۳۷	رهره سکتکن	۶۹۳	حمیده شستری	۷۳۶	زهرا ماسون نزار	۷۹۷	زهرا صمدی
۶۳۸	مسانه سپهری شهراف	۶۹۴	زهرا شستری	۷۳۷	زهرا صا به تراب	۷۹۸	مننا صمدی
۶۳۹	مسوسوده سبما	۶۹۵	مریم شجره سورملو ثی	۷۳۸	سکنه صمدی	۷۹۹	سبمن صمدی
۶۴۰	رهره سجاد ی	۶۹۶	نندا شرفابی	۷۳۹	کبیتی صمدی	۸۰۰	کبیتی صمدی
۶۴۱	مننا صمدی	۶۹۷	مینا زشرنگی	۷۴۰	بروسن صمدی (۱۸ ساله)	۸۰۱	مهری صمدی (دانش آموز)
۶۴۲	مهری صمدی	۶۹۸	مرسم شرفان زاد	۷۴۱	سما صمدی	۸۰۲	مریم صمدی
۶۴۳	النه سرگریزی	۶۹۹	عممت شرفانی	۷۴۲	نسرین صمدی	۸۰۳	امدین صمدی
۶۴۴	زهرا صمدی	۷۰۰	معینه شرفابی (باردار)	۷۴۳	بروا نه صمدی	۸۰۴	فاطمه صمدی میرزائی
۶۴۵	خدیده سروستانی	۷۰۱	خریه ترکنت	۷۴۴	حمله صمدی	۸۰۵	مننا صمدی پورکا زرونی
۶۴۶	گوهر تاج سعادت	۷۰۲	زهرا شرف بخارا ثی	۷۴۵	سپلا صمدی	۸۰۶	مینا صمدی زاده
۶۴۷	سعیده پور (۱۵ ساله)	۷۰۳	سپلا صمدی	۷۴۶	فاطمه صمدی (۱۸ ساله)	۸۰۷	بروسن صمدی
۶۴۸	سوسن سعیدی	۷۰۴	مینا نسما سیور (۱۵ ساله)	۷۴۷	منتر صمدی	۸۰۸	فاطمه صمدی لسی
۶۴۹	شپنا زسعیدی (۱۷ ساله)	۷۰۵	مرسم صمدی	۷۴۸	شپنا صمدی	۸۰۹	لسلا صمدی
۶۵۰	سعیده سلامی	۷۰۶	مرسم صمدی (۱۸ ساله)	۷۴۹	نررا صمدی	۸۱۰	زری صمدی (۱۵ ساله)
۶۵۱	فرزانه سلطانی	۷۰۷	مرسم صمدی (دانش آموز)	۷۵۰	صمدی صمدی (۱۷ ساله - خلق آویز)	۸۱۱	زینب صمدی
۶۵۲	فهمه سلطانی	۷۰۸	مرسم صمدی	۷۵۱	مینا صمدی (۱۸ ساله - خلق آویز)	۸۱۲	ظا هره صمدی
۶۵۳	شپنا سلیمان زاده	۷۰۹	سره صمدی	۷۵۲	صمدی صمدی	۸۱۳	مرصه صمدی
۶۵۴	صدیقه سلیمان آبادی	۷۱۰	مرسم صمدی	۷۵۳	صدر	۸۱۴	خدیده صمدی تفرشی
۶۵۵	شپنا نه سلیمان سنا ثی	۷۱۱	نا سمن شفا ثی	۷۵۴	مرسم صمدی لاشرفی	۸۱۵	زهرا صمدی
۶۵۶	شپنا سلیمان زاده	۷۱۲	رهره شکاری	۷۵۵	مرسم صمدی (۱۷ ساله - خلق آویز)	۸۱۶	مریم صمدی
۶۵۷	مکره سلیمی	۷۱۳	سرا شکاره	۷۵۶	صدر لاشرفی	۸۱۷	عزت صمدی
۶۵۸	مهره سلیمان	۷۱۴	مننا سکوه صمدی	۷۵۷	سوس صدرالذکری	۸۱۸	طریقی
۶۵۹	مینا زسما وری (۱۶ ساله)	۷۱۵	مرسم صمدی	۷۵۸	معصومه صمدی (۱۸ ساله)	۸۱۹	نرطلو صمدی
۶۶۰	سکینه سما وری	۷۱۶	معصومه شکوهی	۷۵۹	هما صمدی	۸۲۰	حمله صمدی
۶۶۱	مطهره سما وری	۷۱۷	افسانه شمس آبادی (۱۸ ساله)	۷۶۰	سخت صمدی	۸۲۱	بروا نه صمدی (۱۶ ساله)
۶۶۲	سبمن سما وری	۷۱۸	صدیقه شمس فرد	۷۶۱	سخت صمدی (۱۸ ساله)	۸۲۲	فاطمه صمدی
۶۶۳	شریا سنماری	۷۱۹	فریده شمشیری	۷۶۲	سخت صمدی (دانش آموز)	۸۲۳	بروسن صمدی
۶۶۴	مسبزه سپهری	۷۲۰	وحیده شوکتی (۱۵ ساله)	۷۶۳	سخت صمدی	۸۲۴	مریم صمدی
۶۶۵	سپلا سبیل آبادی	۷۲۱	فاطمه شپانی	۷۶۴	رهره صمدی	۸۲۵	مرسم صمدی (باردار)
۶۶۶	فاطمه سبیلی بگانه	۷۲۲	آندا شپانی	۷۶۵	مرسم صمدی (۱۷ ساله)	۸۲۶	عذرا صمدی
۶۶۷	زاله سبیل	۷۲۳	ها بده شپانی	۷۶۶	رهره صمدی	۸۲۷	بتول صمدی
۶۶۸	لادن سیادت	۷۲۴	فاطمه شپرستانی	۷۶۷	سوا صمدی	۸۲۸	سخت صمدی
۶۶۹	زیلا سنا ف (۱۶ ساله)	۷۲۵	زهرا شپرکردی	۷۶۸	سخت صمدی (۱۸ ساله)	۸۲۹	مینا صمدی
۶۷۰	سبا وشی	۷۲۶	فاطمه شپرکردی (۱۷ ساله)	۷۶۹	مرسم صمدی	۸۳۰	فریا صمدی
۶۷۱	ظا هره سیدآبای	۷۲۷	مینا شپرکاری	۷۷۰	رسم صمدی	۸۳۱	فرزانه صمدی
۶۷۲	ظا هره سید احمدی	۷۲۸	زهرا شپواری	۷۷۱	رسم صمدی	۸۳۲	وحیده صمدی
۶۷۳	فاطمه سیدی (باردار)	۷۲۹	محبوسه شپکلاهی	۷۷۲	رسم صمدی (۱۶ ساله)		
۶۷۴	نا هید سیف الهی ساد رجان	۷۳۰	شکوه شپلانی (۱۸ ساله)				
۶۷۵	سبینه صمدی	۷۳۱	زسا شپنا زحدری				
۶۷۶	صدیقه صمدی						
۶۷۷	فرشته صمدی (۱۸ ساله)						
۶۷۸	اعظمه صمدی (دانش آموز)						



۹۷۵ - فرسا عدومی	۹۲۷ - سیلا فردوست	۸۸۰ - فریده علیرمائی	۸۲۳ - روح انگیز عباس زاده دهقانی
۹۷۶ - مرده فدایی	۹۲۸ - شپا فردوسی راد	۸۸۱ - کبری علیراده کوزاسی	۸۴۵ - دورزند
۹۷۷ - روسا فرسان زاده	۹۲۹ - ساهد فردوسی راد	۸۸۲ - ملحد علی کرجی	۸۲۴ - مقبیه عباس زاده
۹۷۸ - فرسا فرسان راده	۹۳۰ - سرس فرانه	۸۸۳ - منصوره علی محمدی	۸۲۵ - رسب عباسی
۹۷۹ - قربانی	۹۳۱ - میسدرانه‌ها	۸۸۴ - معصومه علی محمدی	۸۲۶ - مرسم عبدالرحیم کاشی
۹۸۰ - سپه‌با سو فرسانی	۹۳۲ - مرسم فرنا دفر	(۱۷ساله، دانش آموز)	(۱۸ساله دانش آموز)
۹۸۱ - شپلاقرباسی (۱۳ساله، دانش آموز)	۹۳۳ - مسزهرسانی	۸۸۵ - ظاهره علی وردی	۸۲۷ - صوفی عبدالله محمدی
۹۸۲ - فریده فرسانی	۹۳۴ - معصومه فرماسر	۸۸۶ - عماری	۸۲۸ - حورشید عبداللویی
۹۸۳ - سلطنت فرسانی اردستانی (ساردا رودفرزند)	(۱۷ساله، دانش آموز)	۸۸۷ - راصه عماری (ساردار)	۸۲۹ - شپا زعبداللویی
۹۸۴ - صوسر فرسانی اردستانی	۹۳۵ - زهرا فرماسر دار	۸۸۸ - مسوعمراسی	۸۴۰ - فاطمه عبداللویی
۹۸۵ - فرتره‌چی	۹۳۶ - پروین فروغی	۸۸۹ - زهرا عمراسان	۸۴۱ - مولود عبداللویی
۹۸۶ - ساهد فره‌گوزلو	۹۳۷ - ستول فرهادی	۸۹۰ - زهرا عموزیدی	۸۴۲ - فاطمه عدلی
	۹۳۸ - فرهادی	(۱۷ساله، دانش آموز)	۸۴۳ - منیا عدلی
(۱۷ساله، دانش آموز)	۹۳۹ - صفرا فرهادی (دانش آموز)	۸۹۱ - محموره عمومی	۸۴۴ - آدرعدی
۹۸۷ - فاطمه فریب	۹۴۰ - ساهد فرهادسان	۸۹۲ - فاطمه عمومی	(۱۷ساله، دانش آموز)
۹۸۸ - فروغ فریب	۹۴۱ - معصومه فرهمند	۸۹۳ - رسا عباسی	۸۴۵ - شپلاعدی
۹۸۹ - مهین فرشی	۹۴۲ - معصومه فروون کبری	۸۹۴ - لعلیا عصرا ن	(۱۶ساله، دانش آموز)
۹۹۰ - فاطمه فرول فارسی	۹۴۳ - منصوره فروون کبری	(۱۷ساله، دانش آموز)	۸۴۶ - لسللا عدلو
(۱۷ساله، دانش آموز)	(۱۸ساله، دانش آموز)	۸۹۵ - فاطمه عدلی گجاری	۸۴۷ - حدیجه عرشا‌هی
۹۹۱ - ضرب نزوسنی	۹۴۴ - فاطمه مشند	۸۹۶ - فاطمه عسی	۸۴۸ - آسه عرسلی
۹۹۲ - مرده صفراوی	۹۴۵ - فرسا نظرسی	(۱۷ساله، شپادب دراشکند)	۸۴۹ - منصوره عرسلی
۹۹۳ - آراسدلی وسد	۹۴۶ - فریده نظرسی	۸۹۷ - رهرا عمومی	۸۵۰ - ساهد عرسلی
(۱۶ساله، فرزند)	۹۴۷ - سول مقبیه درفوللی (ساردار)	۸۹۸ - مدینه عمومی	۸۵۱ - مرسم عرفا‌سی
۹۹۴ - ساهدفا دنهرا‌نی	۹۴۸ - هما نقیبتی	۸۹۹ - آرزینا عرسوی	۸۵۲ - حدیجه عرفا‌سان
۹۹۵ - سرس مسرور	(۱۷ساله، دانش آموز)	۹۰۰ - کتا یون عرسوی	۸۵۳ - وحیبه عرفا‌سی حبایری
۹۹۶ - حمده مسری	۹۴۹ - مرسم فلاحن	۹۰۱ - حمیده غفاری	(۱۷ساله، دانش آموز)
۹۹۷ - سرس مسری	۹۵۰ - شپلا فلاحی	۹۰۲ - فاطمه عفا‌ری	۸۵۴ - الهه عروچی
(۱۷ساله، دانش آموز)	۹۵۱ - مدینه تلک‌رو	۹۰۳ - ملحد عموری	۸۵۵ - اسرا ن عرسری
۹۹۸ - سوسن فسانی	۹۵۲ - رکینه فوق	۹۰۴ - سرس عموری	۸۵۶ - روسا عرسرا ن
۹۹۹ - معصومه فسانی	۹۵۳ - هما نهیمی	سرخوارا درکسری)	۸۵۷ - فاطمه عسگری
۱۰۰۰ - سروس سظولی	(۱۷ساله، دانش آموز)	۹۰۵ - حدیجه علامی	۸۵۸ - مسنا عسگری
۱۰۰۱ - مهین کارگاه	۹۵۴ - زهرا فسانی	۹۰۶ - فخری غلامی	۸۵۹ - سرشجرعما‌ره
۱۰۰۲ - احترام کارگر	۹۵۵ - هاجرهبفی	۹۰۷ - رفیده فاسی	۸۶۰ - فرانه عطا
۱۰۰۳ - رفعت کارگر	۹۵۶ - آبدافادری	۹۰۸ - اساندا فارسی (۱۲ساله)	۸۶۱ - سول عطا‌رزاده
۱۰۰۴ - اعظم‌کاشانی	۹۵۷ - سکینه قادری	۹۰۹ - کبری فارونی	۸۶۲ - ظاهره عظمی
۱۰۰۵ - کاشانی	۹۵۸ - عشرت فاسم‌بور	۹۱۰ - لاره‌فاسله	۸۶۳ - ظاهره عظمی
۱۰۰۶ - سرشجرکاشانی	۹۵۹ - مرصه‌فاسم‌را ده	۹۱۱ - فاطمه‌فاسل‌را ده	(۱۸ساله، دانش آموز)
۱۰۰۷ - شپا زکاطمی	۹۶۰ - زهرا فاسم‌با	۹۱۲ - روحه‌فاطمی	۸۶۴ - فلورا عظمی‌بور
۱۰۰۸ - ماریا کاطمی	۹۶۱ - زهرا فاسمی	۹۱۳ - مرسم فاطمی	۸۶۵ - زهرا علاقمند
(۱۸ساله، دانش آموز)	۹۶۲ - مدینه‌فاسمی (۱۶ساله)	۹۱۴ - رهرا فاسی	۸۶۶ - مسره علاقمند
۱۰۰۹ - مرضه‌کاشانی	۹۶۳ - ظاهره‌فاسمی	۹۱۵ - رهرا فاسی	۸۶۷ - مسزده علاقمند
۱۰۱۰ - راصه‌کاشانی	۹۶۴ - سرس فاسمی	۹۱۶ - مدینه‌فاسی	۸۶۸ - حوربه علائینی
۱۰۱۱ - عاطفه‌کاشانی	۹۶۵ - مبترا فاسی زاده	۹۱۷ - شیره‌فانوره‌چی	(۱۶ساله، دانش آموز)
۱۰۱۲ - نهیمه‌کاشانی	۹۶۶ - رهرا فاشرفنی	۹۱۸ - فاطمه‌فاسرا ن	۸۶۹ - ثرا علف‌چین
۱۰۱۳ - ساداکاشانی	۹۶۷ - مدینه‌فاسم‌محمدی	۹۱۹ - مدینه‌فاسر	۸۷۰ - طسه علمی
۱۰۱۴ - راصه‌کاسر	۹۶۸ - مدینه‌فاسمی	۹۲۰ - آدر فحرا‌لسرا	۸۷۱ - شریعه‌علیران
۱۰۱۵ - ملحد کاسر	۹۶۹ - راصه‌فاسدیور	(۱۷ساله، دانش آموز)	۸۷۲ - سوشن علوی بحرشی
۱۰۱۶ - سرون زکسری	(۱۷ساله، دانش آموز)	۹۲۱ - محبوسه‌فاسی	۸۷۳ - مهیری علیران‌سزاد
(۱۷ساله، دانش آموز)	۹۷۰ - معصومه‌فاسم‌عدلیلو	۹۲۲ - سمرافاسی اردستانی	۸۷۴ - مدینه‌علی‌بها
۱۰۱۷ - احترام‌السادات کرباسی (۶۰ساله، فرزند)	۹۷۱ - مرسم‌فاسدی‌ماب	۹۲۳ - مدینه‌فاسر مرزی	۸۷۵ - زهرا علی‌بور
۱۰۱۸ - مهینا زکربلاشی‌شیرانی (۱۸ساله، دانش آموز)	(۱۶ساله، دانش آموز)	۹۲۴ - لسللا فراسرا ن	۸۷۶ - فریده‌علی‌بور
۱۰۱۹ - منیرالسادات کربلاشی‌فنی	۹۷۲ - کیتا علیراهی	۹۲۵ - اکرم‌فاسی	۸۷۷ - نهیمه‌علی‌حبیبی
	۹۷۳ - هما بصیرفاسی	۹۲۶ - مرسم‌فاسی	۸۷۸ - مرده‌علی‌فاسدی
	۹۷۴ - سعیده‌فاسدک‌ساز	(۱۸ساله، دانش آموز)	۸۷۹ - حاجیه‌علی‌فاسی

۱۰۲۰ - خدیجه کردستانی	۱۰۶۶ - الهام لطیفی	۱۱۱۱ - سکینه محمدی	۱۱۶۱ - ملحه مرتضوی
۱۰۲۱ - خواهر کریمی	۱۰۶۷ - سیلا لطیفی	۱۱۱۲ - سیما محمدی	۱۱۶۲ - مرزادی (۱۵ ساله، دانش آموز)
۱۰۲۲ - سیما کریمی	(۱۶ ساله، دانش آموز)	۱۱۱۳ - سیلا محمدی	۱۱۶۳ - فهیمه بریان
(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۰۶۸ - لطفه ربیع	۱۱۱۴ - صعه محمدی	۱۱۶۴ - مرشدی
۱۰۲۳ - فاطمه کریمی	۱۰۶۹ - آدرنعل	۱۱۱۵ - فاطمه محمدی	۱۱۶۵ - فریده یزدان‌نیا
۱۰۲۴ - زهرا کریم الله (دانش آموز)	۱۰۷۰ - زهرا البوی	۱۱۱۶ - فرح محمدی (دانش آموز)	۱۱۶۶ - مریم‌زینا نی
۱۰۲۵ - طیبه کریم الله (دانش آموز)	۱۰۷۱ - زهرا لقمانی	۱۱۱۷ - کسری محمدی	۱۱۶۷ - ملک مستوفی (باردار)
۱۰۲۶ - سعیده کریمان	۱۰۷۲ - پروین لک	۱۱۱۸ - لیلما محمدی	۱۱۶۸ - پروین مستوفی
(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۰۷۳ - رهزه لک	۱۱۱۹ - مرسم محمدی	(۳۰ ساله، ۳ فرزند، باردار)
۱۰۲۷ - پروین کریم‌خانی	۱۰۷۴ - معصومه لک	۱۱۲۰ - ملک تاج محمدی	۱۱۶۹ - آسانه سعودی
(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۰۷۵ - مخری لک کریمی (باردار)	(۴۵ ساله، ۴ فرزند)	۱۱۷۰ - منیژه مسعودی
۱۰۲۸ - آفاق کریمی	۱۰۷۶ - مینا لنگرودی	۱۱۲۱ - ملحه محمدی	۱۱۷۱ - مهرا انگیز سعودی
۱۰۲۹ - سعیده کریمی‌ان	۱۰۷۷ - سیمین لوثی	۱۱۲۲ - مه‌ری محمدی	۱۱۷۲ - فاطمه مسگرخوشی
۱۰۳۰ - صدیقه کسان	۱۰۷۸ - شیوا مانوج	۱۱۲۳ - ندسی محمدی آوزجی	(۱۷ ساله، دبیلمه)
۱۰۳۱ - هما کسان	۱۰۷۹ - زهرا مانمیر	۱۱۲۴ - ندسی محمدی	۱۱۷۳ - نسرتین مسیح
۱۰۳۲ - مینا کلانتر	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۱۲۵ - سکینه محمدی اردهالی	۱۱۷۴ - رقیه مسیح (دارای ۶ فرزند)
۱۰۳۳ - مرجان کلانتری	۱۰۸۰ - ملوک ماندگار (نصف آسیادی)	(۷۰ ساله، ۹ فرزند)	۱۱۷۵ - مشاخی
۱۰۳۴ - مهنا زکلاتنتری	(باردار)	۱۱۲۶ - سنا محمدی حمله	۱۱۷۶ - فرسا مشاخی
۱۰۳۵ - وبدا کلیانی	۱۰۸۱ - مریم سالان	۱۱۲۷ - سوران محمدی فرار	۱۱۷۷ - عا طفه مشکرتی
(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۰۸۲ - ستول میرم	۱۱۲۸ - طاهره محمدی کیا	۱۱۷۸ - مرصبه مشکوری
۱۰۳۶ - راضه کمالی	(۱۶ ساله، دانش آموز)	۱۱۲۹ - ناطفه محمود حکیمی	۱۱۷۹ - معصومه مشکوهی
۱۰۳۷ - فاطمه کنعجیان	۱۰۸۳ - لیلما متوسل	۱۱۳۰ - روانک محمودزاده	۱۱۸۰ - زهرا متکسی
۱۰۳۸ - مریم کوزه‌گر (باردار)	۱۰۸۴ - ماندانا محاوریان	۱۱۳۱ - عزت محمودزاده	۱۱۸۱ - سرتین مسیدی
۱۰۳۹ - مهنا رکوهرستانی	۱۰۸۵ - مسترا محاوریان	۱۱۳۲ - سروس محمودی	۱۱۸۲ - زهرا مشیدی مسافنی
(۱۶ ساله، دانش آموز)	۱۰۸۶ - شهنا زحمتیان	۱۱۳۳ - خالد محمودی	۱۱۸۳ - زهرا مشیری
۱۰۴۰ - مهنا زکوهستانی	۱۰۸۷ - منصوره محتبان	۱۱۳۴ - رسب محمودی	۱۱۸۴ - آزاده مشیبی جی
۱۰۴۱ - عزت‌کیا احمدی	۱۰۸۸ - زهرا محد	۱۱۳۵ - لیلما محمودی (دانش آموز)	۱۱۸۵ - عزت مصباح
۱۰۴۲ - سرت کبیا احمدی	۱۰۸۹ - سسمن محد (مخبر)	۱۱۳۶ - ملحه محمودی	(۱۵ ساله، دانش آموز)
۱۰۴۳ - زهره کبیا نوری	(دانش آموز)	۱۱۳۷ - مهرا سکندر محمودیان	۱۱۸۶ - فاطمه مصباح
۱۰۴۴ - عصمت کبیا سی	۱۰۹۰ - مهین محریبان	۱۱۳۸ - مهنا رحمودیان	(۱۳ ساله، دانش آموز)
۱۰۴۵ - کبیا نی	۱۰۹۱ - منصوره محبان	۱۱۳۹ - 'کرم محسری	۱۱۸۷ - محبوبه مصباح
۱۰۴۶ - مریم کبیا سی	(۱۸ ساله، دانشجو)	۱۱۴۰ - سارا محارزاده	۱۱۸۸ - سهیلا صدق‌فر
۱۰۴۷ - زهره کبیا نی	۱۰۹۲ - فاطمه محبت	۱۱۴۱ - مرسم مداحی	۱۱۸۹ - فرنا زمطفوی سوری
۱۰۴۸ - معصومه گلش مرادی	(۱۶ ساله، دانش آموز)	۱۱۴۲ - مهنا زمداحی	(۱۷ ساله، دانش آموز)
۱۰۴۹ - هما گرامی	۱۰۹۳ - الهیه محبت‌فر	۱۱۴۳ - اشرف مدد	۱۱۹۰ - فرشته مصلحی
۱۰۵۰ - سیما گرامی شیرازی	(۱۶ ساله، دانش آموز)	۱۱۴۴ - عزیره مددپور	(۱۸ ساله، دانش آموز)
۱۰۵۱ - ناهیدگروسی	۱۰۹۴ - اکرم محبویی	۱۱۴۵ - فاطمه مددپور	۱۱۹۱ - سما مطلقی
۱۰۵۲ - رقیه گلزاری	۱۰۹۵ - ناهید محتسبی	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۱۹۲ - حمبله مظاهری
۱۰۵۳ - فرحنا زگلجیان	۱۰۹۶ - نیره محتسبی	۱۱۴۶ - شاهیه مدرسی	(۱۶ ساله، دانش آموز)
(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۰۹۷ - زکمه محدث	۱۱۴۷ - شهرآ سومدرسی	۱۱۹۳ - سرتین مظاهری
۱۰۵۴ - فریبا گلجیان (دانش آموز)	۱۰۹۸ - عطیه محررخوانساری	۱۱۴۸ - شهره مدبرشانه‌چی	۱۱۹۴ - فاطمه مظاهری
۱۰۵۵ - زهرا گله	۱۰۹۹ - طاهره محررخوانساری	۱۱۴۹ - شیوا مرآت	۱۱۹۵ - افسانه مطهری
(۲۴ ساله، ۴ فرزند، حلق آویز)	۱۱۰۰ - آفاق محسنی	۱۱۵۰ - عربزه مرادیور	۱۱۹۶ - هما سوبدخت مطهری ناسبتی
۱۰۵۶ - وبدا کلی آکناری	۱۱۰۱ - فرشته محمدیناه (دانش آموز)	۱۱۵۱ - خسرا انسا، مرادرسمی	۱۱۹۷ - ملحه معاوی
۱۰۵۷ - پروین کلنی آکناری	۱۱۰۲ - فاطمه محمد حکیمی	۱۱۵۲ - سروس مرادی	۱۱۹۸ - مهشید معصفذکسوان
۱۰۵۸ - زهره گودرزی	۱۱۰۳ - خالیه محمدرات	۱۱۵۳ - حاحه مرادی	۱۱۹۹ - رحما لیمسه معتمدی
۱۰۵۹ - فاطمه گودرزی	۱۱۰۴ - زهرا محمدزاده	۱۱۵۴ - سسمن مرادی	۱۲۰۰ - زهره معتمدی
(۱۷ ساله، دانش آموز)	(۱۹ ساله، باردار)	۱۱۵۵ - صدیقه مرادی	(۱۷ ساله، دانش آموز)
۱۰۶۰ - گوهر گودرزی	۱۱۰۵ - زهره محمدزاده	۱۱۵۶ - صغری مرادی	۱۲۰۱ - فاطمه معتمدی
۱۰۶۱ - آساکلانی کولانی (زیر شکنجه)	۱۱۰۶ - زینا محمدزاده	۱۱۵۷ - مستانه مرادی	۱۲۰۲ - عذرا معتمدی فرد (۱۶ ساله)
۱۰۶۲ - مه‌ری کوه‌رستمی	۱۱۰۷ - فرشته محمدمانی	۱۱۵۸ - معصومه مرادی	۱۲۰۳ - فاطمه معزی
۱۰۶۳ - سروس گلانی	(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۱۵۹ - معصومه مرادی	۱۲۰۴ - سودانه معزی زاده
(۱۷ ساله، دبیلمه)	۱۱۰۸ - منصوره محمد مظاهری	(۱۴ ساله، دانش آموز)	۱۲۰۵ - سودانه معصومی نژاد
۱۰۶۴ - حدسه لیرستانی	۱۱۰۹ - آذر محمدی	۱۱۶۰ - محبوبه مرتاضی	۱۲۰۶ - صدیقه معطمی (دانش آموز)
۱۰۶۵ - ترانه لطیفیان	۱۱۱۰ - حمیرا محمدی		۱۲۰۷ - مهنا زمعتوی پرست

۱۲۰۸ - شهین مقبلی	۱۲۶۷ - خدیجه مهدوی	۱۳۱۲ - مهنا زحرفی	۱۳۵۹ - اکرم سک رفتار
۱۲۰۹ - ناهیدمقدار پنهان	(۵۷ساله، ۵ فرزند، تبرایان)	۱۳۱۳ - هاله نجفی	۱۳۶۰ - سوزان نبکزاد
۱۲۱۰ - شهین مقدس زاده	۱۲۶۸ - فاطمه مهدوی کرمانی	۱۳۱۴ - نلیفورنخت	۱۳۶۱ - زهرا واحدی
۱۲۱۱ - زهره مقدم	۱۲۶۹ - منری مهدوی تقی پور	(۱۷ساله، دانش آموز)	۱۳۶۲ - هما واحدی
۱۲۱۲ - پروانه مقربیان	۱۲۷۰ - مهنا زهمدیان (باردار)	۱۳۱۵ - رونا نژادکئی	۱۳۶۳ - طاهره واریلی
(۱۷ساله، دانش آموز)	۱۲۷۱ - سهیلا مهدی پور	(۱۷ساله، دانش آموز)	۱۳۶۴ - سهیلا وثوق
۱۲۱۳ - شراره مقیمی	۱۲۷۲ - فاطمه مهدی زاده	۱۳۱۶ - زهرا نژادایمانی	۱۳۶۵ - زکبه وحدت نیا
۱۲۱۴ - صدیقه مقیمی	۱۲۷۳ - مریم مهدی زاده	۱۳۱۷ - اعظم نصیری	۱۳۶۶ - مینا وحید
۱۲۱۵ - ناهیدمقیمی	۱۲۷۴ - بهجت مهرآبادی	۱۳۱۸ - زهرا نصیری (دانش آموز)	۱۳۶۷ - شهرزاد دوحسینی (۱۷ساله)
(۱۸ساله، دانش آموز)	۱۲۷۵ - فرسا مهرآبادی	۱۳۱۹ - زهرا نصیریان	۱۳۶۸ - صدیقه و خدیجه یوسفی
۱۲۱۶ - ناهیدمقیمی	۱۲۷۶ - مهین مهرای کهنه فر	۱۳۲۰ - رقیه نصیری (۲۷ساله باردار)	۱۳۶۹ - هما وردکار
۱۲۱۷ - اعظم ملاحعفری	۱۲۷۷ - مریم مهریان (باردار)	۱۳۲۱ - پری نظری	(۵۰ ساله مادر فرزند)
۱۲۱۸ - سوسن ملازاده	۱۲۷۸ - طرح مهرای نیکو	۱۳۲۲ - زهرا نظری	۱۳۷۰ - رری وورکبانی
۱۲۱۹ - پروین ملازینعلی طاری	۱۲۷۹ - طرح مهرای	۱۳۲۳ - مریم نظری	۱۳۷۱ - رویا وزیری
۱۲۲۰ - فیروزه ملک افتخاری	(۱۸ساله، دانش آموز)	۱۳۲۴ - مهشید نظری	۱۳۷۲ - زهره وزیری
۱۲۲۱ - آمنه ملک افضلی	۱۲۸۰ - فاطمه مبینی	۱۳۲۵ - عصمت نظری دوست	۱۳۷۳ - طاهره وزیری
(۱۸ساله، دانش آموز)	۱۲۸۱ - مریم مبین اتصال	۱۳۲۶ - گسینی نظیری	۱۳۷۴ - نسرتین وسله ای
۱۲۲۲ - طاهره ملکان	۱۲۸۲ - ناهید مبینی	۱۳۲۷ - عامه سمعی	۱۳۷۵ - مرسم وناشی
۱۲۲۳ - الهه ملک زاده	(۱۸ساله، دانش آموز)	۱۳۲۸ - طاهره سمعی	۱۳۷۶ - گسینی وفاشی (باردار)
۱۲۲۴ - بهجت ملک محمدی	۱۲۸۳ - مریده میثمی آزاد	۱۳۲۹ - لطفه سعیمی	۱۳۷۷ - فرسوتین وکیل زاده
۱۲۲۵ - زهره ملک محمدی (۱۷ساله)	۱۲۸۴ - طاهره مسرا حسان	۱۳۳۰ - طاهره سعیدی	۱۳۷۸ - طاهره وکیلی
۱۲۲۶ - ناهید ملک محمدی	۱۲۸۵ - مهسمه مسرا حمدی	۱۳۳۱ - کسری نسیمی سادات	(۱۵ساله، دانش آموز)
(۱۷ساله، دانش آموز)	۱۲۸۶ - مهین مسرحیبی	۱۳۳۲ - زینا نفی زاده	۱۳۷۹ - صدیقه ولی خانی
۱۲۲۷ - پروین ملکی	۱۲۸۷ - سادره میرخسروی	۱۳۳۳ - کوکب نگهبان	۱۳۸۰ - زهرا هاشمی
۱۱۲۸ - فرشته منافی پور	۱۲۸۸ - سوسن میرزاشی	۱۳۳۴ - نتحه سواب	۱۳۸۱ - شمسی هاشمی
۱۱۲۹ - حمیده منافی	۱۲۸۹ - فاطمه میرزاشی	۱۳۳۵ - سواشی	۱۳۸۲ - مسبرالسادات هاشمی
۱۲۳۰ - لادن منتصراسدی	(۱۴ساله، دانش آموز)	۱۳۳۶ - زهرا نودری (باردار)	۱۳۸۳ - نسرتین هدا بیتی
۱۲۳۱ - رویا منجذب	۱۲۹۰ - فرخنده میرزاشی	۱۳۳۷ - فرشته نوراسانی	۱۳۸۴ - نسرتین هدا بیتی
۱۲۳۲ - مریم منزیدی (دانش آموز)	۱۲۹۱ - خدیجه میرزاشی	۱۳۳۸ - مرسم سورا سمانی	۱۳۸۵ - طرح هداشی
۱۲۳۳ - سهیلا منصوره نژاد (۱۶ساله)	۱۲۹۲ - مهین میرجربیان	(۱۵ساله، خلق آویز)	۱۳۸۶ - منیژه هداشی
۱۲۳۴ - مهین منفرد	۱۲۹۳ - معصومه میرمحمد	۱۳۳۹ - معصومه نوراشی	۱۳۸۷ - سیمین هزیر
۱۲۳۵ - مرضیه منیری	۱۲۹۴ - مهین میرمحمدی	۱۳۴۰ - فرشته نوربختی	۱۳۸۸ - محبوبه هلالی
۱۲۳۶ - مریم مواسات	۱۲۹۵ - ناهید مبری جمه	۱۳۴۱ - بروین سوروزی اقدم	۱۳۸۹ - مریم همایون
۱۲۳۷ - رقیه موتا پوررقاشی	۱۲۹۶ - طاهره مسروسفی	۱۳۴۲ - سوسن سوری	۱۳۹۰ - اعظم همتی
۱۲۳۸ - جمیله موسوی	۱۲۹۷ - نرگس سزانی	۱۳۴۳ - حمله سوری	۱۳۹۱ - مریم همدانی
۱۲۳۹ - فاطمه موسوی	۱۲۹۸ - رقیه نادری	۱۳۴۴ - حدیجه سوری	(۱۵ساله، دانش آموز)
۱۲۴۰ - لیلیا موسوی	۱۲۹۹ - حمله ناصری	۱۳۴۵ - سوسن سوری	۱۳۹۲ - منیژه همدانی
(۵۵ساله)	۱۳۰۰ - سرورنا صری	۱۳۴۶ - فاطمه سوری	۱۳۹۳ - قدسی هواکشیان
۱۲۴۲ - ناهید موسوی	۱۳۰۱ - مستوره ناصری	۱۳۴۷ - مرصه سوری	۱۳۹۴ - صدیقه هوشیار (دانش آموز)
(۱۸ساله، دانش آموز)	۱۳۰۲ - عطیه ناطم رموی	۱۳۴۸ - سادره سوری	۱۳۹۵ - مریم با محمدی
۱۲۴۳ - نزهت موسوی	۱۳۰۳ - ساهیدنا ظمی	۱۳۴۹ - زهره سوری زاده	۱۳۹۶ - سودا بدیا سوج
۱۲۴۴ - نهضت موسوی	۱۳۰۴ - صفانا مداری همت	۱۳۵۰ - سوسن سوری مهرایانی	۱۳۹۷ - سهیلا یارزاده
۱۲۴۵ - سیماسوسی بولمضاحی	۱۳۰۵ - زهرا ناهیدپور	۱۳۵۱ - سوسن سوری سک	۱۳۹۸ - شهین یزدان دوست
۱۲۴۶ - مزگان موفقی	۱۳۰۶ - عفت نبوی	۱۳۵۲ - مرسم سانی	۱۳۹۹ - ویولت یزدانی
۱۲۴۷ - زینا مولاثیان	۱۳۰۷ - مرجنا زنجاری	۱۳۵۳ - مریده سراسی	۱۴۰۰ - مهری یزدانی
۱۲۴۸ - لیلیا مولوی اردکانی	۱۳۰۸ - مهنا زنجاری	۱۳۵۴ - فاطمه سوری (۱۵ساله، دانش آموز)	۱۴۰۱ - یکتاشی
۱۲۴۹ - آذر مومنی	۱۳۰۹ - فاطمه نجان ربان	۱۳۵۵ - ساهیدسری	۱۴۰۲ - شریا یگانه
۱۲۵۰ - فرخنده مومنی	۱۳۱۰ - فرسا سحف آبیادی	۱۳۵۶ - کسری سک نخت (باردار)	۱۴۰۳ - زهرا یگانه جاهد
۱۲۵۱ - فاطمه مودب	۱۳۱۱ - فرشته نجمی	۱۳۵۷ - سرار سکجو	۱۴۰۴ - طاهره یگانه موسوی
۱۲۵۲ - فاطمه مودب	(۲۱ساله، دانشجو، باردار)	۱۳۵۸ - سوسن سکجواه	۱۴۰۵ - شهره یلفغانی
۱۲۵۳ - پروانه مودنی	۱۲۵۴ - سرور مهدوی (دانش آموز)		۱۴۰۶ - مهنا زیوسف زانگان
۱۲۵۴ - سرور مهدوی	۱۲۵۵ - سرور مهدوی		۱۴۰۷ - اعظم یوسفی
۱۲۵۵ - سرور مهدوی	۱۲۵۶ - هنده مهدوی		۱۴۰۸ - زهره یوسفی (۱۸ساله، دانش آموز)
۱۲۵۶ - هنده مهدوی			۱۴۰۹ - فاطمه یوسفی
			۱۴۱۰ - ماهرخ یوسفی (دانش آموز)
			۱۴۱۱ - فاطمه یوسفی
			۱۴۱۲ - ...

سرنگون باد جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!